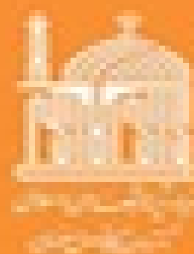
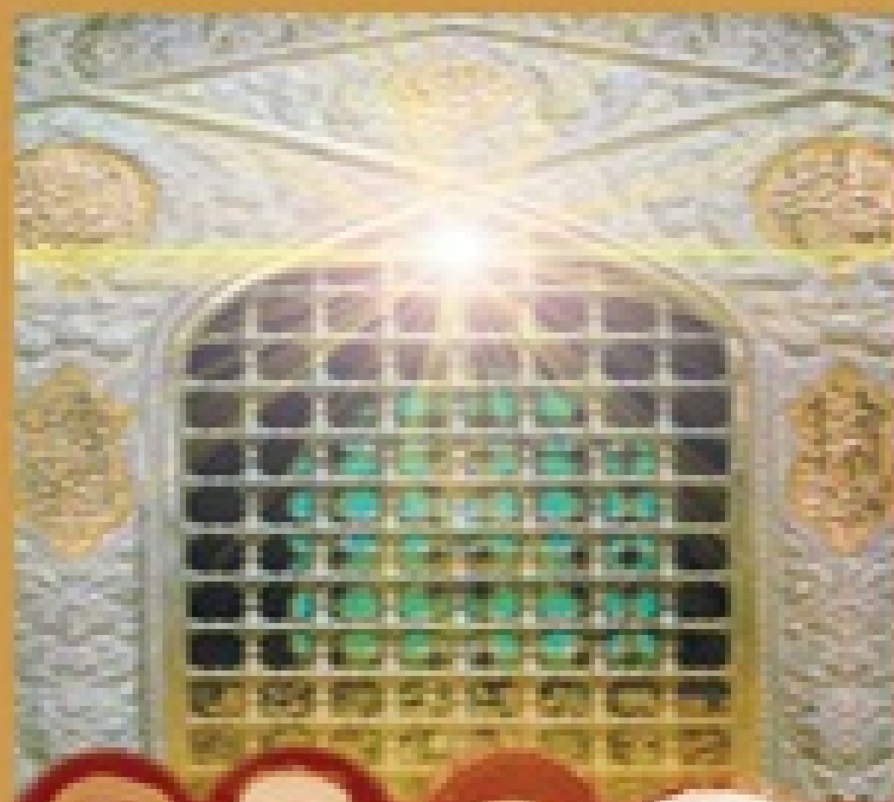
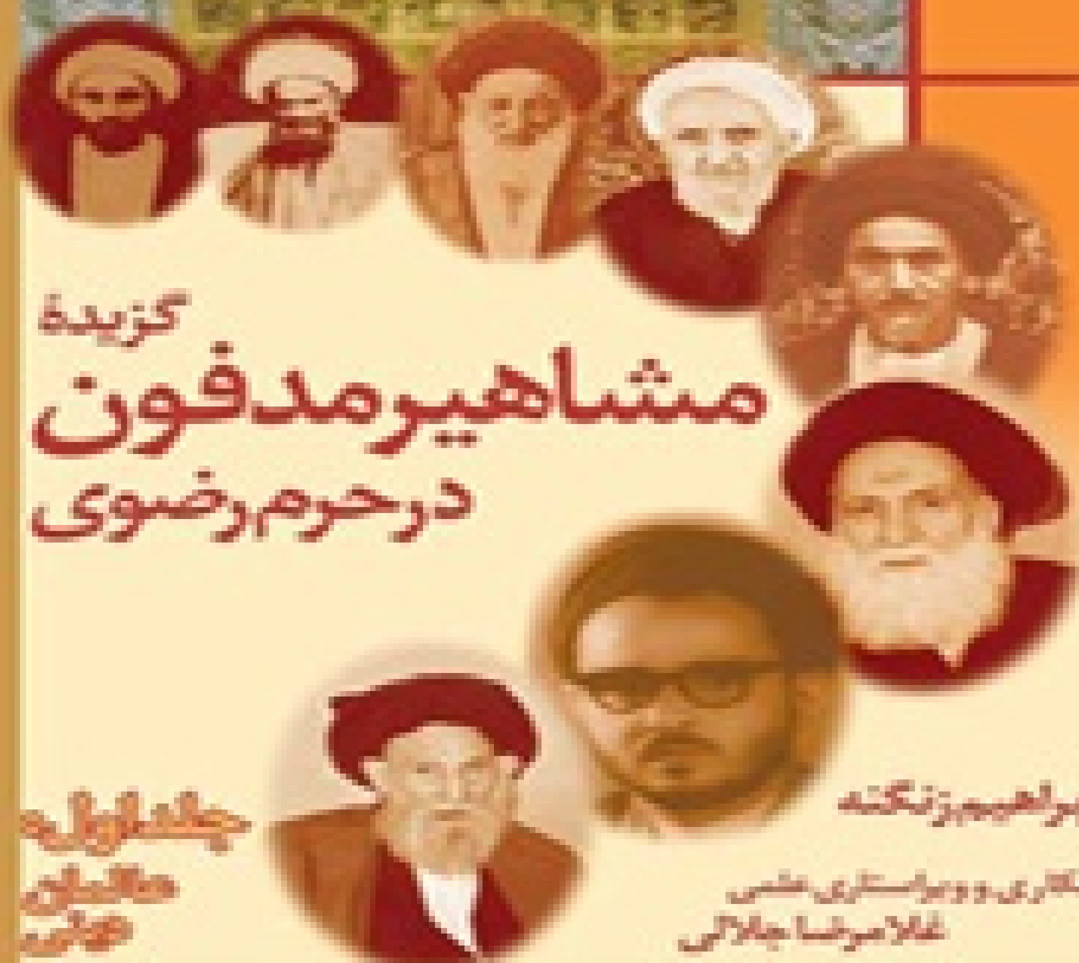






گزیده
مشاهیر مدفون
در حرم رضوی
ابراهیم زنگنه
با همکاری و ویراستاری علمی
غلامرضا جلالی

بسم الله الرحمن الرحیم

گزیده مشاهیر مدفون در حرم رضوی

نویسنده:

ابراهیم زنگنه قاسم آبادی

ناشر چاپی:

بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

گزیده مشاهیر مدفون در حرم رضوی

مشخصات کتاب

سرشناسه : زنگنه قاسم آبادی، ابراهیم، ۱۳۱۴ -

عنوان و نام پدیدآور : گزیده مشاهیر مدفون در حرم رضوی/ ابراهیم زنگنه قاسم آبادی؛ با همکاری و ویرایش علمی غلامرضا جلالی.

مشخصات نشر : مشهد: بنیاد پژوهشهای اسلامی، ۱۳۸۲ -

مشخصات ظاهری : ج ۳.؛ ۲۰×۱۱ س م.

شابک : ۵۰۰۰ریال: ج.۱ ۹۶۴-۴۴۴-۵۸۰-۵ : ؛ ۷۰۰۰ ریال (ج.۱، چاپ ششم) ؛ ۹۰۰۰ریال (ج.۱، چاپ هفتم)

یادداشت : ج.۱ (چاپ ششم: ۱۳۸۶).

یادداشت : ج.۱ (چاپ هفتم: ۱۳۸۷).

یادداشت : کتابنامه

مندرجات : ج. ۱. عالمان دینی.--

موضوع : آستان قدس رضوی -- آرامگاهها

موضوع : اسلام -- سرگذشتنامه

موضوع : سرگذشتنامه

موضوع : آرامگاه ها -- ایران -- مش

شناسه افزوده : جلالی، غلامرضا، ۱۳۳۳ - ، ویراستار

شناسه افزوده : بنیاد پژوهش های اسلامی

رده بندی کنگره : BP۲۱/ز۹گ۴ ۱۳۸۲

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۹۲

شماره کتابشناسی ملی : م ۸۰-۲۸۳۷۹

اشاره

گزیده

مشاهیر مدفون در حرم رضوی

جلد اول: عالمان دینی

ابراهیم زنگنه قاسم آبادی

با همکاری و ویرایش علمی غلامرضا جلالی

ص:۳

فهرست

ص:۷

پیشگفتار

در تفکر اسلام قبور انسانهای مؤمن مورد احترام است. در منابع روایی، مرده مؤمن از همان احترام زنده او برخوردار است و تفاوتی از این حیث میان زنده و مرده انسان مؤمن نیست. لذا یک مسلمان از همان زمان احتضار و فرا رسیدن مرگ تا مردن و غسل و کفن و تشییع و نماز خواندن بر وی و دفن پیکر او، موضوع بسیاری از احکام و آداب شرعی است که در کتابهای فقهی مورد بحث قرار گرفته است و محدثان نیز در کتابهای روایی در ابواب گوناگونی به بیان احادیث وارده از معصومین علیهم السلام، پرداخته اند. شیخ حرّ عاملی در جلد دوم وسائل الشیعه از صفحه ۶۲۱ تا ۹۳۹

احادیث فراوانی را آورده است. ایشان ۴۹ باب در احتضار، و ۳۴ باب در غسل میّت تدوین کرده است و این همه نشانگر آن است که در اسلام حرمت مسلمان، پس از مرگ او نیز باید مورد توجه قرار گیرد و با رعایت احکام و آداب اسلامی که از پیشوایان دینی در این باره رسیده و پرهیز از برنامه های انحرافی و تشریفاتی بر بعد عبرت آموزی این مراسم و بیداری و آمادگی مؤمنان برای سفر به جهان ابدی بیفزایند.

ص:۹

از زمان ظهور اسلام در شهر مدینه، قبور یهود و مسلمان از هم جدا بود. قبیله ی قریش از دیرباز قبرستان ویژه ای داشتند و شهدا نیز در مکانهای اختصاصی خود دفن می شدند. پیامبر اکرم و حضرت علی علیهماالسلام، فاطمه زهرا و بعدها ائمه معصومین علیهم السلام روزهای شنبه، دوشنبه، پنج شنبه و جمعه به زیارت قبور مؤمنین، به ویژه شهدا می رفتند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در مورد زیارت قبور مؤمنان و صالحان سفارش بسیار می کرد و از فرموده های ایشان است که «قبور مؤمنان و صالحان را زیارت کنید، زیرا شما را به یاد آخرت می اندازد».

اهمیت توجه به مزارها و گور اولیا سبب شد بسیاری از بزرگان، کتابهایی در مزارشناسی بنویسند. تذکره هزار مزار عیسی بن جنید شیرازی، مقصد الاقبال سلطانیه سیّد اصیل الدین عبداللّه واعظ، ریاض الالواح و روضه الاطهار، مزارات تبریز و مزارات کرمان در شمار این کتابها هستند.

به تدریج زیارت قبور به یک سنّت تبدیل شد و مشاهد مشرفه و عتبات عالیات که به طور عمده مربوط می شوند به مدفن ائمه اطهار علیهم السلام و فرزندان و برادران و خواهران آنان یعنی امام زادگان و نیز بزرگان از علما و صلحا، بخصوص در میان شیعیان مورد اقبال قرار گرفت و افراد مؤمن با حضور خود در کنار آرامگاه این انسانهای برجسته و صالح از روح آنان مدد می گرفتند و خود موقع مرگ وصیّت می کردند تا بدن آنها کنار قبور پیشوایان دینی و اولیای الهی دفن شود. همین امر سبب پیدایش و گسترش گورستانهای

زیادی در شهرهای مذهبی شد. به ویژه که نقل جنائز از نظر فقهی بدون اشکال شرعی تشخیص داده شد و جمعی از فقها مانند شیخ طوسی در مصباح و نهایه و شهید اول در ذکری، انتقال و حمل جنازه مردگان را - برای دفن اولیه یا دفن مجدد - به مکانهای مقدس همچون حرمین شریفین (مکه و مدینه) یا نجف اشرف یا کربلا یا کاظمین و دیگر اعتاب مقدسه مانند مشهد و دفن در کنار قبور امام زادگان و بزرگان جایز دانستند.

مشهد چنان که اشاره شد، یکی از شهرهایی است که دلیل پیدایش و گسترش آن را در وجود بارگاه ملکوتی امام رضا علیه السلام (۱۴۸-۲۰۳ه .ق.) هشتمین پیشوای شیعیان باید جست. از صدها سال پیش بزرگان زیادی زندگی خود را در این شهر سپری کردند و یا پس از درگذشت در این خاک پاک دفن شدند و یا بدن آنها بر حسب وصیتشان از شهرهای دور و نزدیک به این جا انتقال یافت و به تدریج علاوه بر خاک سپاری در رواقهای حرم، گورستانهای شهر، مثل گورگاه سراب، قتلگاه، قبر میر، بعدها گلشور، خواجه ربیع و بهشت رضا به وجود آمد که تعدادی از آنها امروزه از میان رفته اند.

آنچه پیش رو دارید شرح حال ۵۷ تن از مشاهیر علمای مدفون در حرم مطهر است که از کتاب مشاهیر مدفون در حرم رضوی گزینش شده است. کتاب یاد شده از سوی گروه تراجم و انساب بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی فراهم آمده است و مجلدات آن به زودی از سوی بنیاد پژوهشهای اسلامی به چاپ

خواهد رسید.

* از میان مشاهیر عالمان دینی، آیت اللّه میرزا جواد آقا تهرانی در بهشت رضا و آقا بزرگ حکیم در کوهسنگی دفن شده اند که به لحاظ جایگاه معنوی، در این مجموعه معرفی شده اند، و نیز بر اساس باور پیشینیان، حریم حرم مطهر از جایی آغاز می شده که بارگاه امام رضا علیه السلام قابل رؤیت بوده است.

ص:۱۲

(۱) آشتیانی – سیّد جلال الدین (۱۳۰۴–۱۳۸۴ه .ش.)

علامه سیّد جلال الدین آشتیانی، حکیم و شارح حکمت صدرایی، در سال ۱۳۰۴ه .ش. در آشتیان از توابع اراک متولد شد و دوره ابتدایی تحصیلات خود را در همانجا به پایان رساند و در سال ۱۳۲۳ه .ش. به راهنمایی آیت اللّه میرزا ابوالقاسم دانش آشتیانی، برای فراگیری معارف اسلامی عازم حوزه علمیه قم شد. پس از فراگیری کتابهای مقدماتی و شرکت در شرح منظومه حکمت و مکاسب و شوارق مرحوم حاج شیخ مهدی امیر کلاهی، درس خارج فقه و اصول مرحوم آیت اللّه العظمی بروجردی حاضر گردید و مدت ۸ سال در حوزه درس فلسفه و تفسیر و اصول فقه علامه سیّد محمّد حسین طباطبایی شرکت کرد و الهیات شفا و اسفار را نیز از خدمت ایشان تلمذ کرد.

استاد آشتیانی برای تکمیل فلسفه و حکمت الهی در تهران از سیّد محمّد کاظم عصاره بهره برد و به قزوین مسافرت کرد و سفر نفس اسفار را همراه قسمتی از امور عامه، از محضر فیلسوف محقق آیت اللّه سیّد ابوالحسن محقّق آیت اللّه سیّد ابوالحسن رفیعی قزوینی آموخت. سپس جهت تکمیل علوم نقلی به نجف هجرت کرد و مدت دو سال در محضر مراجع عصر بویژه آیات

ص:۱۳

میرزا سیّد حسن بجنوردی و سیّد محسن حکیم و شیخ حسین حلی و میرزا عبدالهادی شیرازی حضور یافت و پس از بازگشت در تهران نیز مدتی در حوزه درس حکیم محقق مرحوم میرزا احمد آشتیانی و میرزا مهدی آشتیانی شرکت نمود و در قم از دانش آیات خوانساری و سیّد محمّد حجّت کوه کمری و میرزا رضی تبریزی استفاده کرد. ایشان در ایام جوانی به متون فلسفی و عرفانی تسلط یافت و در عین حال از کندوکاو در حوزه ادبیات عربی و فارسی غافل نماند.

استاد فقید آشتیانی در سال ۱۳۳۸ه .ش. به عنوان مدرس دانشگاه مشهد در رشته فلسفه و تصوف اسلامی انتخاب شد و در آذر ماه ۱۳۴۵ به رتبه استادی نایل آمد و در سال ۱۳۴۹ مدیریت گروه فلسفه و حکمت را در همان دانشگاه به عهده گرفت و خرداد سال ۱۳۷۵ از خدمت در دانشگاه بازنشسته شد و آبان ۱۳۷۶ به عنوان دانشمند برجسته توسط فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران معرفی گردید. ایشان ضمن تدریس در دانشگاه سالیان مدید در مدرسه امام صادق علیه السلام از مدارس حوزه علمیه

مشهد و از بناهای مرحوم آیت اللّه العظمی سیّد محمّد هادی میلانی، به تدریس حکمت و عرفان مشغول بود.

از سال ۱۳۳۷ تا ۱۳۵۷ همکاری نزدیک میان علامه آشتیانی و دکتر سیّد حسین نصر برقرار بود. دکتر نصر او را با هانری کربن آشنا کرد و محصول این همکاری مجلدات «منتخباتی از آثار حکمای الهی ایران» است.

مرحوم سیّد جلال الدین آشتیانی مصداق کامل همت، تلاش،

اخلاص، بصیرت، فهم عمیق و پژوهش علمی بود و نسبت به نظریات و آرای حکمای پیشین نگاه نقادانه داشت. تحلیل های فلسفی و عرفانی آشتیانی در کتابهای هستی از نظر فلسفه و عرفان، شرح مقدمه قیصری بر فصوص الحکم و شرح حال و آرای فلسفی

ملاصدرا، شرح فصوص الحکم فارابی و شرح بر زادالمسافرین ملاصدرا

به چشم می خورد.

آشتیانی عمر خود را مصروف حلقه های مفقوده سلسله فلسفه و حکمت اسلامی ایران کرد. ایشان در جستجوی دقیق خود توانست رابطه بین شیخ الرئیس و خواجه نصیر و حکمای بین آنها را مشخص کند و سه مکتب شیراز، اصفهان و تهران را معرفی کند. به این منظور ایشان بیش از ۳۰ مقاله و ۳۰ تعلیقه و مقدمه بر آثار عرفانی و فلسفی نوشت و آنها را به چاپ رساند.

استاد فقید مجرد زیست و صاحب فرزند نبود. فرزندان او شاگردانش بودند که به ایرانیان محدود نمی شدند و از کشورهای اسلامی و غرب و ژاپن افراد زیادی از محضر او بهره بردند. تا اینکه در فروردین ۱۳۸۴ در مشهد بدرود حیات گفت و در دارالزهد حرم مطهر رضوی دفن شدند.

(۲) آشتیانی – مرتضی (۱۲۸۱–۱۳۶۵ه.ق.)

آیت اللّه حاج شیخ مرتضی آشتیانی فرزند آیت اللّه حاج میرزا محمّد حسن آشتیانی، از مشاهیر علما و مجتهدان سده چهارده

هجری و دایی میرزا مهدی آشتیانی فیلسوف معروف است. وی در سال ۱۲۸۱ه .ق. همزمان با روز درگذشت شیخ مرتضی انصاری، چشم به جهان گشود، و به همین مناسبت پدرش که از شاگردان شیخ بود، او را مرتضی نام نهاد.

آشتیانی مقدمات و سطوح را نزد پدر و عالمان دیگر فرا گرفت، در سفر به مکه، همراه پدر به نجف رفت و دوره فقه و اصول را نزد حاجی میرزا حبیب اللّه رشتی، حاج میرزا حسین نوری و حاج میرزا خلیل و آخوند خراسانی گذراند و به درجه اجتهاد نایل شد. حاج شیخ در اخلاق از شاگردان مرحوم شیخ محمّد بهاری بود و در فلسفه دست داشت. شیخ مرتضی پس از بازگشت به تهران، به درس و اقامه جماعت پرداخت. حضور ایشان در تهران مصادف با انقلاب مشروطیت بود. حاج شیخ در واقعه مسجد شاه و حوادث مربوط به قضیه بانک روس و لغو امتیاز آن، نقش مؤثری داشت و این امر موجب شد که عین الدوله تولیت مدرسه خان مروی و نیز امامت مسجد خازن الملک را که هر دو در اختیار حاج شیخ مرتضی بود، به امام جمعه و آخوند آملی که ضد مشروطه بودند، واگذار کند.

حاج شیخ مرتضی و تنی چند از رجال دینی و سیاسی وقت، از جمله سیّد محمّد طباطبایی، ملک المتکلمین، سیّد محمّد رضا مساوات و حاج شیخ مهدی کاشی، انجمنی تشکیل دادند و شبها کنار هم جمع می شدند و به گفتگو و تحلیل اوضاع سیاسی و رویدادهای فکری و فرهنگی می پرداختند.

ص:۱۶

حاج شیخ در سال ۱۳۴۰ه .ق. به مشهد آمد و به تدریس و اقامه جماعت پرداخت. سال ۱۳۵۳ه .ق. / ۱۳۱۴ه .ش. به دنبال واقعه مسجد گوهرشاد، مجبور شد مشهد را ترک کند و چند سالی در زاویه حرم حضرت عبدالعظیم مجاور شود. پس از سقوط رضاخان، در سال ۱۳۶۰ه .ق. به عتبات رفت، دو سال در کربلا ماند و به تدریس پرداخت، ولی به دلیل کسالت مجبور شد به ایران برگردد و در مشهد ماندگار شود. وی به سال ۱۳۶۵ه .ق. در ۸۴ سالگی، چشم از جهان فرو بست و در محل دارالسعاده، پایین پای حضرت رضا علیه السلام دفن شد.

(۳) آملی – محمّد تقی (۱۳۰۴-۱۳۹۱ه .ق.)

آیت اللّه حاج شیخ محمّد تقی آملی از مشاهیر علما و مجتهدان بلندپایه عصر حاضر بود. پدرش آیت اللّه حاج شیخ محمّد بن علی آملی در قبرستان ابن بابویه شهر ری دفن شده است و فضایل ایشان در تذکره المقابر فی احوال المفاخر تألیف شیخ محمّد شریف رازی آمده است.

آملی در روز ۱۱ ذیقعده سال ۱۳۰۴ه .ق. مصادف با سالروز ولادت امام رضا علیه السلام در تهران چشم به جهان گشود و زیر نظر پدرش رشد کرد و مقدمات و سطوح را نزد دانشوران تهران آموخت. سال ۱۳۳۹ه .ق. عازم نجف شد و ۱۴ سال از محضر

آیات نـائینی اصـفهانی، فیروزآبـادی، کمپانی، خوانساری و عراقی بهره برد و به درجه اجتهاد نایل گردیـد. ایشان سال ۱۳۵۳ه .ق. به تهران بازگشت و در محله حسن آباد اقامت گزیـد. در مسـجد مجدالـدوله امامت جماعت را به عهده گرفت و در منزل خود تـدریس می کرد. آیت اللّه حسن زاده آملی و آیت اللّه جوادی آملی از نامـدارترین شاگردان مکتب او هسـتند. آیت اللّه حاج شـیخ محمّد تقی آملی در شـمار شخصیتهای بلندپایه حوزوی بود که مرجعیت امام خمینی را در وقایع خرداد ۱۳۴۲ تأیید و از توطئه رژیم پهلوی نسبت به جان ایشان جلوگیری کردند.

حضـرت آیت اللّه العظمی حاج شیخ محمّد تقی آملی علیرغم موقعیت علمی و فقهی و اجتماعی، بسیار فروتن و متواضع بودند و پیوسـته در جهت خودسـازی و مبارزه با نفس تلاش می کردنـد. حضـرت آیت اللّه جوادی آملی در کتاب اسـرار عبادت در این باره می نویسند:

مرحوم آیت اللّه شـیخ محمّـد تقی آملی حکیم و فقیه متأدب به آداب اسـلامی و متواضع بود. بزرگوار و کریم بود. یک وقت فرمود در خواب دیدم دشـمن به من حمله کرد من با آن دشـمن گلاویز شدم، دشـمن مرا رها نمی کرد من برای این که از شر او نجات پیـدا کنم چاره ای نداشـتم جز آن که دست او را به شدت گاز بگیرم تا مرا رها کند و در این حال بیدار شدم و دیدم دسـتم در دهان خود من است و به شدت دسـتم را گاز گرفته ام. در همان عالم خواب به من فهماندند که دشمن من کسی جز خودم نیست. از خود باید نجات

پیدا کرد.

آیت اللّه آملی کتاب عروه الوثقی اثر آیت اللّه محمّد کاظم طباطبایی یزدی را با عنوان مصباح الهدی فی شرح العروه الوثقی شرح نموده است که تاکنون ۱۲ جلد از این شرح به چاپ رسیده است. وی با این شرح مشکلات و دشواریهای کتاب عروه الوثقی را به خوبی حل کرده و فهم آن را بسیار آسان نمودند. شرح کفایه الموحدین، شرح منظومه سبزواری، شرح اشارات ابن سینا، تقریرات اصول مرحوم آیت اللّه العظمی آقا ضیاءالدین عراقی، تقریرات اصول مرحوم آیت اللّه العظمی آقا سیّد ابوالحسن اصفهانی، کتاب التجاره، کتاب الصلاه (تقریرات مرحوم آیت اللّه العظمی نائینی)، شرح و حاشیه ای بر کتاب مکاسب مرحوم شیخ انصاری، رسایل متعدد از قبیل رضاع، اصاله الصحه، قاعده لاضرر، صحیحه لاتعاد و رساله های متعدد در اثبات صانع، متفرقات در فقه، ابواب رهن،

وقف، وصیّت و غیر آن، مجموعه کتب فارسی عقیدتی که به چاپ رسیده و دربردارنده سخنرانیهای ایشان در مسجد مجدالدوله تهران است.

سرانجام آیت اللّه العظمی حاج شیخ محمّد تقی آملی پس از عمری تلاش بی وقفه در ۲۱ شوال ۱۳۹۱ه .ق. بعد از اقامه دو رکعت نماز و سلام به مولا ابا عبداللّه الحسین علیه السلام دیدگان پرفروغ و حق بینش آهسته به روی هم قرار گرفت. دفتر حیات عاریت بسته شد و خورشید درخشان عمرش غروب کرد. پیکر پاک و مطهر ایشان پس از تشییع با شکوه در تهران و مشهد و اقامه نماز به امامت فرزندش حضرت آیت اللّه العظمی حاج شیخ ضیاءالدین

ص:۱۹

آملی(ره) در باغ رضوان مشهد در جوار مرقد علی بن موسی الرضا علیه السلام به خاک سپرده شد.

(۴) آقا بزرگ حکیم – محمّد تقی (– ۱۳۱۵ه .ش.)

مرحوم محمّد تقی میرزا عسکری، معروف به «آقا بزرگ حکیم» فرزند حاج میرزا ذبیح اللّه و نواده میرزا مهدی شهید، دروس مقدماتی را نزد پدر و ملا غلامحسین شیخ الاسلام و آقا شیخ موسی منطقی، در مدرسه سلیمان خان مشهد فرا گرفت. فقه و اصول را در حوزه درس حاج میرزا محمّد باقر شفتی و میرزا محمّد سروقدی رضوی و قسمتی از معقول را در خدمت میرزا محمّد خادم باشی دوره دید و برای ادامه تحصیل به تهران رفت و مدتی در حلقه درس حکیم نامور میرزا ابوالحسن جلوه و میرزا هاشم گیلانی اشکوری (م ۱۳۳۲ه .ق.) صاحب تعلیقات بر مفتاح غیب الجمع والوجود صدر الدین محمّد بن اسحق قونوی، و نیز حکیم کرمانشاهی (م ۱۳۳۷ه .ق.) شرکت کرد.

آقا بزرگ حکیم، همزمان با اوج گیری نهضت مشروطیت به نجف اشرف هجرت کرد و وارد بیت آخوند خراسانی شد و مورد اکرام وی قرار گرفت و از فردای آن روز در مجلس درس آخوند شرکت جست.

آقا بزرگ، در حدود سال ۱۲۹۲ه .ش. به مشهد بازگشت و تا زمان ارتحال، یعنی متجاوز از ۲۳ سال، در منزل خود به تدریس

پرداخت. خارج فقه، شرح قوشچی بر تجرید، شرح خواجه نصیر بر اشارات ابن سینا، شوارق، شواهد الربوبیه، مبدأ و معاد، شرح هدایه و اسفار ملاصدرا توسط ایشان تدریس می شد. آیت اللّه حاج آقا حسین قمی، آیت اللّه میرزا محمّد آقازاده فرزند آخوند خراسانی، حاج سیّد موسی قطب المحدثین، حاج شیخ محمّد حسین خراسانی نجفی، سیّد محمّد تقی مدرس رضوی، حکیم الهی قمشه ای، شیخ سیف اللّه تبریزی رضوی، غلامرضا کیوان، شیخ محمود حلبی، حاج شیخ مجتبی قزوینی، شیخ غلامحسین محامی بادکوبه ای، حاج سیّد محمّد سعادت مصطفوی و حاج شیخ سیف اللّه ایسی از شاگردان او هستند.

آقا بزرگ در صراحت لهجه، آزادمنشی و وارستگی شهره بود. تند صحبت می کرد، مرتب سیگار می کشید و چای می خورد. او در ۲۴ ساعت به یک وعده غذا بسنده می کرد. و تا پایان عمر هرگز کرامت انسانی را با چیزی معامله نکرد.

آقا بزرگ یک سال پس از فاجعه خونین مسجد گوهرشاد، در جمادی الآخر سال ۱۳۵۵ه .ق. / ۱۳۱۵ه .ش. درگذشت و برحسب وصیت خود، در دامنه شرقی کوهسنگی دفن شد.

(۵) آیت اللّه زاده خراسانی – میرزا مهدی (۱۲۹۲–۱۳۶۴ه .ق.)

میرزا مهدی معروف به آیت اللّه زاده خراسانی فرزند آخوند ملاّ محمّد کاظم، در سال ۱۲۹۲ه .ق. در نجف به دنیا آمد.

مقـدمات و سـطح را نزد شـيخ زين العابـدين شاهرودى فرا گرفت و مـدتى در درس پـدر خود شـركت جست، ولى چشم درد شديد او مانع ادامه تحصيل شد.

سال ۱۳۱۹ه .ق. به ايران آمد و در همه جا مورد اسـتقبال مردم قرار گرفت و در تهران با مظفر الدين شاه ديدار نمود، به مشهد آمد و پس از مراجعت به نجف با توجه به شـروع نهضت مشـروطه به عنوان مشاور سياسى پدر فعاليت مى كرد و براى استقرار مشروطيت مى كوشيد.

در سال ۱۳۲۷ه .ق. در جريان اولتيماتوم روس، ميرزا مهـدى همراه پـدر خود به قصـد مبارزه با روسـها آماده حركت از نجف شـد و با درگذشت ناگهانى آخوند، با لباس عزا، همراه علما و مردم مؤمن به منظور جهاد عليه روس از نجف حركت كرد. در شهر كاظمين از طرف علمايى چون حاج شـيخ عبد اللّه مازندرانى، شيخ الشريعه اصفهانى، حاج شيخ محمّد حسين حائرى، آقا ميرزا محمّـد تقى شـيرازى، بـه ريـاست هيـأتى انتخـاب گرديـد كـه مـأموريت داشت براى بيرون رانـدن روسـها بـا دولت ايران همكارى كنـد. ميرزا حسـين نائينى، شـيخ عبدالحسـين رشتى، شـيخ جواد جواهرى، سيّد ابوالحسن اصـفهانى و سـيّد مصـطفى كاشـانى، از اعضـاى ديگر آن بودنـد، آنهـا در كنـار تمـاس بـا دولت ايران، از شـيخ خزعـل خواسـتند تا در مبارزه فراگير آنها شركت كند و مانع نفوذ انگليس در خوزستان شود.

در مدتى كه ميرزا مهدى و علماى ديگر در كاظمين بسر

ص:۲۲

می بردنـد، بین ایشان و وثوق الـدوله تماس برقرار بود و با آخرین تلگراف وثوق الدوله که از بازگشت قشون روس و اصـلاح امور، خبر می داد، علما به نجف مراجعت کردند.

میرزا مهدی در سال ۱۳۴۲ه .ق. در جریـان اعلان جنگ علمای عراق با انگلیس، همراه علمای تبعیـدی به ایران آمـد و پس از مدتی به بغداد بازگشت و طی دیدار با ملک فیصل اول، پادشاه عراق، امکان مراجعت علما را فراهم ساخت.

آخرین سـفر میرزا مهـدی به ایران در سال ۱۳۲۴ه .ش. اتفـاق افتـاد. او وقتی به تهران رسـید بیمار شـد و اردیبهشت همان سال چشم از جهان فرو بست و جسد او را به مشهد حمل کردند و در دارالسعاده کنار قبر امام هشتم علیه السلام به خاک سپردند.

(۶) ابن ابی جمهور احسائی – محمّد (– ۹۰۴ه .ق.)

محمّد بن زین الدین بن علی بن ابراهیم بن حسام الدین بن ابی جمهور احسائی، از علمای نامدار شـیعه در احساء بحرین متولد شـد و در همانجا به تحصـیل پرداخت. سـپس سالها در نجف نزد اساتیـدی چون شـیخ شـرف الـدین حسن بن عبـدالکریم فتال غروی درس خواند و سال ۸۷۷ه .ق. عازم سـفر حـج شد و در بازگشت چندی در شام توقف کرد. یک ماه هم در کرک نوح در محضر شیخ الاسلام علی بن هلال جزایری حاضر شد و مانند

معاصر خود محقق کرکی (م ۹۴۰ه .ق.) از او سماع حدیث کرد و بعد به خراسان آمد.

ابن ابی جمهور در فقه و حدیث و کلام تخصّص داشت و صوفی مشرب بود و کتابهای مفیدی در این عرصه ها نوشته است.

از آثار بنام او زادالمسافرین در اصول دین است که در سال ۸۷۸ه .ق. در سفر خود به مشهد تألیف کرد و به درخواست شاگردش امیر محسن بن محمّد رضوی مشهدی (م ۹۳۱ه .ق.) آن را شرح کرد و نامش را کشف البراهین نهاد.

ابن ابی جمهور با وجود فقاهت و تبحر در کلام و روایت، همواره مورد اعتراض گروهی از مشایخ و فقهای شیعه قرار گرفته است، به نظر می رسد که تمایل او به فلسفه و تصوف و سهل انگاری در نقل اخبار و استفاده از روایات عامه و مرسل و آحاد، علت این اعتراض بوده است. آخرین سفر ابن ابی جمهور احسائی به مشهد در سال ۸۹۶ه .ق. اتفاق افتاد و پس از درگذشت در کنار قبر امام پاکان به خاک سپرده شد.

(۷) ابوترابی – سیّد علی اکبر (۱۳۱۸–۱۳۷۹ه .ش.)

حجت الاسلام و المسلمین حاج سیّد علی اکبر ابوترابی فرزند آیت اللّه حاج سیّد عباس ابو ترابی سردار سرافراز جبهه های جنگ و اسارت و نماینده ولی فقیه در امور آزادگان و نماینده ولی فقیه در

دانشـگاه تهران، و نماینده مردم تهران در دوره چهارم و پنجم مجلس شورای اسـلامی، پس از تحصـیل علوم اسلامی در مشهد در محضر استاد الهی خراسانی و برخی دیگر از بزرگان در تهران عازم نجف اشرف شد و در ایام انقلاب به ایران برگشت. در جریان جنگ عراق علیه ایران اسیر شد و پس از ده سال اسارت و مقاومت شجاعانه، سرافراز وارد میهن اسلامی شد و بار دیگر در خـدمت انقلاب و مردم مؤمن قرار گرفت. او نمونه عینی و تجسم عملی ایثـار و تقوا و تعهـد و بی اعتنـایی به زخارف دنیا، خدمت به مردم و عشق به اهل بیت علیهم السلام بود.

حجت الاسـلام سیّد علی اکبر ابوترابی در مسـیر زیارت قبر مطهر امام هشـتم علیه السـلام همراه پدر در روز پنجشـنبه ۲۷ صفر ۱۴۲۱ه .ق. / ۱۲ خرداد ۱۳۷۹ه .ش.، در سانحه تصادف، چشم از جهان فرو بست و پس از تشـییع باشکوه در تهران و قزوین و مشهد در صحن آزادی حرم مطهر امام رضا علیه السلام غرفه ۲۴ به خاک سپرده شد.

(۸) ادیب بجنوردی – سیّد حسین (۱۲۵۹–۱۳۴۱ه .ش.)

سیّـد حسـین موسوی نسل، معروف به ادیب بجنوردی، فرزنـد میرزا ابوالحسن، در سال ۱۳۰۰ه .ق. در روسـتای خراشا از توابع بجنورد پا به دنیا نهاد. در دو سالگی پدر را از دست داد، درسهای

مقدماتی را در زادگاه خود به پایان برد و در ۱۵ سالگی به مشهد آمد و در مدرسه نواب حجره گرفت. صرف و نحو را نزد حاج محقق قوچانی، فاضل بسطامی، شیخ عبدالعزیز، ملاّ عبد الخالق و میرزا عبدالجواد ادیب نیشابوری تکمیل کرد. ریاضیات را از میرزا عبدالرحمن مدرّس و هیأت را از مشکان طبسی آموخت. فقه و اصول را نزد حاج شیخ حسن برسی و میرزا قدوس ابهری و حکمت را در محضر شیخ ابوالقاسم نیشابوری از شاگردان حاج ملاّ هادی سبزواری و عموی خود سیّد محمّد بجنوردی و حاجی فاضل تلمذ نمود. منطق را در پیشگاه حاجی محقق و خارج فقه را در خدمت آیات حاج شیخ حسنعلی تهرانی و میرزا محمّد آقازاده و حاج آقا حسین قمی تحصیل کرد و در مجالس تفسیر عرفانی مرحوم حاج میرزا حبیب اللّه مجتهد نیز حضور یافت.

ادیب بجنوردی از سال ۱۳۲۴ه .ق. که مصادف با اعلان مشروطیت بود، به خدمات نوین فرهنگی روی آورد و در مدرسه معرفت و پس از آن در مدرسه مظفری و مؤسسات شرکت فرهنگ به تدریس ادبیات، منطق، فیزیک و شیمی پرداخت.

ادیب در صدر مشروطیت از اعضای مؤثر حزب دموکرات خراسان بود و با روزنامه های محلی و تهران همکاری می کرد. در سال ۱۲۹۸ه .ش. همزمان با آمدن سیّد محمّد سلطان العلما و تأسیس فرهنگ خراسان، به خدمت فرهنگ درآمد و به اتفاق دانش بزرگ نیا و انتخاب الملک رام و مستشار الملک، دبیرستان دانش را تأسیس کردند.

در سال ۱۳۰۸ه .ش. دانشکده معقول و منقول با تلاش

اسـدی، در مشـهد تأسـیس گردیـد و تـدریس تاریـخ ادبیات و تفسـیر به مرحوم ادیب بجنوردی واگذار شد. ایشان همزمان در مدرسه نواب، منطق، علوم ادب و منظومه تدریس می نمود.

ادیب در سـال ۱۳۱۴ه .ش. به اصـفهان منتقـل و مأمور تأسـیس دانشـکده معقول و منقول در آن شـهر شـد و ریاست دبیرسـتان صـارمیه نیز به ایشـان واگـذار گردیـد. در مـدرسه صـدر کتاب شوراق، در مـدرسه چهارباغ علم کلام و در مسـجد حاج میرزا هاشم تفسیر می گفت.

ادیب در سال ۱۳۱۶ه .ش. به تهران منتقل شد و معاونت و مشاوره فنی کتابخانه ملّی به ایشان واگذار گردید و در همین سمت از فرهنگ بازنشسـته شـد و از آن به بعـد در دانشـکده معقول و منقول به تدریس پرداخت و در کنار آن در مدرسه سـپهسالار منظومه و در مـدرسه شـیخ عبدالحسـین کلاـم تـدریس می کرد. در سالهـای آخر عمر به دلیـل پادرد، در منزل خود درس می گفت، تا این که روز یکشنبه ۴ شهریور ۱۳۴۱ه .ش. دعوت حق را لبیک گفت و به سـرای ابدی پر گشود، جنازه اش به مشهد منتقل گردید و در مدرسه علی نقی میرزا که امروزه بخشی از بست بالا و صحن جدید شده است به خاک سپرده شد.

از آثار قلمی مرحوم بجنوردی علاوه بر مجموعه اشعار که در سال ۱۳۸۰ش. به چاپ رسید، می توان به سیر طبیعت، مقدمه ای بر توحید مفضل، درباره معراج و کتابی در منطق اشاره کرد که هنوز به چاپ نرسیده اند.

ص:۲۷

(۹) ادیب نیشابوری – عبدالجواد (۱۲۸۱-۱۳۴۴ه .ق.)

میرزا عبـدالجواد ادیب نـامور حوزه خراسـان در قرن اخیر، در سـال ۱۲۸۱ه .ق. در «بیژن گرد»، از روسـتاهای نیشـابور چشـم به جهان گشود. در اوان کودکی، بیماری آبله چشم راستش را از او گرفت و سوی اندکی برای چشم چپش باقی ماند.

میرزا، حافظه بسـیار خوبی داشت. پس از آشـنایی با خوانـدن و نوشـتن، به تشویق پـدرش ملّا حسـین، عازم نیشابور شد و سال ۱۲۹۷ه .ق. برای دانش انـدوزی به حوزه پر رونق مشـهد آمد، ابتدا به مدرسه خیراتخان رفت، بعد مدرسه فاضـلخان و آخر در مـدرسه نـواب حجره ای گرفت و ضـمن فراگیری مقـدمات علوم ادب، کتابهـای نهـج البلاـغه، مغنی، مطول، مقامـات بـدیعی، مقامات حریری، حاشیه و شمسـیه را بـدون اسـتاد یاد گرفت و مقـداری فقه و اصول و حکمت و کلام را نزد اساتید آن عصر حوزه، تلمّـذ کرد و به نیشابور بازگشت و پس از درگذشت پدر، در حدود سال ۱۳۱۰ه .ق. بار دیگر به مشهد آمد و در یکی از حجره های مدرسه نواب مستقر شد و تا پایان عمر هرگز به سفر نرفت.

میرزا انسانی سـخت کوش بود، او با این که قـدرت بینایی بسـیار اندکی داشت، هرگز دست از مطالعه نکشـید. گاهی تا سپیده صبح چشم از کتاب برنمی داشت و سـحرگاهان ترنم گنجشـکان او را به خود می آورد، به تدریج دانسته های ادبی و تاریخی او به جایی

ص:۲۸

رسید که سخنان ارجمند او در گستره این دانش ها، همه صاحب نظران را به حیرت می افکند. او در حکمت الهی و طبیعی نیز مهارت داشت و نظریات ملّاصدرا را می پسندید و در نجوم، و جبر و مقابله و حساب و هندسه از دانایان بود و با موسیقی نیز آشنایی داشت؛ امّا بدون تردید تخصص او در علوم ادب بود. او تمام قاموس و برهان قاطع را حفظ داشت و افزون بر دوازده هزار بیت از اشعار عرب جاهلی را به خاطر سپرده بود.

ادیب اهل قناعت و مناعت طبع بود. از وجوهات کمتر استفاده می کرد. بیشتر از راه حق التدریس آستان قدس رضوی و عایدات اندک ارثی نیشابور، روزگار می گذرانید. او همسر نگزید و به تنهایی راه زندگی را به آخر برد. بیانی صریح داشت و در مبارزه با جهل و ریا بیداد می کرد. زندگی نظام مندی داشت و هفته ای یک بار به حرم مطهر مشرف می شد. در بیشتر درسهای او، متجاوز از سیصد طلبه شرکت می کردند.

ادیب در شصت و سومین سال زندگی خود، صبح جمعه ششم خرداد ۱۳۰۵/۱۵ ذیقعده ۱۳۴۴ه .ق. درگذشت و در مقبره ای نزدیک دارالحفاظ آستان قدس رضوی به خاک سپرده شد.

ادیب ملک الشعرای بهار، بدیع الزمان فروزانفر، محمّد پروین گنابادی، محمّد تقی مدرّس رضوی، محمود فرّخ، محمّد تقی ادیب نیشابوری، محمّد علی بامداد، سیّد جلال الدین تهرانی، سیّد حسن مشکان طبسی را در مکتب خود پروراند.

(۱۰) ادیب نیشابوری – محمّد تقی (۱۳۱۵–۱۳۹۶ه .ق.)

شیخ محمّد تقی ادیب نیشابوری، مشهور به ادیب دوم، در سال ۱۳۱۵ه .ق. (۱۲۷۴ه .ش.) در خیرآباد، از بلوك عشق آباد نیشابور پا به جهان نهاد، پدرش اسد اللّه نام داشت و از دانش بی بهره نبود.

محمّد تقی نزد پدر خواندن و نوشتن را فرا گرفت و در ۱۸ سالگی به دستور پدر عازم مشهد شد و نزد دایی خود حاج شیخ محمّد کدکنی (م۱۳۵۷ه .ق.) مقدمات را فرا گرفت و در اواخر سال ۱۳۳۳ه .ق. وارد حوزه درس میرزا عبدالجواد ادیب نیشابوری گردید.

شیخ محمّد تقی از محضر میرزا عبدالجواد، کمال استفاده را برد و در آموختن ادبیات عرب، فارسی، منطق، فلسفه، ریاضیات، تفسیر، حدیث، رجال، فقه، اصول، طب، علوم غریبه و علوم جدید رنجها کشید. وی در کسب این دانشها به جز میرزا عبدالجواد، از محضر اساتید دیگر از جمله آقا میرزا عسکری مشهور به آقا بزرگ حکیم (م ۱۳۵۵ه .ق.)، شیخ حسن بُرسی (م۱۳۴۰ه .ق.)، شیخ اسد اللّه یزدی (م۱۳۵۰ه .ق.)، میرزا باقر مدرّس رضوی (م۱۳۴۳ه .ق.)، آقا سیّد جعفر شهرستانی، قوام الحکما، مشیرالاطباء، و حکیم فاضل خراسانی بهره برد.

ادیب نیشابوری متون ادبی، منطقی و اصولی، از جمله

سیوطی، مغنی، شرح مطول، شرح نظام، حاشیه ملاّ عبد اللّه، معالم، مقامات حریری، عروض و قافیه را در مدرسه های خیرات خان، سلیمانیه، میرزا جعفر، مسجد ترکها، مسجد گوهرشاد و در سال ۱۳۲۵ه .ش.، چند ماهی در آموزش و پرورش تدریس می کرد. او همیشه زودتر از دیگران در جایی، بالای حجره چهارزانو می نشست و درس را شروع می کرد.

در سال ۱۳۴۱ه .ش. با پیشنهاد سیّد جلال الدین تهرانی، استاندار و نایب التولیه وقت آستان قدس، عنوان مدرّسی آستان قدس را پذیرفت و در آرامگاه شیخ بهایی به تدریس پرداخت و این امر هفت سال ادامه یافت تا این که در زمستان ۱۳۴۸ پایش آسیب دید و از آن پس تا زمان ارتحال در منزل تدریس می نمود. او در ۲۱ آذر ۱۳۵۵ه .ش. / بیستم ذی الحجه ۱۳۹۶ه .ق.، در ۸۱ سالگی بدرود حیات گفت و در زاویه غربی صحن عتیق دفن گردید.

ادیب انسانی آزاده و عارف مسلک بود و نسبت به امور دنیوی، مقامات و شخصیت ها بی اعتنا بود و مناعت طبع داشت و از تملق و ریا دوری می جست و آثار علمی و ادبی زیادی از خود برجای گذاشت. گوهر تابنده، آئین نامه، ستایش نامه، طریقت نامه، حدیث جان و جانان، رساله یعقوبیه، مجمع راز، فیروز جاوید، آسایش نامه، تاریخ ادبیات عرب، تاریخ ادبیات ایران، تابش جان و بینش روان، البدایه و النهایه، گوهر مراد، رساله قافیه و آرایش سخن در شمار آثار ماندگار ادیب هستند.

ص:۳۱

(۱۱) ادیب هروی – محمّد حسن (۱۲۶۳–۱۳۴۷ه .ش.)

شیخ محمّد حسن خراسانی، معروف به ادیب هروی، از ادبای برجسته و شعرای نامور و از دانایان علوم ادب به شمار می رفت. پدرش ملّا محمّد تقی از علمای مشهد و از خادمان کشیک دوم حرم مطهّر امام رضا علیه السلام بود و در سال ۱۳۲۵ه .ق. در ۵۳ سالگی در مشهد درگذشت و در حرم دفن شد.

شیخ محمّد حسن هروی در سال ۱۲۶۳ه .ش.، در مشهد چشم به جهان گشود و علوم و معارف الهی را از خدمت پدر فرا گرفت و علوم ادب را نزد «ادیب طوسی» و میرزا محمّد باقر مدرّس و میرزا عبدالرحمن مدرّس تلمذ کرد و در سال ۱۳۱۹ه .ق. و در آستانه انقلاب مشروطیت به حضور میرزا عبدالجواد نیشابوری رسید و مدت شش سال در درس وی حاضر شد. علوم ادب را نزد او تکمیل کرد و به درجه ای از دانش رسید که استاد، اجازه تدریس به وی داد و او را «رجل فاضل» خواند. وی علاوه بر آن از آیات، شیخ محمّد حسین نائینی و سیّد هادی خراسانی حائری، نیز اجازه علمی و روایی دریافت کرد. آنها در اجازات خود مقامات علمی ادیب را ستودند.

ادیب در زمان رضاخان جذب کارهای آموزشی فرهنگ و هنر شد و بخشی از عمر خود را دبیری و مدتی در آستان قدس مدرسی نمود و در سال ۱۳۳۶ه .ش. بازنشسته شد و در سال

ص:۳۲

۱۳۴۷ه .ش. در ۸۵ سالگی زندگی را بدرود گفت و در دارالسعاده حرم حضرت رضا علیه السلام در کنار قبر پدرش دفن گردید.

ادیب در آخرین سالهای زندگی خود کاری جز خادمی حضرت و تألیف آثار تاریخی و ادبی نداشت. کتاب الحدیقه الرضویه، تاریخ انقلاب طوس و دستور حسن از آثار پربهای اوست. وی دستور حسن را برای تدریس در مدارس نوشت که مکرر به چاپ رسیده است.

ادیب هروی اهمیّت ویژه ای به تدوین تاریخ، بخصوص تاریخ معاصر می داد و خود وی نقش مؤثری در ضبط و ثبت رویدادهای عصر خود ایفا کرده است. ایشان در هر دو کتاب گرانبهای تاریخ انقلاب طوس و الحدیقه الرضویه مشاهدات خود و معاصرینش را در زمینه روزگار مشروطیت، واقعه به توپ بستن حرم مطهّر توسط نیروهای روس، قیام گوهرشاد، وقایع شهریور ۱۳۲۰، اشغال خراسان توسط قوای روس و قیام صولت السلطنه هزاره را با دقت نوشته است.

(۱۲) اردبیلی – سیّد یونس (۱۲۹۶-۱۳۷۷ه.ق.)

آیت اللّه حاج سیّد یونس اردبیلی، فرزند سیّد محمّد تقی، فرزند میرفتحعلی، فرزند سیفعلی اردبیلی است که همگی در کسوت روحانیت حیات پربار خود را سپری کردند. میرفتحعلی

اردبیلی، جدّ ایشان، از عرفای بلند پایه ای است که دستورالعمل عرفانی در اختیار شیخ مرتضی انصاری گذاشته است.

سیّد یونس در سال ۱۲۹۶ه .ق. در اردبیل چشم به جهان گشود، تحصیلات مقدماتی خود را در همان شهرستان به انجام رسانید و برای ادامه تحصیل به زنجان رفت و فقه و اصول را از آخوند ملّا قربانعلی زنجانی، فرا گرفت و علوم معقول را نزد حکیم متأله آخوند ملاّ سبزعلی حکیم آموخت و در حدود سال ۱۳۱۰ه .ق. عازم نجف شد و همزمان با پی گیری جریان نهضت مشروطه، در خدمت آخوند خراسانی، فاضل شربیانی، سیّد محمّد کاظم یزدی و شیخ الشریعه اصفهانی، علم آموخت. پس از آن به کربلا سفر کرد، در حوزه میرزا محمّد تقی شیرازی رهبر نهضت علمای عراق علیه اشغالگران انگلیسی، شرکت کرد و مورد توجه و وثوق ایشان قرار گرفت. رسیدگی به امور طلاب علوم دینی از سوی میرزا به وی واگذار شد، مدتی نیز سرپرستی حوزه نجف را به دستور میرزا به عهده داشت.

آیت اللّه اردبیلی در سال ۱۳۴۸ه .ق. بر اثر چشم درد به اردبیل بازگشت و پنج سال بعد، سال ۱۳۵۳ه .ق. به مشهد آمد و به تدریس و اداره امور دینی شهر پرداخت.

موضع گیری آیت اللّه اردبیلی در جریان گوهرشاد موجب شد ایشان با تنی چند از علما بازداشت شده و به تهران اعزام گردد.

آیت اللّه اردبیلی مدتی در بازداشتگاه بود سپس به اردبیل برگردانده شد و پس از شهریور ۱۳۲۰ و سقوط رضاخان ایشان به

مشهد باز گشت.

در طول نهضت ملّی، بیت آیت اللّه اردبیلی بار دیگر به مرکز تصمیم گیری چهره های مذهبی و سیاسی مشهد تبدیل شد.

آیت اللّه سیّد یونس اردبیلی در ۲۱ ذی القعده سال ۱۳۷۷ه .ق. / ۱۳۳۷ه .ش.، در ۸۴ سالگی در تهران درگذشت و جنازه ایشان به مشهد حمل شد و در دارالسعاده حرم مطهّر مدفون گردید.

(۱۳) اصفهانی – حسنعلی (۱۲۷۹–۱۳۶۱ه .ق.)

حاج شیخ حسنعلی مقدادی اصفهانی، مشهور به «نخودکی» فرزند ملّا علی اکبر نیمه ذیقعده سال ۱۲۷۹ه .ق. در اصفهان متولد شد. پدرش او را از همان کودکی در هر سحرگاه بیدار و با نماز و دعا آشنا ساخت و از آن پس، تا پانزده سالگی، بیشتر شبها را تا صبح بیدار می ماند و از پانزده سالگی تا پایان عمر پربرکتش هر ساله ماههای رجب و شعبان و رمضان و ایام البیض هر ماه را روزه دار بود و شبها تا صبح بیتوته می کرد.

حاج شیخ، خواندن و نوشتن و زبان و ادبیات عرب را در اصفهان فرا گرفت و فقه و اصول و منطق و فلسفه را نزد آخوند ملّا محمّد کاشی و میرزا جهانگیرخان قشقایی تلمذ کرد و تفسیر را از محضر حاج سیّد سینا، پدر سیّد جعفر کشفی و تنی چند از فحول دانشوران آن عصر بهره جست. او سال ۱۳۰۳ه .ق. عازم مشهد شد و یک سال در این شهر اقامت کرد و سال بعد برای تکمیل

معارف الهی به نجف مشرف گردید و نزد سیّد محمّد فشارکی و سیّد مرتضی کشمیری و ملاّ اسماعیل قره باغی دانش آموخت. سال ۱۳۱۱ه .ق. بار دیگر به مشهد سفر کرد و تا سال ۱۳۱۴ه .ق. در مشهد ماند.

در سال ۱۳۱۵ه .ق. حاج شیخ به اصفهان بازگشت و پس از توقف کوتاهی عازم نجف شد و تا سال ۱۳۱۸ه .ق. در آن جا ماند، در نجف در مسجد کوفه، سهله، مقبره کمیل و میثم تمار به زیارت و عبادت می پرداخت. سال ۱۳۱۹ه .ق. بار دیگر به اصفهان بازگشت.

دلباختگی به مقام ولایت، حاج شیخ را چندین بار به عتبات کشید، تا این که در سال ۱۳۲۹ه .ق. به مشهد عزیمت کرد و تا پایان عمر در مشهد اقامت داشت.

یک ماه آخر عمر را در منزل بستری بود، تا آن که یکی دو ساعت پس از طلوع آفتاب روز ۱۷ شعبان سال ۱۳۶۱ه .ق. / شهریور ۱۳۲۱ه .ش. در ۸۲ سالگی چشم از عالم ماده بست و جنازه اش در صحن عتیق در حرم مطهّر امام رضا علیه السلام، کنار ایوان

عباسی دفن گردید.

(۱۴) اصفهانی – مهدی (۱۳۰۳–۱۳۶۵ه .ق.)

آیت اللّه میرزا مهدی غروی اصفهانی، فرزند میرزا اسماعیل، از چهره های بلندآوازه علم و عمل خراسان در سده چهاردهم

هجری است.

وی محرم سال ۱۳۰۳ه .ق. در اصـفهان چشم به جهان گشود. خدمت پدرش سیّد اسماعیل و دیگر علمای اصفهان کسب علم کرد. حدود ۹ سالگی پـدر را از دست داد و حدود ۱۲ سالگی رهسـپار نجف شد. او با توصـیه آیت اللّه حاج آقا رحیم ارباب اصفهانی، از آغاز ورود به عراق با آیت اللّه العظمی سیّد اسماعیل صدر (م ۱۳۳۸ه .ق.) در ارتباط بود و با عوالم روحانی آشنا شد و اصول را نزد آخوند خراسانی و فقه را نزد سیّد محمّد کاظم یزدی تحصیل کرد.

در همین دوره، پس از آشنایی با مبانی سیر و سلوک شرعی مرحوم صدر، با سیّد احمد کربلایی (م ۱۳۳۲ه .ق.) و شیخ محمّد بهاری همدانی، از شاگردان برجسته ملّا حسـینقلی همدانی (م۱۳۱۱ه .ق.) و سیّد علی قاضـی و سیّد جمال الدین گلپایگانی، آشنا گردید و از آنها بهره برد.

همزمـان با انقلاب مشـروطیت در ایران به اتفاق آیت اللّه سیّد محمود شاهرودی و آیت اللّه سیّد جمال الـدین گلپایگانی، در اولین دوره درس میرزای نـائینی شـرکت نمود و این درس نزدیک پنـج سال ادامه یافت و عیـد فطر ۱۳۳۸ه .ق. در ۳۵ سالگی اجـازه اجتهـاد را از میرزا نـائینی دریـافت نمود و همین اجـازه را آقا ضـیاءالدین عراقی، سیّد ابوالحسن اصـفهانی و حاج شـیخ عبدالکریم یزدی نیز تأیید نمودند.

او از حدود ۳۰ سالگی پس از توسل برای رها شدن از پریشانی خاطر، به تحول شگرف دست یافت و از آن پس اراده

کرد داده های بلند قرآن و عترت را بدون ذرّه ای خلط و امتزاج با اندیشه های دیگر، به کار ببندد.

میرزا سال ۱۳۴۰ه .ق. به مشهد آمد. اثر وجودی وی در حوزه خراسان در قرن اخیر کم سابقه بود. او مکتب معارف آل محمّد صلی الله علیه و آله را با مجاهدات علمی و عملی خود در این دیار رونق بخشید و عده زیادی از صاحبان علم و فضیلت را بر گرداگرد وجود خود فراهم آورد. ایشان عقیده داشت: جز راه اهل بیت هر راه دیگری به گمراهی می انجامد و هر کس هدایت را از غیر آل محمّد صلی الله علیه و آله بجوید به آن نخواهد رسید. او به راه خود اطمینان داشت و خصایص اخلاقی و کمالات ایشان نیز بر کسی پوشیده نبود. هم زاهد و وارسته بود و هم مهربان و جذاب.

از بزرگترین آثار وجودی مرحوم میرزا تربیت شاگردان برجسته و متّقی بود.

مرحوم غروی روز جمعه بیستم ذیحجه ۱۳۶۵ه .ق. بر اثر سکته قلبی در مشهد درگذشت و زیر طاق جنوبی دارالضیافه حرم امام رضا علیه السلام در کنار حاج شیخ مهدی واعظ و حاجی قائم مقام دفن شد.

(۱۵) اصفهانی – میرزا مهدی (۱۱۵۲–۱۲۱۸ه .ق.)

میرزا مهدی اصفهانی فرزند هدایت اللّه، برجسته ترین چهره روحانیت خراسان در عصر بازماندگان نادرشاده است. وی سال

۱۱۵۲ه .ق. در اصفهان به دنیا آمد، با ملاعلی نوری، در حوزه بیدآبادی هم درس بود و در فقه و اصول از شاگردان آقا محمّد وحید بهبهانی (م ۱۲۰۵ه .ق.) سرآمد مجتهدان شیعه در سده دوازدهم و شیخ مهدی فتونی است و از هر دو اجازه اجتهاد دارد.

میرزای شـهید ریاضی را نزد شیخ حسن عاملی مشهدی، امام جمعه مشهد (۱۱۷۵ه .ق.) آموخت و با دختر او ازدواج کرد. وی سال ۱۱۹۲ه .ق. تولیت آستان قدس رضوی را به عهده داشت و پس از ارتحال سیّد محمّد امام جمعه سبزواری در سال ۱۱۹۸ه .ق. نماز جمعه را اقامه نمود و به تدریس فقه و اصول و اشارت شـیخ و پاره ای از کتابهای ریاضی مشغول گردید. سیّد مهدی بحرالعلوم، مولانا محمّد حسین خبوشانی م۱۳۶۲ه .ق.، مولی حمزه قاینی، سـیّد کاظم جزایری، سیّد دلدار علی بن محمّد معین بن عبدالهادی رضوی نقوی هندی نصـرآبادی از شاگردان وی هسـتند. وی صبح روز ۱۱ مـاه رمضان داخل حرم به دست نادر میرزا یا تیمور نسـقچی، مجروح شـد و پس از دو روز در ۱۳ رمضان سال ۱۲۱۸ به شـهادت رسید و در رواق پشت سر مبارک دفن گردید و به عنوان شهید چهارم شهرت یافت.

(۱۶) بجنوردی – محمّد تقی (م ۱۳۱۴ه .ق.)

شیخ محمّد تقی بجنوردی از چهره های نامدار خراسان در سده ۱۴ه .ق.، در اصل اهل بجنورد بود و پس از فراگیری فقه و

اصول نزد شیخ حسن نجفی صاحب جواهر و شیخ مرتضی انصاری، به مشهد آمد و به تدریس پرداخت. شیخ مولی ابراهیم بن علی اصغر سبزواری نقابشکی، از علمای برجسته سبزوار و (۱۳۲۸ه .ق.) و سیّد میرزا ابراهیم علوی سبزواری معروف به شریعتمدار (۱۳۱۶ه .ق.) و شیخ علی نقی تربتی (۱۳۲۰ه .ق.) و شیخ محمّد علی کاخکی، از شاگردان وی بودند.

به نوشته اعتماد السلطنه، مردم ولایت خراسان اعتماد عجیبی به وی داشتند. حاج سیاح محلّاتی در کتاب خاطرات خود از تقوا و ورع شیخ محمّد تقی بجنوردی تجلیل کرده است.

در جریان نهضت تنباکو، بیت شیخ محمّد تقی مجتهد، قطب معنوی آن روز خراسان شمرده می شد، با این حال ایشان چندان که باید با گسترش نهضت موافق نبود و شرایط را مناسب نمی دید. شاید از دسایس دولتهای بیگانه که نمایندگی های فعالی در خراسان داشتند، بیمناک بود.

وی شب چهاردهم صفر ۱۳۱۴ه .ق. زندگی را بدرود گفت و در محل دارالسیاده حرم صفّه دست چپ متصل به درب مسجد گوهرشاد به خاک سپرده شد.

(۱۷) بهاءالدین عاملی – محمد (۹۵۳–۱۰۳۰ یا ۱۰۳۱ه .ق.)

بهاءالدین محمّد معروف به «شیخ بهائی» دانشمند نامدار قرن دهم و یازدهم هجری و متبحر در فقه، حدیث، نجوم، ریاضی،

هندسه، طب و معماری فرزند حسین بن عبدالصمد، غروب چهارشنبه ۱۳ ذیحجه سال ۹۵۳ه .ق. در لبنان به دنیا آمد. پدرش از فقها و محدثین بود و سال ۹۶۶ه .ق. به ایران آمد و در اصفهان به درخواست شاه طهماسب در ایران ماند و شیخ الاسلام دارالسلطنه قزوین شد. پس از هفت سال از قزوین به مشهد آمد و ریاست امور دینی هرات را به عهده گرفت و مدتها در هرات بود و بعدها به بحرین رفت و در سال ۹۸۴ه .ق. در ۶۶ سالگی از دنیا رفت و در روستای مصلی یکی از روستاهای هجر دفن شد.

شیخ بهائی مقدمات علوم اسلامی را در لبنان فرا گرفت و در ایران بجز خدمت پدر، نزد مولانا عبد اللّه مدرّس یزدی، مولانا عبد اللّه شوشتری، مولانا افضل قاینی و عماد الدین محمود با علوم معقول و طب و ریاضی در شهرهای قزوین، مشهد و اصفهان آشنا شد و سرآمد دانشوران عصر خود گردید.

تا آن که روز سه شنبه، دوازدهم شوال سال ۱۰۳۰ یا ۱۰۳۱ه .ق. در اصفهان دعوت حق را اجابت کرد و علامه مجلسی بر او نماز گذارد و به دستور شاه عباس جنازه اش به مشهد حمل شد و در جوار قبر امام رضا علیه السلام در غرفه ای که بعدها به نام او نامگذاری شده است، دفن گردید.

(۱۸) تبریزی – غلامحسین (۱۲۶۰–۱۳۵۹ه .ش.)

مرحوم آیت اللّه حاج شیخ غلامحسین تبریزی معروف به

ص:۴۱

«شیخ غلامحسین ترک» به سال ۱۲۶۰ه .ش. / ۱۳۰۳ه .ق. در یکی از روستاهای شبستر، در خانواده ای مذهبی، چشم به جهان گشود. در مدرسه طالبیه تبریز به تحصیل پرداخت و پس از اتمام سطح برای ادامه تحصیلات به نجف رفت و آن جا اصول را نزد آخوند ملاّ محمّد کاظم خراسانی و فقه را در محضر حاج سیّد محمّد کاظم یزدی و شریعت اصفهانی فرا گرفت.

پس از اتمام تحصیلات به تبریز بازگشت و به توصیه پدر، با یکی از خویشاوندان خود ازدواج کرد و به فعالیتهای مذهبی روی آورد و «جمعیت دیانت اسلامی» را در سال ۱۳۴۳ه .ق. تأسیس کرد و معارف اسلامی را به سبکی نو در میان جمعیت تدریس می کرد. گفتار ایشان در نشریه ای به نام «تذکرات دیانتی» هر پانزده روز یک بار منتشر می شد. نخستین شماره این نشریه اول جمادی الاولی ۱۳۴۵ه .ق. در شهر تبریز به چاپ رسید و انتشار آن چند سال دوام آورد. علمای بزرگ قم و مشهد کارهای ایشان را ستودند.

آیت اللّه تبریزی به گفتگو با صاحبان ادیان دیگر اهمیّت می داد و در مناظره ها شرکت می جست. و از مبارزات سیاسی غافل نبود. در جریان کلاه پهلوی در سال ۱۳۱۱ه .ش. حاج شیخ به مبارزه علیه اتحاد شکل و مظالم رضاخان پرداخت، ولی حرکت او سرکوب شد و خود او پس از مدتی زندگی مخفی، به استانداری احضار شد و ایشان پس از دیدار با علی منصور، پدر حسنعلی منصور، استاندار وقت آذربایجان و قاضی عسکر وقتی متوجه شد

قرار است رضاخـان به تبریز سـفر کنـد، به کربلا مشرف شـد و مـدتی آن جا اقامت کرد و پس از آرام شـدن اوضاع به تبریز برگشت.

در یکی از روزهـا نـامه ای از علی اکبر داور به دست حـاج شـیخ رسـید. مضـمون نامه دعوت از وی جهت همکاری قضایی با نظام عدلیه بود. او متوجه این نکته شد که شـرایط برای فعالیتهای دینی و سیاسی آزاد، از میان رفته است، این بود که به تنهایی عازم مشهد شد و همسر و فرزندان خردسالش پس از مدتی به او پیوستند.

مرحـوم آیت اللّه تـبریزی در نهضت گوهرشـاد مشـارکت داشت و پس از شـهریور ۱۳۲۰ به منظور مقابله با انـدیشه های سیّد احمد کسروی که از تبریز با او آشنا بود به انتشار تذکرات دینی در مشهد دست زد و مدتی هم نشریه راحت و ندای حق را در جواب شیخ مردوخ کردستانی نشر داد.

حاج شیخ در مبارزات ۱۵ خرداد سال ۱۳۴۲ه .ش. نیز فعـال بود و فعالیتهای سیاسـی خود علیه نظام شاهنشاهی را تا سال ۱۳۵۷ ادامه داد و پس از پیروزی انقلاب اسـلامی، نمـاز جمعه تا سال ۱۳۵۹ به امـامت ایشان در مسـجد گوهرشاد اقامه می شـد و تا زمـانی که ایشـان زنـده بود، امام برای کسـی حکم امامت جمعه را در مشـهد صادر نکرد. او روز اول شـعبان ۱۴۰۰ه .ق. / ۲۵ خرداد سال ۱۳۵۹ه .ش. در ۹۷ سالگی دعوت حق را پاسخ داد و به سرای ابدی شتافت و در قسمت شمالی دارالسلام حرم امام هشتم علیه السلامدفن شد.

آثار علمی زیادی از مرحوم آیت اللّه حاج شیخ غلامحسین

ص:۴۳

تبریزی برجای مانده است. راهنمای حقیقت، اصول مهذبه، الدروس الدینیه در ۹ جلد، گوهرهای درخشان، ندای راستی، انوار لامعه، الدرر الثمینه، ترجمه اعتقادات مفید و ترجمه وجوه اعجاز قرآن علامه بلاغی در شمار آثار قلمی ایشان هستند.

(۱۹) تربتی – عباس (– ۱۳۲۲ه .ش.)

ملّا عباس تربتی، معروف به «حاج آخوند»، در روستای «کاریزک ناگهانی» واقع در ۱۵ کیلومتری شرق تربت حیدریه و ابتدای جلگه زاوه، در یک خانواده متدین و پایبند به شئونات مذهبی چشم به جهان گشود. پدرش ملّا حسینعلی، سواد مختصری داشت، قرآن و کتاب فارسی می خواند. او فرزند خود را نخست به مکتب خانه، سپس برای ادامه تحصیل به شهر تربت فرستاد.

ملّا عباس در شهر تربت حیدریه، مدرسه حاج شیخ یوسفعلی، نزد آخوند حاج ملّا عبدالحمید صرف و نحو را با دقت فرا گرفت و پس از آن به تحصیل سطح فقه و اصول روی آورد و برای تکمیل دانسته های خود به مشهد آمد و مدتی بعد به خواسته پدر به روستا برگشت، ازدواج کرد و به زراعت مشغول شد و آخر هر هفته به تربت می رفت و کتابهای معالم، قوانین، لمعه و شرایع را آموخت و همه الفیه ابن مالک را حفظ کرد.

سال ۱۳۲۶ه .ق. همراه قافله با پای پیاده به کربلا مشرف شد.

حاج آخوند سال ۱۳۳۷ه .ق. بار دوم به کربلا مشرف شد و پسرش مرحوم شیخ حسینعلی راشد را با خود برد و سال ۱۳۰۰ه .ش. یکی دو ماه در مشهد اقامت گزید و به درخواست مردم در ماه رمضان در مسجد گوهرشاد نماز ظهر و عصر می خواند و پس از نماز به منبر می رفت. سال ۱۳۰۱ه .ش. به کمک زلزله زدگان تربت شتافت و سال ۱۳۰۶ه .ش. به مکه مشرف شد.

حاج آخوند در زمان حضور روسها در خراسان ۲۴ مهر ۱۳۲۲ه .ش. / ۱۷ شوال ۱۳۶۲ه .ق. دو ساعت از طلوع آفتاب گذشته در شهر تربت، خانه خودش فوت کرد و جنازه اش به مشهد انتقال یافت و در آخرین غرفه صحن نو در زاویه شمال غربی به خاک سپرده شد.

(۲۰) جعفری – محمّد تقی (۱۳۰۴–۱۳۷۷ه .ش.)

علامه محمّد تقی جعفری فرزند کریم از برجسته ترین

چهره های علمی روزگار ما بود. او همه عمر پربار خود را به آموزش و پژوهش گذراند. وی سال ۱۳۰۴ه .ش. در شهر تبریز متولد شد و نبوغ خود را در همان کلاسهای ابتدایی به ظهور رساند. مقدمات را نزد سیّد حسن شربیانی و اهری خواند و برای

ادامه تحصیل عازم تهران شد.

در تهران به مدرسه مروی وارد گردید و در محضر آیت اللّه شیخ محمّد رضا تنکابنی و میرزا مهدی آشتیانی سطوح و فلسفه را آموخت. مدتی به قم رفت و پس از ارتحال مادر و شرکت در مراسم او در تبریز، سال ۱۳۲۷ه .ش. به اصرار آیت اللّه میرزا فتاح شهیدی، رهسپار نجف شد. در آن جا در مدرسه صدر مستقر گردید و سطوح دوره خارج فقه و اصول را نزد آیت اللّه شیخ محمّد کاظم شیرازی، سیّد ابوالقاسم خویی، سیّد محمود شاهرودی، حکیم سیّد جمال گلپایگانی، سیّد عبد الهادی شیرازی و سیّد محمّد هادی میلانی آموخت و فلسفه را از محضر شیخ صدرا قفقازی و آقا شیخ مرتضی طالقانی بهره برد و از طریق مطالعه با دانشهای رایج روزگار خود آشنا گردید و به تألیف و تحقیق روی آورد و پس از ۱۱ سال اقامت در نجف سال ۱۳۳۷ه .ش. به ایران بازگشت و در تهران اقامت گزید.

آیت اللّه محمّد تقی جعفری در سال ۱۳۷۷ه .ش. به منظور معالجه بیماری خود به انگلستان رفت، ولی معالجات مؤثر واقع نشد و روز ۲۴ آبان همان سال در یکی از بیمارستانهای لندن درگذشت و جنازه اش به تهران منتقل شد و روز پنجشنبه ۲۸ آبان در تهران با حضور شخصیتهای سیاسی و علمی کشور تشییع و به مشهد منتقل گردید و بعدازظهر همان روز پس از مراسم باشکوهی در دارالزهد حرم دفن شد.

(۲۱) حرّ عاملی – محمّد (۱۰۳۳-۱۱۰۴ه .ق.)

محمّد بن حسن بن علی، معروف به شیخ حرّ عاملی، یکی از بزرگان علمای امامیه و مشاهیر محدثان است. وی شب جمعه هشتم رجب سال ۱۰۳۳ه .ق. در مَشغری، یکی از روستاهای دمشق در ناحیه بقاع، چشم به جهان باز کرد و نزد عموی خود شیخ محمّد حر و جدّ مادریش شیخ عبدالسلام بن محمد حرّ و دایی پدرش شیخ علی و شیخ زین الدین محمد و شیخ حسین ظهیری، دانش آموخت و چهل سال در کشورهای اسلامی به سفر پرداخت و دو بار به حج رفت و پس از زیارت قبر پیشوایان دینی، در حدود سال ۱۰۸۰ه .ق. مقارن سلطنت شاه سلیمان به مشهد آمد و مجاور شد و ۲۴ سال در مشهد به تدریس و تألیف آثار پر بها پرداخت و دو نوبت دیگر در این مدت به حج و زیارت ائمه مشرف شد و حلقه درسی تشکیل داد و وسائل الشیعه را تدریس کرد و شاگردانی را پروراند و به تعدادی از آنها، از جمله به میرزا علاءالملك فرزند میرزا ابی طالب علوی موسوی در ۱۵ ربیع الثانی ۱۰۸۶ و نیز علامه محمّد باقر مجلسی اجازه داد و از مجلسی اول، سیّد جزائری و شیخ علی سبط به نقل حدیث مجاز گشت. تا این که ۲۱ رمضان ۱۱۰۴ه .ق. چشم از جهان فرو بست و در یکی از رواق های صحن عتیق متصل به مدرسه میرزا جعفر دفن شد.

(۲۲) حسینی تهرانی – محمّد حسین (۱۳۴۵–۱۴۱۶ه .ق.)

مرحوم علامه آیت اللّه سیّد محمّـد حسین حسینی تهرانی فرزند مرحوم آیت اللّه حاج سیّد محمّـد صادق، از علما و عرفای برجسته قرن حاضر است. ایشان به سال ۱۳۴۵ه .ق. چشم به جهان گشود و تحت مراقبت پدر دوران آموزشهای ابتدایی و متوسطه را در رشته مکانیک و ماشین سازی به پایان رساند و سپس به تحصیل علوم الهی روی آورد. در سفر زیارتی در مشهد به دست مرحوم آیت اللّه میرزا محمّد تهرانی صاحب مستدرک البحار که از بزرگان علمای عصر و دایی پدری او بود به کسوت روحانیت درآمد. سال ۱۳۶۴ه .ق. برای تحصیل به قم رفت و در مدرسه حجت حجره گرفت و به مجموعه شاگردان علامه سیّد محمّـد حسین طباطبایی پیوست و از خواص آن فرزانه در عرفان عملی، تفسیر و فلسفه گردید و مدت هفت سال علاوه بر ایشان از محضر آیات سیّد محمّـد حجت، سیّد محمّد داماد، حاج آقا حسین بروجردی، حاج سیّد رضا بهاءالدینی، حاج شیخ عبد اللّه سدهی و حاج شیخ مرتضی حائری استفاده برد.

به سال ۱۳۷۰ه .ق. به توصیه بزرگانی چون علامه طباطبایی و آیت اللّه شیخ محمّد صدوقی یزدی برای تکمیل تحصیلات خود به نجف رفت و از محضر آیات عظام آقا شیخ حسین حلی، حاج سیّد ابوالقاسم خویی و سیّد محمود شاهرودی استفاده برد، و به

ص:۴۸

سفارش علامه طباطبایی با آیت اللّه حاج شیخ عباس قوچانی، وصیّ مرحوم آیت اللّه میرزا علی آقا قاضی در امور سلوکی و معنوی حشر و نشر پیدا کرد. پس از شش سال به حضور مرحوم حاج سیّد هاشم موسوی (حدّاد) رسید و از محضر ایشان بهره مند گردید.

سال ۱۳۷۷ه .ق. پس از اتمام تحصیلات عالی و اتقان در علوم عقلی و نقلی و حقیقی، جهت ادای تکلیف و اقامه شعائر الهی به امر استاد عرفانش حضرت آیت اللّه حاج شیخ محمّد جواد انصاری همدانی به تهران بازگشت و در مسجد قائم خیابان سعدی به نشر احکام اسلامی و ارشاد مردم و تهذیب نفوس مستعدّه در راستای تحکیم بنیانهای حاکمیت دین و احیای علوم اسلام و تثبیت محورهای اساسی شرع، اعم از ولایت فقیه، نماز جمعه، ارتش ملّی، الگوهای حجاب و ازدواج و تبیین لزوم بازگشت به قرآن و بینش توحیدی، همت گماشت. او پس از ۲۴ سال تلاش مخلصانه در شهر تهران در سال ۱۴۰۰ه .ق. به امر استاد سلوکش مرحوم حاج سیّد هاشم حدّاد به منظور مجاورت آستان مقدس رضوی به مشهد مهاجرت کرد و مدت ۱۵ سال لحظه ای از تربیت نفوس مستعدّه و تألیف دست نکشید و آثار گرانمایه ای چون اللّه شناسی، امام شناسی، معادشناسی، توحید علمی و عینی، مهر تابان، روح مجرد، رساله نوین، ولایت فقیه، نور ملکوت، نگرشی بر مقاله قبض و بسط تئوریک شریعت، رساله نکاحیه (کاهش جمعیت ضربه ای سهمگین

بر پیکر مسلمین)، لمعات الحسین و لبّ اللباب را نگاشت و به نشر

سپرد.

ایشان سرانجام پس از ۷۱ سال عمر پر ثمر روز شنبه نهم ماه صفر سال ۱۴۱۶ه .ق. درگذشت و پیکر پاکش پس از تشییع باشکوه و نمازی که به امامت حضرت آیت اللّه العظمی بهجت فومنی برگزار شد در ضلع جنوب شرقی صحن انقلاب (عتیق) حرم مطهّر رضوی به خاک سپرده شد.

(۲۳) خادمی اصفهانی – سیّد حسین (۱۳۱۹ – ۱۴۰۴ه .ق.)

آیت اللّه حاج سیّد حسین خادمی اصفهانی فرزند سیّد ابوجعفر فرزند آقا سیّد صدرالدین عاملی که نسبت خانوادگی وی به امام موسی بن جعفر علیه السلام می رسد، از علما و فقهای بنام و رئیس حوزه علمیه اصفهان بود.

وی روز جمعه سوم شعبان ۱۳۱۹ه .ق. متولد شد و پس از آموزش دوره ابتدایی به تحصیل علوم حوزه روی آورد. مقدمات را نزد حاج شیخ علی یزدی و آقا میرزا اردستانی و آقا میرزا احمد اصفهانی و رسائل شیخ انصاری را خدمت آخوند ملاّ عبدالکریم جزی و حاج میرزا سیّد علی نجف آبادی و سطح و کفایه را در محضر آیت اللّه سیّد محمّد نجف آبادی فرا گرفت و دوره خارج را نزد آیت اللّه حاج میرزا محمّد صادق یزدآبادی حضور یافت. سپس به نجف رفت و خارج فقه و اصول را از محضر آیات میرزا

حسین نائینی، سیّد ابوالحسن اصفهانی و آقا ضیاء عراقی بهره برد و کلام را در حلقه درسی آیت اللّه شیخ جواد بلاغی و رجال و درایه را از آیت اللّه سیّد ابوتراب خوانساری آموخت.

سال ۱۳۴۷ه .ق. آیت اللّه خادمی به اصفهان بازگشت و به تدریس دوره خارج فقه و اصول در مدرسه صدر اصفهان و اقامه جماعت مشغول گردید. ایشان از سوی امام، نماینده رسیدگی به امور حوزه علمیه اصفهان شد و در کنار فعالیتهای علمی و اجتماعی خود، کتابهایی در بحث برائت، استصحاب و تعادل و تراجیح و از اول مباحث الفاظ تا مقدمه واجب و لباس مشکوک نوشت. رساله ای در محرومیت زوجه از ارث غیر منقول، حواشی متفرقه بر کتاب طهارت و صلوه و زکوه محقق همدانی و کتابهای اصولی و نیز کتاب رهبر سعادت از آثار قلمی

ایشان است.

آیت اللّه خادمی از زمان کشف حجاب (۱۳۱۴ه .ش.) مبارزه خود را علیه حکومت پهلوی آغاز کرد. تحصن مردم مبارز اصفهان در منزل ایشان در سال ۱۳۵۷ه .ش.، منجر به اعلان حکومت نظامی در اصفهان شد. ایشان پس از یک دوره بیماری طولانی، صبح روز بیستم اسفند ۱۳۶۳ / ۱۴۰۴ه .ق. در ۸۶ سالگی در اصفهان دار فانی را وداع گفت و از سوی استانداری اصفهان سه روز عزای عمومی و یک روز در همه استان تعطیل عمومی اعلام شد و حوزه علمیه یک هفته تعطیل گردید. جنازه ایشان پس از انتقال به مشهد عصر روز ۲۱ اسفند از مسجد ملّا هاشم با شرکت

گسترده مردم و علما تا حرم مطهّر امام رضا علیه السلام تشییع و در محل دارالسلام دفن گردید.

(۲۴) خالصی – محمّد مهدی (۱۲۷۶ یا ۱۲۷۷–۱۳۴۳ه .ق.)

آیت اللّه شیخ محمّد مهدی خالصی کاظمی اسدی فرزند شیخ حسین فرزند شیخ عبدالعزیز، از مجتهدان و مراجع مبارز شیعه در قرن ۱۴ هجری است. در ۱۵ ذیحجه ۱۲۷۷ یا ۹ ذیحجه ۱۲۷۶ه .ق. در «کرخ» کاظمین به دنیا آمد و همانجا نشو و نما یافت و به دستور پدر به نجف رفت و در حلقه درسی میرزا حبیب اللّه رشتی و آخوند خراسانی شرکت کرد، بعد به سامرّا سفر نمود و از محضر محمّد حسن میرزای بزرگ شیرازی بهره برد و پس از نیل به درجه اجتهاد به زادگاهش مراجعت نمود و به تدریس آموخته های خود پرداخت. چگونگی تدریس و ژرفای بینش او موجب شد تعداد زیادی از جویندگان دانش در حلقه درسی او شرکت کنند. نفوذ معنوی او در میان مردم کرخ و کاظمیه به اوج خود رسید. همگان در مسایل دینی و سیاسی خود به او مراجعه می کردند و تحت تأثیر بیان نافذ و تقوای او قرار داشتند.

آیت اللّه خالصی مرد میدان سیاست بود و آن را از امور دینی جدا نمی دانست و در امور جاری کشورش شرکت داشت و در برابر سلطه اجانب سخت می ایستاد. در نهضت مشروطیت و

برپایی نظام پارلمانی در ایران و استانبول نقش مهمی ایفا کرد. وی سالها با نفوذ و حضور انگلیس در عراق مبارزه نمود و شب سه شنبه ۱۰ ذیقعده ۱۳۴۱ه .ق. به دستور دولت استعماری انگلیس دستگیر و از عراق به جزیره «هنگام» هند تبعید شد، ولی به علت تظاهرات مسلمانان در مخالفت با تبعید ایشان، وی پیش از پیاده شدن از کشتی به یمن برگردانده شد و در مراسم حج از آن جا به حجاز رفت. در مکه از سوی هیأتهای ایرانی که از سوی دولت ایران اعزام شده بودند به ایران دعوت شد.

علمای مقیم عتبات در اعتراض به نفوذ انگلیس به ایران آمدند. آیت اللّه نائینی و سیّد ابوالحسن اصفهانی رهبری این حرکت و مهاجرت را به عهده داشتند. مرحوم خالصی مدتی در قم و اصفهان بود بعد به مشهد آمد و مورد استقبال مردم و سردار اسعد بختیاری که استاندار وقت خراسان بود، قرار گرفت. او در مشهد در اوایل سال ۱۳۴۳ه .ق. بیانیه ای به زبان عربی صادر کرد و مسلمانان کشورهای اسلامی را به عضویت در جمعیت استخلاص الحرمین الشریفین و بین النهرین که خود مؤسس آن بود دعوت کرد. ولی عمر او کفاف نکرد و روز ۱۱ رمضان ۱۳۴۳ه .ق. درگذشت و در حجره عقب صفّه غربی دارالسیاده حرم دفن شد.

آثار علمی زیادی از مرحوم خالصی برجای ماند. از برجسته ترین آنها می توان به این کتابها اشاره کرد: الشریعه السمحاء

فی احکام سیّد الانبیاء، حاشیه کفایه الاصول، الدراری اللّمعات فی شرح

القطرات و الشذرات که پاورقی هایی است بر رساله های فقهی آخوند خراسانی، الحسام البتار فی جهاد الکفّار مشتمل بر مقالاتی است که در زمینه وجوب پیکار با اشغالگران انگلیسی نوشته و در روزنامه صدی الاسلام به چاپ رسیده است. الوجیزه فی المواریث، عناوین الاصول و مختصر الرسائل العملیه و الاصول الدینیه نیز از آثار دیگر اوست.

(۲۵) خامنه ای – سیّد جواد (۱۳۱۳ – ۱۴۰۶ه.ق.)

مرحوم آیت اللّه سیّد جواد خامنه ای در جمادی الآخر سال ۱۳۱۳ه .ق. در نجف اشرف در خانواده ای روحانی دیده به جهان گشود. در کودکی به همراه خانواده به تبریز مهاجرت کرد. پدر ایشان مرحوم آیت اللّه حاج سیّد حسین خامنه ای عالم بزرگ تبریز و امام جماعت مسجد جامع این شهر بود که در سال ۱۳۲۵ه .ق. رحلت نمود. سنین نوجوانی ایشان مقارن با آغاز نهضت مشروطیت بود و ایشان برخی از رویدادهای مهم از قبیل مصلوب کردن بزرگان تبریز در روز عاشورا به وسیله روسها را دیده بود.

مرحوم آیت اللّه سیّد جواد خامنه ای تحصیل را در تبریز آغاز نمود و در سال ۱۳۳۶ه .ق. برای ادامه تحصیلات به مشهد مقدس مهاجرت کرد. در آن جا ۹ سال از محضر آیات عظام میرزا محمّد آقازاده خراسانی، حاج آقا حسین قمی و حاج فاضل خراسانی

استفاده برد که این ایام با قیام شیخ محمّد خیابانی، شوهرخواهر ایشان، مقارن بود.

در سال ۱۳۴۵ه .ق. برای تکمیل تحصیلات رهسپار نجف اشرف شد و از خرمن علم و معرفت آیات عظام میرزای نائینی و سیّد ابوالحسن اصفهانی بهره برد. پس از اتمام تحصیلات به مشهد بازگشت و با دختر مرحوم آیت اللّه حاج سیّد هاشم نجف آبادی ازدواج کرد که رهبر فرزانه انقلاب حضرت آیت اللّه العظمی حاج سیّد علی خامنه ای ثمره این وصلت مبارکند.

ایشان سالها در مشهد به تدریس فقه و اصول و اقامه جماعت در مسجد جامع گوهرشاد و مسجد صدیقیهای بازار بزرگ مشغول بودند و در دوران مبارزات فرزندانشان از رژیم ستمشاهی آزار و اذیت بسیاری متحمل شدند.

مرحوم آیت اللّه حاج سیّد جواد خامنه ای سرانجام در ۱۵ تیر ۱۳۶۵ / ۲۸ شوال ۱۴۰۶ در مشهد دار فانی را وداع گفتند و پس از تشییع باشکوه مردمی در جوار حضرت امام رضا علیه السلام در توحیدخانه، رواق پشت سر حضرت، به خاک سپرده شدند.

(۲۶) خراسانی – ملّا هاشم (۱۲۸۴–۱۳۵۲ه .ق.)

حاج ملّا هاشم خراسانی فرزند محمّد علی، از معاریف فقها بود و بسیاری از مردم از او پیروی می کردند. وی در بیستم صفر

۱۲۸۴ه .ق. در مشهد تولد یافت و پس از تحصیل دانشهای دینی عصر خود در شمار علمای برجسته مشهد درآمد و به تدریس و ترویج و تحقیق روی آورد و کتابهای سودمندی از خود به یادگار گذاشت. رساله ربا، رضاع، وسیله الامان، ارث، معاملات، نفقات و کتاب پر بهای منتخب التواریخ از آثار ایشان است. وی بیشتر وقایع روزگار خود از جمله به توپ بسته شدن حرم توسط قوای روس را به تفصیل در منتخب التواریخ آورده است.

چراغ عمر حاج ملّا هاشم پس از ۶۸ سال خاموش گشت و بدن بی جان وی روز سوم ذیحجه ۱۳۵۲ه .ق. در محل دارالحفّاظ حرم امام پاکان به خاک سپرده شد.

(۲۷) دامغانی – محمّد کاظم (۱۳۱۶–۱۴۰۱ه .ق.)

آیت اللّه حاج شیخ محمّد کاظم مهدوی دامغانی فرزند آخوند ملّا علی اکبر، در جمادی الثانی ۱۳۱۶ه .ق. در روستای شمس آباد دامغان به دنیا آمد. در کودکی پدر و مادر خود را از دست داد و علیرغم دشواریهای زندگی به کسب دانش روی آورد، پس از فراگیری مبانی علوم دینی به مشهد آمد. ابتدا در منزل آخوند ملاّ ـ بمانعلی محقق، واعظ معروف آن زمان که با وی نسبت خویشاوندی داشت، ساکن شد سپس در مدرسه دو درب حجره ای گرفت و نزد میرزا عبدالجواد نیشابوری و نیز فاضل

بسطامی با علوم ادب آشنا شد، قوانین را نزد مرحوم شهرستانی و سطوح عالیه را خدمت شیخ حسن بُرسی و شیخ محمّد قوچانی و شیخ محمّد نهاوندی که هر سه از شاگردان برجسته آخوند خراسانی بودند، آموخت و ۱۴ سال درس آیت اللّه حاج میرزا محمّد آقازاده و ده سال خدمت آیت اللّه آقا میرزا مهدی اصفهانی و ۳ سال محضر آیت اللّه حاج آقا حسین قمی و یک سال درس آیت اللّه شیخ موسی خوانساری را که همه آنها از فحول علمای شیعه در قرن ۱۴ هجری بودند درک کرد و از آیات عظام میرزا محمّد حسین نائینی، سیّد ابوالحسن اصفهانی و میرزا محمّد آقازاده اجازه اجتهاد و از شیخ آقا بزرگ تهرانی و علامه سمنانی صاحب «حکمت بوعلی» و آیت اللّه العظمی حاج آقا حسین بروجردی اجازه روایی دریافت کرد.

مرحوم دامغانی از سال ۱۳۳۶ه .ق. در مشهد حوزه درس قوانین، شرایع، ریاض، رسائل، مکاسب و کفایه داشت و از سال ۱۳۵۶ه .ق. پس از واقعه مسجد گوهرشاد در منزل خود منزوی گردید و در بازسازی حوزه مشهد پس از شهریور ۱۳۲۰ه .ش. از فعالین بود.

سجایای اخلاقی و صراحت لهجه و اجتناب از هرگونه تظاهر از مشخصه های برجسته روحی مرحوم آیت اللّه دامغانی بود. ایشان دهم تیر در سال ۱۳۶۰ه .ش. / ۲۷ شعبان ۱۴۰۱ه .ق. در مشهد درگذشت و در دارالزهد حرم مدفون گردید.

ص:۵۷

(۲۸) سبزواری – حسین (۱۳۰۹–۱۳۸۶ه.ق.)

آیت اللّه حاج میرزا حسین سبزواری مشهور به «فقیه سبزواری»، فرزند آیت اللّه میرزا موسی (۱۲۶۵–۱۳۳۷ه .ق.) سوم رمضان ۱۳۰۹ه .ق. در شهر سامرا به دنیا آمد و در سال ۱۳۱۸ه .ق. همراه پدر خود آیت اللّه میرزا موسی به سبزوار رفت و در آن جا به تحصیل علوم دینی پرداخت. وی در سال۱۳۲۶ه .ق. برای ادامه تحصیل وارد مشهد شد و در مدرسه فاضلخان حجره گرفت و از محضر دانشورانی چون حاج شیخ حسن برسی، میرزا محمّد باقر مدرّس رضوی، میرزا عبدالجواد ادیب نیشابوری، حاج میرزا حسین از شاگردان میرزای شیرازی و حاج میرزا اسماعیل مجتهد، علم آموخت.

فقیه در طول تحصیلات خود در حوزه مشهد، شاهد فاجعه به توپ بستن حرم در روز دهم ربیع الثانی ۱۳۳۰ه .ق. بود و این فاجعه را در یادداشتهای منتشر نشده خود منعکس کرده است. وی شعبان سال ۱۳۳۱ه .ق. با دختر میرزا حسین صدرالعلما (۱۳۲۹–۱۳۹۵ه .ق.) یکی از علمای برجسته سبزوار ازدواج نمود و شش سال در سبزوار اقامت کرد. در این مدت ضمن تدریس، خارج فقه و اصول را از محضر پدر و حکمت را نزد افتخار الحکما شاگرد کم مانند حاج ملّا هادی سبزواری، فرا گرفت و سال ۱۳۳۸ه .ق.، به نجف رفت و فقه و اصول را نزد آیات

حسین نائینی، سیّد ابوالحسن اصفهانی، آقا ضیاء عراقی و حاج سیّد محمّد فیروزآبادی فرا گرفت و از همه اساتید خود اجازه اجتهاد دریافت نمود و به «فقیه سبزواری» اشتهار یافت.

وی علاوه بر درک محضر اساتید یاد شده خود در سامرا، در نجف نیز از محضر آخوند خراسانی، سیّد محمّد کاظم یزدی، شیخ حسن مامقانی، آیت اللّه شربیانی، آیت اللّه سیّد محمّد بحرالعلوم، شیخ محمّد طه نجف، میرزا حسین نوری، حاج آقا رضا همدانی، شیخ علی گنابادی و شیخ علی قوچانی بهره برد و سال ۱۳۴۷ه .ق. در ۳۸ سالگی به درخواست مردم سبزوار به ایران بازگشت و در مشهد ساکن شد و به تدریس فقه و اصول و فلسفه و نیز اقامه نماز جماعت روی آورد و خدمات اجتماعی و عمرانی کم نظیری انجام داد. او مدرسه باغ رضوان را با ۱۶ هزار متر مربع مساحت به سال ۱۳۳۰ه .ش. ساخت و تکیه سیّدها را احداث کرد. درمانگاه رازی را تکمیل کرد و ۱۲۰ باب منزل در خیابان نخریسی و ۲۵ باب در خیابان خواجه ربیع برای سیل زدگان بنا نهاد و ۲۵۰۰ قطعه زمین را در کوی طلاب به طلبه ها و فضلای حوزه مشهد واگذار کرد و دهها مسجد را در محلات مختلف مشهد ساخت و خود روز شنبه ۲۴ شوال ۱۳۸۶ه .ق. / ۱۳۴۵ه .ش. در ۷۷ سالگی راه ناهموار دنیای مادی را به آخر رساند و روحش به دار قرار پر گشود و در محل مدرسه باغ رضوان فضای سبز شمال غربی حرم در ابتدای بست طبرسی به خاک

سپرده شد. هدایه الانام رساله عملی اوست و کتاب مناسک حج وی نیز به چاپ رسیده است.

(۲۹) شیرازی – ابوالحسن (۱۲۹۳–۱۳۷۹ه.ش.)

آیت اللّه شیخ ابوالحسن شیرازی (مقدسی)، در سال ۱۲۹۳ در کوهستان از توابع داراب استان فارس متولد شد. پدرش مهدی قلی خان از متنفذین محل بود. مقدمات دانش اندوزی را در داراب و اصطهبانات گذراند و در شیراز سطوح عالیه و مقداری فلسفه آموخت، سپس به مشهد آمد و مدتی از دروس اساتید حوزه مشهد بویژه دروس عمیق و عالم پرور آیت اللّه میرزا مهدی اصفهانی(ره) بهره گرفت. پس از مدتی رهسپار نجف گردید و از محضر آیات عظام شیخ محمّد حسین اصفهانی (کمپانی)، میرزا محمّد حسین نائینی، آقا ضیاء عراقی و سیّد عبدالهادی شیرازی، استفاده کرد و موفق به دریافت اجازه اجتهاد از برخی آیات عظام گردید. آنگاه به ایران بازگشت و دو سال در حوزه علمیه قم در درس مرحوم آیت اللّه العظمی بروجردی شرکت کرد. در سال ۱۳۴۰ به مشهد مراجعت کرد و به تدریس و تربیت طلاب فاضل پرادخت.

همزمان با شروع نهضت اسلامی در ایران، ایشان صادقانه در این قیام مردمی شرکت کرد. پس از پیروزی انقلاب، از طرف امام

خمینی قدس سره به عنوان اولین امام جمعه شهر مقدس مشهد منصوب شد و در مجلس خبرگان قانون اساسی به عنوان نماینده مردم استان خراسان و دو دوره در خبرگان رهبری به عنوان اولین نماینده خراسان انتخاب گردید.

این عالم خدمتگزار همواره قبل و بعد از انقلاب برای رفع مشکلات مردم فراوان می کوشید. او با تأسیس چندین حمام عمومی، منبع آب آشامیدنی، حسینیه، مسجد، مدرسه، و سدهای خاکی، در خراسان و داراب و تأسیس چندین شهرک برای افراد کم درآمد، آثار بسیاری از خود برجای گذاشت.

ایشان به کارهای فرهنگی و علمی بسیار ارج می نهاد، از این رو مدرسه علمیه «ولی عصر (عجل اللّه تعالی فرجه)» و مؤسسه «اسلام شناسی بانوان» را تأسیس کرد.

و بالاخره پس از عمری سراسر تلاش، جهاد و اخلاص، عصر یکشنبه ۱۶ مرداد ۱۳۷۹ / پنجم جمادی الاولی ۱۴۲۱ قمری در ۸۶ سالگی دار فانی را وداع گفت و در جوار مولایش حضرت امام رضا علیه السلام در دارالزهد مدفون گشت.

(۳۰) شیرازی – سیّد عبد اللّه (۱۳۰۹ه.ق. – ۱۳۶۳ه.ش.)

آیت اللّه العظمی حاج سیّد عبد اللّه موسوی شیرازی فرزند آیت اللّه سیّد محمّد طاهر موسوی (م ۱۳۴۵ه .ق.) از مراجع بزرگ

تقلید و از علمای روحانیت در سده اخیر، شب یکشنبه ۱۳ شعبان ۱۳۰۹ه .ق. / سوم اسفند ۱۲۷۱ه .ش. در شهر شیراز پا به دنیا نهاد، مادرش علویه ای از خاندان قاضی حسین دزفولی بود.

سیّد عبد اللّه پس از فراگیری عرفان و ادب، با مقدمات علوم اسلامی آشنا شد و در محضر پدر و شیخ علی ابوالوردی، میرزا محمّد صادق مجتهد و حاج شیخ رضا ثامنی به تحصیل علوم اسلامی پرداخت و در جمادی الاول ۱۳۳۳ه .ق. / خرداد ۱۲۹۴ه .ش. عازم نجف شد. حجره ای در مدرسه آخوند خراسانی اختیار کرد و در درس آیات حاج شیخ ضیاء الدین عراقی و حاج شیخ محمّد حسین نائینی شرکت جست و بیشترین وقت خود را در محضر سیّد ابوالحسن اصفهانی سپری کرد و به تدریج، خود دوره خارج فقه و اصول را شروع نمود.

در اواسط سال ۱۳۴۵ه .ق. قصد وطن کرد و استادش محقّق عراقی در اول جمادی الآخر ۱۳۴۵ه .ق. / ۱۳۰۶ه .ش. اجازه اجتهاد مطلق به ایشان داد. بازگشت وی به وطن هم زمان بود با اعمال سیاست های ضد دین رضا شاه و همایش بزرگ علما در قم که با مشارکت آیت اللّه شیرازی قرین بود.

در جریان کشف حجاب، ایشان به مشهد آمد و با آیت اللّه العظمی حاج آقا حسین قمی و علمای اعلام مشهد دیدار نمود و پس از رحل اقامت افکندن در مشهد، در شورای آنها که در منزل آیت اللّه سیّد یونس اردبیلی دایر می شد شرکت می جست و پس از کشتار فجیع گوهرشاد و بازداشت علما، ایشان نیز دستگیر و به

تهران اعزام شد. وی پس از پنج ماه آزاد شد و فروردین ماه سال ۱۳۱۵ه .ش. وارد نجف گردید.

آیت اللّه سیّد ابوالحسن اصفهانی در سال ۱۳۲۳ه .ش.، طی یادداشتی ایشان را به عنوان شخص شایسته مرجعیت معرفی نمود و از مردم خواست در امور دینی به وی رجوع نمایند و رساله عملیه آیت اللّه شیرازی تحت عنوان انیس المقلّدین انتشار یافت.

آیت اللّه شیرازی در جریان نهضت ملی از اقدامات سیاسی آیت اللّه سیّد ابوالقاسم کاشانی حمایت کرد و در جریان لایحه انجمنهای ایالتی و ولایتی سال ۱۳۴۱ و ۱۵ خرداد ۴۲ به دفاع از حریم دین و روحانیت و امام خمینی قدس سره برخاست، تا این که با اعمال فشار حزب بعث عراق، این کشور را ترک گفت و روز ۱۰ آذر ۱۳۵۴ به ایران آمد و پس از سفر به قم و شیراز وارد مشهد شد و به تدریس طلاب و ارشاد مردم پرداخت و در جریان انقلاب اسلامی سال ۱۳۵۷ زمام امور خراسان را به عهده گرفت و هماهنگ با امام عمل کرد، تا این که ساعت ۵/۱۱ شب ششم مهر ماه سال ۱۳۶۳ه .ش. / اول محرم ۱۴۰۵ه .ق. در ۹۲ سالگی به دیدار معبود شتافت و در رواق توحیدخانه حرم مطهّر دفن گردید.

(۳۱) رضوی – محمّد تقی (– ۱۱۴۹ه .ق.)

میرمحمّد تقی از سادات رضوی و مشهور به «میرخدایی»

ص:۶۳

است. او انسانی زاهد و پارسا بود و نزد مردم جایگاه ویژه ای داشت. گویند سالی که شاه سلطان حسین صفوی به مشهد آمد مورد توجه او قرار گرفت. شاه وی را در خانه اش ملاقات نمود. میر به هیچ وجه در حق او به قیام و اکرام نپرداخت، شاه از نقد و جنس هر چه تکلیف کرد نپذیرفت مگر قرآنی که دارای خطی بسیار خوش بود. شاه ایشان را به اصفهان دعوت کرد، ولی ایشان از رفتن به اصفهان خودداری نمود. سلطان حسین طی نامه ای همه اهالی خراسان را موظف کرد تا او را به اصفهان اعزام کنند، دخالت مردم سودی نبخشید، در همان زمان در مشهد فرد دیگری به نام میرتقی رضوی بود که او نیز از پارسایان به شمار می رفت، مردم به هر نحوی بود او را راضی کردند و به اصفهان اعزام نمودند. از آن زمان این دو میر که هر دو هم نام و هم نسب بودند، اولی «میرخدایی» و دومی «میرشاهی» نامیده شدند.

میرخدایی در سال ۱۱۲۳ شصت جلد کتاب برای بهره برداری مؤمنان وقف و تولیت آن را به عهده فرزندش محمّد علی و نظارت آن را به عهده عبدالرزاق بن اسماعیل سمنانی نهاد.

میرخدایی در قبرستان قتلگاه دفن شد. و بر اساس ماده تاریخی که شیخ محمّد علی حزین لاهیجی گفته است، سال ۱۱۴۹ه .ق. درگذشت.

ص:۶۴

(۳۲) طبرسی – فضل بن حسن (۴۶۸–۵۴۸ه .ق.)

فضل بن حسن بن فضل معروف به شیخ طبرسی ملقب به امین الاسلام و امین الملة و الاسلام و مکنی به ابوعلی، در عصر سلاجقه می زیست و در فقه، حدیث، ادب، رجال، لغت و علوم ریاضی متبحر بود و شعر می سرود. در این عصر طوس مرکز علمی خراسان بود و دانشوران بزرگی در آن زندگی می کردند.

ابوالحسن علی بن زید بیهقی (م ۵۶۵ه .ق.) در تاریخ بیهق از ایشان نام برده، می نویسد: وی از تفرش است که معرب آن طبرس می باشد. این نظر بیهقی مورد اعتماد است، چون طبرسی سال ۵۲۳ وارد بیهق شده و تا سال ۵۴۸ یعنی ۲۵ سال در این شهر زندگی می کرد و بیهقی در این زمان به عنوان مورخ بیهق و نویسنده مشهور آن، در قید حیات بوده است.

طبرسی در بیهق مهمترین کتابهای خود از جمله مجمع البیان را نوشت. او در مدرسه باب العراق بیهق تدریس می کرد و مجمع البیان را به درخواست شریف سیّد جلال الدین ابی منصور محمّد بن یحیی بن هبه اللّه حسینی زیاری نوشت و در ذی القعده ۵۳۶ از تألیف مجمع فراغت یافت. مجمع البیان به تعبیر استاد شهید علامه مطهری «از نظر ادبی و حسن تألیف بهترین تفسیر است و شیعه و سنی برای این تفسیر اهمیت فراوانی قائلند مکرر در ایران، مصر و بیروت چاپ شده است».

ص:۶۵

مجمع البیان پس از ارتحال طبرسی مورد توجه همه مسلمانان قرار گرفت. در این تفسیر از افکار صوفیانه یا قصه های اسرائیلی خبری نیست.

طبرسی تفسیر مختصری دارد به نام جوامع الجامع. وی پس از فراغت از مجمع البیان، به تفسیر کشّاف که توسط معاصر نامدارش جار اللّه زمخشری (۴۶۷-۵۳۸ه .ق.) تألیف یافته بود، دست یافت. برخی از نکات ادبی را که از خود وی در مجمع البیان فوت شده بود، در تفسیر جوامع الجامع با توجه به لطافت کشاف نوشت و سال ۵۴۲ آن را به آخر رساند.

طبرسی در خدمت دانشورانی چون سیّد ابوطالب محمّد بن حسین حسینی شیخ القَصَبی گرگانی، شیخ ابوعلی بن شیخ طوسی، شیخ ابوالوفاء عبدالجبار بن علی مقری رازی، حسن بن حسین بن حسن بن بابویه قمی رازی، شیخ موفق الدین حسین بن افتح واعظ بکرآبادی گرگانی (م ۵۳۶ه .ق.) شیخ ابوالحسن عبید اللّه بن محمّد بن حسین بیهقی، حاکم موفق بن عبد اللّه عارف نوقانی از مشایخ عامه، شیخ ابوعبد اللّه جعفر بن محمّد دوریستی، و شیخ ابوالقاسم محمّد بن حمزه بن نصر کرمانی معروف به تاج قراء کرمانی دانش آموخت، و از آنان اجازه روایی گرفت و چهره های برجسته ای چون فرزندش شیخ جلیل رضی الدین ابونصر حسن بن فضل طبرسی، حافظ محمّد بن علی بن شهر آشوب (م ۵۸۸ه .ق.) شیخ منتجب الدین علی بن عبید اللّه بن حسن رازی، سیّد جلیل امام ضیاءالدین فضل اللّه بن علی بن

عبید اللّه حسینی راوندی کاشانی، شیخ امام قطب الدین ابوالحسن معروف به قطب راوندی، شیخ ابوالفضل شاذان بن جبرئیل قمی و شیخ برهان الدین بن محمّد بن علی قزوینی همدانی را در مکتب علمی خود پرورش داد و سال ۵۴۸ه .ق. در ۸۰ سالگی درگذشت و در گورستانی نزدیک حرم معروف به قتلگاه دفن گردید.

(۳۳) عاملی – عبدالعالی (۹۲۶–۹۹۳ یا ۹۹۴ه .ق.)

عبدالعالی فرزند علی نورالدین عاملی کرکی، مشهور به محقق ثانی از فقیهان و محدثان و متکلمان قرن دهم هجری است. وی در سال ۹۲۶ه .ق. به دنیا آمد و نزد پدر و عالمان دیگر به تحصیل پرداخت. او به بحثهای کلامی رویکرد بیشتری از خود نشان داده است. کتاب مناظرات از آثار او است و امامت را در رد نواقض الرافض میرزا مخدوم شریفی نوشت. کتاب قبله به طور عام و خصوص قبله خراسان نیز از آثار اوست.

الفیه شهید اول را شرح کرد و بیشتر عمر خود را در کاشان سپری نمود و سال ۹۹۳ یا ۹۹۴ه .ق. در شهر اصفهان فوت کرد و در زاویه منسوب به سیّد الساجدین دفن گردید و پس از ۳۰ سال جنازه او همراه جنازه شیخ فقیه علی بن هلال کرکی به مشهد انتقال یافت و در محل دارالسیاده به خاک سپرده شد.

ص:۶۷

(۳۴) عصار – سیّد محمّد (۱۲۶۴ یا ۱۲۶۵–۱۳۵۶ه .ق.)

سیّد محمّد تهرانی لواسانی متخلص به «عصّار»، «ناظم» و «آشفته»، فرزند محمود از چهره های بلند آوازه حوزه، به سال ۱۲۶۴ یا ۱۲۶۵ه .ق. در تهران به جهان پا نهاد و دوم ذی الحجه ۱۳۴۰ه .ق. پس از تلمذ در محضر آیات میرزای شیرازی، میرزای نائینی، میرزای آشتیانی و آخوند ملا محمّد کاظم خراسانی و نیل به درجه اجتهاد، به مشهد آمد و با وجود ضعف جسمی و از دست دادن یک چشم به تألیف و تصنیف پرداخت. از آن جمله می توان به آثار زیر اشاره کرد:

شرحی بر زبده شیخ بهایی، شرح معالم، تفسیر بسم اللّه و فاتحه الکتاب، شرح لمعه، حجیت خبر واحد، مسأله اجزاء، مسأله بیع به شرط خیار، مبحث اجتهاد و تقلید، استصحاب و تنبیهات استصحاب، البرکات الرضویه فی تلخیص الفرائد الاصولیه علامه انصاری، رساله ای در تجرّی و کلام اخباریین و ظاهر کتاب از مباحث عام و خاص، رساله ای در قاعده نفی ضرر، رساله ای در مبحث ترتیب، تقریرات درس میرزا در وقف، رساله ای در مبحث ترتّب، رساله ای در عدم اعتبار تساوی سطوح، رساله ای در جواز صلاه در لباس مشکوک، شرح کشف الفوائد علامه، شرح کشف الریبه فی الغیبه و النمیمه، الالهامات الرضویه فی شرح الزیاره الجامعه الکبیره، شرح قواعد شهید اوّل، شرح وجیز بر منظومه سیّد بحرالعلوم، وجوه تأمل بر مکاسب مرحوم شیخ مرتضی، توحید کمالی و

ص:۶۸

اخلاق کمالی، لسان الغیب، بیان الغیب، نیاح الغیب، تشطیر مقدمات

گنجینه راز، شرح منظوم گلشن راز، ذیل الارغام و ارغام الشیطان در ردّ بابیه و بهائیه، رساله ای در دیات مطابق وجه نقد، حاشیه بر منظومه حاج ملاهادی سبزواری، ناسخ التواریخ به فارسی و تعدادی دیگر از آثار علمی و پربها که برخی از آنها منتشر شده است و تعدادی نیز به صورت مخطوط در کتابخانه آستان قدس نگهداری می شود.

عصار در سال ۱۳۵۶ه .ق. در مشهد رخت بر سرای بقا کشید و در صحن جدید حرم مطهر دفن شد. سیّد محمّد کاظم عصار فرزند اوست.

(۳۵) علم الهدی – سیّد ابراهیم (– ۱۳۷۸ه .ش.)

آیت اللّه العظمی حاج سیّد ابراهیم علم الهدی سبزواری از ستارگان پرفروغ آسمان فقه و فقاهت در شهر سبزوار به دنیا آمد و سطح را در آن جا به پایان برد و در محضر شاگردان مکتب حاج ملا هادی سبزواری با مبانی کلامی و حکمی آشنا شد و برای ادامه تحصیل به نجف عزیمت کرد و از محضر آیات عظام حاج آقا حسین قمی، حاج سیّد ابوالقاسم خویی بخصوص آیت اللّه العظمی حاج سیّد محمّد هادی میلانی بهره برد و از او به دریافت اجازه اجتهاد نایل شد. پس از هجرت آیت اللّه میلانی در سال ۱۳۳۳ به مشهد، ایشان نیز به این شهر آمد و در شبستان

گوهرشاد، پس از آن که آیت اللّه میلانی خارج فقه و اصول تـدریس می کرد ایشان به تقریر درس اسـتاد می پرداخت و پس از ارتحـال ایشان خود حلقه درسـی تشـکیل داد و بیش از دو دهه در مـدرسه امام صادق علیه السـلام به تـدریس خارج اصول مبادرت ورزید و شاگردان برجسـته ای را در مکتب اصولی خود پروراند. از ویژگی حوزه درسـی ایشان می توان به ژرفنگری وی در ارائه مباحث اصولی اشاره کرد.

آیت اللّه علم الهـدی انسـانی خلیـق، شـوخ طبـع، سـاده زیست و بسـیار متواضع بود و بیش از سه دهه در مسـجد فرش فروشـها (حوض چهل پایه) نماز جماعت اقامه می نمود و به گره گشایی از کار مردم اهتمام می ورزیـد و در حل مسائل بغرنج قضایی به قضات کمک می کرد. ایشان هیـچ گاه سـعی نمی کرد شاگردان خود را مقلد بار بیاورد و در طرح مسائل علمی و گشودن گره از معمای آنها از نبوغ خاصی برخوردار بود.

پیکر پـاک آیت اللّه علم الهـدی در روز ۱۳ آذر سال ۱۳۷۸ه .ش. از مسـجد فرش فروش ها تشـییع و در رواق دارالزهـد حرم مطهّر دفن شد.

(۳۶) فلسفی – میرزا علی (۱۲۹۹–۱۳۸۴ه .ش.)

عالم ربّانی، فقیه، محقق و اصولی مدقق، آیت اللّه حاج میرزا

علی آقا فلسفی در ربیع الثانی ۱۳۳۹ه .ق. / ۱۲۹۹ه .ش. در تهران به دنیا آمد و با ولادتش چشم پدر را به چهارمین پسر خانواده، پس از حاج شیخ ابوالقاسم، حاج شیخ محمّد تقی و مرتضی روشن ساخت.

پدرش آیت اللّه حاج شیخ محمّد رضا تنکابنی (۱۲۸۲-۱۳۸۵ه .ق.) فرزند شیخ محمّد واعظ تنکابنی، از علمای برجسته تهران بود. مرحوم حاج شیخ محمّد رضا تنکابنی شش سال از محضر فقهی آیت اللّه حاج شیخ حبیب اللّه رشتی استفاده کرده، سالیانی در مجلس درس اصول فقه آیت اللّه شیخ محمّد کاظم آخوند خراسانی، فقه آیت اللّه سیّد کاظم یزدی و اخلاق و سلوک آیت اللّه حاج ملا حسینقلی همدانی بهره مند گردیده بود. از همین رو، وی عالمی جامع و مورد توجه خاص و عالم بود. آیت اللّه حاج میرزا هاشم آملی و آیت اللّه آخوند ملا علی همدانی از شاگردان ایشان بودند. ایشان تقریرات قابل توجهی از اساتید خود داشت که بعدها در اختیار آیت اللّه فلسفی قرار گرفته است.

کودکی آیت اللّه فلسفی در تهران گذشت و پس از گذراندن مکتبخانه، در حدود یازده سالگی تحصیل علوم اسلامی را آغاز کرد. دروس مقدمات را نزد برادر ارشد خویش، مرحوم حاج شیخ ابوالقاسم، شیخ حسین نوایی، سیّد محمّد حسین بروجردی و سیّد محمّد قصیر به پایان برد. سپس دروس سطح، لمعه، رسائل مکاسب و کفایه را نزد اساتید آن سامان، و بیشتر از همه نزد پدر خود فرا گرفت.

سال ۱۳۲۴ه .ش. بـا اتمـام کامل دوره سـطح در تهران در حالی که ۲۵ سال داشت بار سـفر به عتبات بست و در مـدرسه سیّد محمّد کاظم یزدی در نجف رحل اقامت افکند و تا سال ۱۳۴۰ه .ش. در آن دیار به تعلّم و تفقّه و تدریس پرداخت.

ایشان پس از ارزیابی دروس تعـدادی از بزرگان فقه و اصول نجف، نخست در درس آیت اللّه شـیخ محمّـد علی کاظمینی، از برجسـته ترین شـاگردان آیت اللّه نائینی، شـرکت جست. پس از فوت اسـتاد، مـدت کوتاهی به درس آیت اللّه سـیّد ابوالقاسـم خویی شـرکت کرد. وی دو دوره کامل اصول فقه و ابواب متعددی از فقه را در محضر ایشان آموخت و در جلسه استفتاء آیت اللّه خویی در تعلیق بر عروه الوثقی و وسیله النجاه نیز عضویت داشت.

در خلال همین سالها، به تدریس سطح مشغول شد و تا پایان اقامت در نجف، تمام دروس سطح اعم از لمعه، رسائل، مکاسب و

کفایه را تدریس نمود. به دلیل تسلّط علمی فوق العاده و بیان روان و شیوا، دروس ایشان به ویژه کفایه مورد توجه خواص قرار گرفت.

در سـال ۱۳۴۰ه .ش. جمعی از متـدینین تهران نـامه هـایی را بـه آیـات عظـام حکیم و خـویی فرسـتادند تـا از آیت اللّه فلسـفی بخواهنـد به دیـار خود بـازگردد و اقامه جماعت در مسـجد لرزاده میـدان خراسان را پس از مرحوم حاج شـیخ علی اکبر برهان برعهده گیرد. به این ترتیب، آیت اللّه فلسفی با کوله باری از فقاهت و علم، که اجازه اجتهاد استادش آیت اللّه خویی گواه آن بود، به تهران مراجعت کرد. در سال ۱۳۴۵ه .ش. با رحلت پدر و برای انتقال

پیکر ایشان به نجف اشرف و دفن در جوار مرقد امیر مؤمنان علیه السلام به آن جا بازگشت و پس از انجام این وظیفه به تهران آمد.

در تهران علاوه بر اقامه جماعت در مسجد لرزاده، به تدریس دروس خارج برای حوزویان، و پس از اصرار مردم و تأکید برادرشان واعظ شهیر مرحوم حاج شیخ محمّد تقی فلسفی، به وعظ و تعلیم معارف اسلامی برای عموم مردم پرداخت. قوت فکری و علمی و مطالعات گسترده برای این مجالس، این دروس را بسیار غنی، و مردم را شیفته شخصیت و جامعیت ایشان ساخت. سال ۱۳۴۹ه .ش. که خفقان حکومت پهلوی به اوج خود رسیده، و روحانی مبارز آیت اللّه سیّد محمّد رضا سعیدی در زندان شهید شده بود. مجلس فاتحه ای از سوی آیت اللّه فلسفی در مسجد لرزاده برگزار شد. امّا در همان آغاز با دخالت نیروهای رژیم وقت، از ادامه مجلس جلوگیری شد.

آیت اللّه فلسفی در حدود سال ۱۳۵۰ه .ش. به درخواست مرحوم آیت اللّه میلانی ابتدا مدتی کوتاه، و سپس به صورت دائمی به اقامت در جوار عالم آل محمّد امام علی بن موسی الرضا علیه السلام و تدریس در حوزه علمیه مشهد مصمم گردید. این تصمیم مورد استقبال علما قرار گرفت و بلافاصله، دروس خارج ایشان به یکی از پر رونق ترین دروس فقه و اصول این حوزه مبدّل شد. می توان گفت که دروس ایشان چند سال پس از شروع، تا زمان رحلت آن فقید، همواره پر جمعیت ترین دروس فقه و اصول حوزه مشهد بود.

ایشان، مبانی فقه و اصول خود را در مدرسه میرزا جعفر، مسجد ملاحیدر، و در دوره های اخیر در تالار اصلی مدرسه آیت اللّه خویی، برای انبوه شاگردان تدریس می کرد. درس آن استاد فرزانه، در مقایسه با سایر دروس مشهد و قم، نمونه ای کم نظیر از شیوایی تعبیر و تقریر، روانی بیان به شمار می آمد. دهها تن از طلاب و فضلای حوزه، از محضر ایشان بهره جستند. بسیاری از آنها در زمان حیات استاد، از مدرّسان خارج فقه و اصول و پژوهشگران برجسته علوم اسلامی به شمار می آمدند.

نماز جماعت ایشان در مسجد شهدا (بناها)، از جماعت های مورد توجه خواص بود که با حال و هوای معنوی اقامه می گردید.

ایشان در دهه پنجاه شمسی، از ارکان حوزه علمیه مشهد در حمایت از انقلاب اسلامی بود و پس از پیروزی این انقلاب شکوهمند، به انتخاب مردم از استان خراسان به همراه جمعی دیگر از بزرگان حوزه، به عنوان عضو مجلس خبرگان قانون اساسی در مراحل تدوین و تصویب قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران شرکت جست.

از برکات آن مرحوم که علاوه بر حوزویان، عموم مردم از آن بهره مند بودند، مجالس اعتقادی و اخلاقی بود که ماه های رمضان در مسجد شهدا، و به صورت هفتگی در مسجد کوچک جنب منزل ایشان (مسجد موسی بن جعفر علیه السلام) برگزار می شد.

مجالس اخلاق ایشان در ماه رمضان، مجلس موعظه ای بود که در آن به جای اکتفا به ارشاد نظری، عملاً و بالفعل تأثیر عمیق کلام

و نفس ایشان به صورتی دیرپا در مستمعان می ماند. بیانات ایشان در این مجالس، چنان از صمیم جان و با حرارت خاصی ادا می شد که بارها انبوه جمعیت را به گریه وا می داشت.

گریز آن عالم وارسته از مال و مقام، اگر چه از جنس مناصب دینی همچون مرجعیت باشد بی نیاز از شرح و توضیح بود. همین پرهیز شدید میان ایشان و دو عالم ممتاز دیگر به این خصیصه پیوندی مستحکم داده بود؛ مرحوم آیت اللّه میزرا جواد تهرانی و مرحوم آیت اللّه میرزا حسنعلی مروارید.

به هیچ کاری تا از درستی و بایستگی آن مطمئن نمی شد، اقدام نمی کرد. در عین حال، آن جا که پای تکلیف و مسئولیت در میان بود، وارد میدان می شد. ایشان ریاست هیأت مدیره یکی از نخستین صندوق های قرض الحسنه کشور (صندوق قرض الحسنه حوزه علمیه مشهد) را تا پایان عمر برعهده داشت و فعالانه امور آن صندوق و کتابخانه و فروشگاه وابسته به آن را دنبال می کرد. بی تکلف بود و در عین ابهت، بسیار متواضع. او خریدهای مورد نیاز خانواده را خود انجام می داد و گاهی مدتها در صف نانوایی توقف می کرد. دقیق و به دور از مجامله و هرگونه اغراق یا فروکاستی سخن می گفت. حالت غالب ایشان سکوت بود و کلمه ای که به آسانی به زبان می آورد، «نمی دانم» بود.

سرانجام ایشان در عصر هشتم محرم؛ به دلیل سکته قلبی در بیمارستان تخصصی قلب جوادالائمه بستری گردید و ساعتی پیش از اذان ظهر تاسوعای حسینی ۱۴۲۷ه .ق. / ۱۳۸۴ه .ش. به

ملکوت حق پیوست.

پیکر آن مرحوم از محل مسجد شهدا به سمت حرم مطهّر در فضایی آکنده از اندوه و غم، با حضور اساتید و طلاب حوزه و مردم تشییع گردید. حضور پرشور جوانان در این تشییع، نمایانگر آن بود که فاصله زیاد سنّی آن عارف روشن ضمیر با این نسل مانع ارادت و ارتباط صمیمی آنها نبوده است. نماز بر پیکر ایشان به امامت حضرت آیت اللّه وحید خراسانی در صحن آزادی خوانده شد، و آنگاه در جوار لطف حضرت ثامن الحجج علی بن موسی الرضا علیه السلام در رواق دارالسرور آرمید.

(۳۷) قزوینی – مجتبی (۱۳۱۸–۱۳۸۶ه.ق.)

آیت اللّه حاج شیخ مجتبی قزوینی فرزند مرحوم شیخ احمد تنکابنی قزوینی از علمای وارسته و دانشوران بلندپایه قرن چهاردهم هجری و از ارکان اصلی مکتب تفکیک است.

وی در سال ۱۳۱۸ه .ق. در یکی از روستاهای قزوین در خانواده ای روحانی متولد شد و با مقدمات و مبانی علوم در شهرهای قزوین و تهران آشنا شد و سال ۱۳۳۰ه .ق. همراه پدر به عراق رفت و مدت هفت سال در شهر نجف از محضر بزرگانی چون سیّد محمّد کاظم یزدی، میرزا محمّد تقی شیرازی و میرزا محمّد حسین نائینی بهره جست و پدرش مرحوم میرزا احمد که از

شاگردان حاج میرزا حسین خلیلی تهرانی بود در سال ۱۳۳۲ه .ق. در نجف فوت کرد.

پس از بازگشت به وطن، دو سال در قزوین ماند و در آن جا با افکار سیّد موسی زرآبادی قزوینی آشنا شد و به سیر و سلوک شرعی روی آورد و از عرفان و اشراق گنوسی و اسکندرانی دیده بازگرفت و به جستجوی اسلام ناب و عرفان و فلسفه اسلامی پرداخت.

در سال ۱۳۳۹ه .ق. به قم رفت و مدتی از محضر آیت اللّه شیخ عبدالکریم حائری یزدی مؤسس حوزه قم استفاده برد و سال ۱۳۴۱ه .ق. به مشهد آمد و در محله دریادل جنب تکیه و مسجد علی اکبریها سکونت یافت و ضمن اقامه نماز در مسجد مرویها از معارف بلند بزرگانی چون آقا بزرگ حکیم، میرزا محمّد آقازاده، شیخ اسد اللّه عارف یزدی، شیخ موسی خوانساری، میرزا مهدی غروی اصفهانی و حاج آقا حسین قمی استفاده برد و به مدت چهل سال در حوزه علمیه مشهد به تدریس پرداخت و شاگردان برجسته ای را در مکتب فکری خود پرورش داد. ایشان معارف قرآنی و دوره سطح و خارج فقه و اصول را برای عموم طلبه ها و متون فلسفی از جمله اشارات و اسفار را برای خواص به روش اجتهادی و همراه نقد تدریس می کرد.

در بین سالهای ۱۳۲۹ تا ۱۳۳۴ه .ش. بیان الفرقان را در ۵ جلد به رشته تحریر درآورد و رساله ای در معرفه النفس، رساله ای در نقد اصول یازده گانه ملاصدرا شیرازی و آثاری را در برخی از علوم

غریبه نوشت.

او زنـدگی بسیار ساده ای داشت و نمونه ای مجسم از پرهیزکاری و پارسایی بود و از طلبه های درس خوان سخت حمایت و پشتیبانی می کرد و به سادات احترام ویژه ای قائل بود و روز ۲۲ ذیحجه سال ۱۳۸۶ه .ق. / ۱۴ فروردین ۱۳۴۶ه .ش. چشم از سرای سرابین فرو بست و به رحمت الهی واصل گردید و در جانب غربی صحن عتیق دفن شد.

(۳۸) قزوینی – هاشم (۱۲۷۰–۱۳۳۹ه .ش.)

آیت اللّه حاج شیخ هاشم قزوینی از بزرگان علما و مدرسین قرن چهاردهم هجری حوزه علمیه مشهد است. در سال ۱۲۷۰ه .ش. در شهر قزوین متولد شد. مقدمات و قسمتی از سطح را در این شهر و تهران آموخت و عازم نجف شد. پس از بهره وری از محضر اساتید آن جا به مشهد آمد و مدتی از محضر آیت اللّه حاج میرزا محمّد آقازاده و آیت اللّه میرزا مهدی غروی اصفهانی استفاده برد و خود به تدریس سطوح عالی و خارج پرداخت و در مدت زمانی نه چندان طولانی توانست با پرورش شاگردان نامدار، تأثیر انکارناپذیری بر فضای علمی و معنوی حوزه مشهد بگذارد.

وی رسائل، مکاسب، کفایه و خارج اصول را در مدرسه فاضل خان و مدرسه نواب تدریس می کرد و به تعبیر مقام معظم

رهبری حضرت آیت اللّه سیّد علی خامنه ای، حلقات درس او از لحاظ کم و کیف بی نظیر بود. آیت اللّه واعظ طبسی، آیت اللّه حاج میرزا مهدی نوقانی، استاد محمّد تقی شریعتی، استاد کاظم مدیر شانه چی، استاد محمّد رضا حکیمی، آیت اللّه صالحی و در رأس همه آیت اللّه خامنه ای از شاگردان مکتب مرحوم قزوینی به شمار می روند.

بدون تردید مهمترین نقش شیخ هاشم قزوینی، نه تدریس، بلکه تعلیم بوده است. او به نوشته استاد محمّد رضا حکیمی، نمونه برجسته یک عالم دینی و یک روحانی اسلامی واقعی بود. مردی خردمند، وارسته، متواضع، هوشیار، متعهد، شجاع، روشن بین و بیزار از عوام فریبی و انحطاط پراکنی و ارتجاع گرایی بود، سعه صدر و سعه مشرب مرحوم حاج شیخ هاشم، مورد تأیید همه شاگردان وی است.

آیت اللّه شیخ هاشم قزوینی در طول حیات خود، در جریانهای مهم سیاسی خراسان شرکت فعال داشت. ایشان از نقش آفرینان واقعه گوهرشاد بود و در شمار مجتهدینی قرار داشت که پیش از واقعه در منزل مرحوم آیت اللّه سیّد یونس اردبیلی، طی تصمیم شجاعانه ای به رضاخان تلگراف زدند و عمل وی را در زمینه کشف حجاب نکوهیدند. به همین دلیل صبح روز یکشنبه ۱۲ ربیع الثانی ۱۳۱۴ه .ش. همراه امضاکنندگان دیگر، یعنی آیات و حجج اسلام: سیّد یونس اردبیلی، سیّد هاشم نجف آبادی، سیّد علی اکبر خوئی پدر سیّد ابوالقاسم خویی، حاج میرزا حبیب

ملکی، سیّد علی سیستانی، شیخ آقا بزرگ شاهرودی، شیخ علی اکبر آشتیانی و سیّد عبد اللّه شیرازی بازداشت و پس از هشت روز، شب هنگام به تهران اعزام شدند.

آیت اللّه قزوینی تا شهریور ۱۳۲۰ اجازه بازگشت به مشهد را نداشت، بعد از سقوط رضاخان با توصیه آیت اللّه میرزا مهدی اصفهانی و درخواست عده ای از فضلا، ایشان مجددا به مشهد آمد و به تدریس پرداخت.

مرحوم شیخ هاشم قزوینی سرانجام روز ۲۰ ربیع الثانی ۱۳۸۱ه .ق. / ۲۲ مهر ۱۳۳۹ه .ش. درگذشت و جنازه اش در راهرو رواق دارالضیافه حرم مطهّر رضوی واقع در سمت راست ایوان طلای صحن آزادی که در حال حاضر کفشداری شماره ۷ می باشد، به خاک سپرده شد.

(۳۹) قوچانی – ذبیح اللّه (۱۳۲۹–۱۴۱۴ه .ق.)

حاج شیخ ذبیح اللّه قوچانی از علما و مجتهدین نامدار معاصر قوچان است، وی در سال ۱۳۲۹ه .ق. / ۱۲۸۹ه .ش. در روستای خیرآباد مایوان متولّد شد و در ۱۳ سالگی برای تحصیل به شهر قوچان رفت و در مدت سه سال مقدمات را آموخت. سپس به سال ۱۳۴۵ه .ق. به مشهد آمد، و به تکمیل ادبیّات عرب و سطح پرداخت. پس از شش سال توقف در این شهر، سال ۱۳۵۱ه .ق. به نجف اشرف هجرت نمود و در آن جا درسهای فقه و اصول را نزد

مرحوم آیت اللّه آقا ضیاء عراقی و آیت اللّه حاج سیّد محمود شاهرودی، سیّد ابوالحسن اصفهانی و سایر اساتید حوزه نجف فرا گرفت و پس از ۲۰ سال اقامت در نجف و نیل به درجه اجتهاد، در سال ۱۳۷۱ه .ق. به قوچان مراجعت کرد و در این شهرستان به ترویج و نشر احکام اسلامی و تدریس علوم دینی پرداخت و پس از ده سال خدمت فرهنگی و علمی در قوچان، در سال ۱۳۸۱ه .ق. به مشهد عزیمت کرد و مجاورت دائمی حضرت ثامن الحجج علیه السلام را اختیار نمود. او علاوه بر مقام علمی و جامعیت از وارستگی و معنویت والایی برخوردار بود.

از اقدامات مفید وی تأسیس مدرسه علوم دینی محمودیه فاروج است که طلاب علوم دینی تا سطح لمعتین و رسائل در آن جا به تحصیل ادامه می دهند.

شیخ ذبیح اللّه در کمال زهد و تقوا در مجاورت امام هشتم زندگی می کرد تا این که در سحرگاه روز سه شنبه ۲۴ اسفند ۱۳۷۲ه .ش. / سوم شوّال ۱۴۱۴ه .ق. بر اثر سکته قلبی درگذشت و در میان اندوه فراوان علاقه مندانش در صحن آزادی نزدیک ایوان طلا به خاک سپرده شد.

(۴۰) کلباسی – محمّد رضا (۱۲۹۵–۱۳۸۳ه .ق.)

حاج شیخ محمّد رضا کلباسی فرزند میرزا عبدالرحیم فرزند شیخ محمّد رضا (شیخ الاسلام) فرزند حاج محمّد ابراهیم

کلباسی صاحب منهاج و اشارات و غیره، از خاندانهای اصیل اصفهانی است و نسب او از طرف مادر به سیّد الفلاسفه میرداماد می رسد.

ایشان روز ۲۵ ذیقعده ۱۲۹۵ه .ق. در اصفهان متولد شد. ابتدا در اصفهان محضر حاج شیخ محمّد علی نجفی (ثقه الاسلام) و آخوند ملاّ محمّد کاشانی و مرحوم میرزا جهانگیرخان قشقائی و میرزا محمّد باقر حکیم باشی به تحصیل پرداخت و مدتی در تهران به محفل درسی حاج فاضل تهرانی و آخوند ملاّ محمّد آملی پیوست و از معارف بلند این دو شخصیت علمی بهره گرفت و در سال ۱۳۲۳ه .ق. یک سال پیش از انقلاب مشروطیت عازم نجف گردید و خدمت آخوند خراسانی و سیّد محمّد کاظم یزدی و شریعت اصفهانی درس خواند و اجازاتی از آنان دریافت نمود. او سپس به اصفهان برگشت و به تدریس و ترویج و عمران بناهای دینی همت گماشت و میرزا سلمان خان رکن الملک در تخت فولاد اصفهان برای ایشان مسجدی ساخت.

در جریان اوج گیری مخالفت روحانیت با سیاست های دینی رضاخان در سال ۱۳۴۶ه .ق. ایشان همراه حاج آقا نور اللّه اصفهانی به قم مهاجرت نمود و با سخنرانیهای افشاگرانه خود توانست تأثیر مثبتی در رفع ابهام از ذهن مردم نسبت به سیاستهای رضاخان داشته باشد. نقش مؤثر ایشان موجب دستگیری وی شد و مدت ۷ ماه در بازداشت بسر برد و پس از آن به خراسان تبعید گردید.

ص:۸۲

شیخ محمّد رضا مدت دو سال در مشـهد ماند، سـپس به اصـفهان بر گشت و بار دیگر برای اقامت دائم به مشهد آمد و تا پایان عمر یعنی سـال ۱۳۸۳ه .ق. در ایـن شـهر بـود. و در همـه حرکتهـای دینی سیاسـی مردم مشـهد بخصـوص نهضت ملّی نفت از گرداننـدگان اصـلی و در عین حال روشن بین نهضت در خراسان بود و از حمایت همه اقشار بخصوص مبارزین ملّی و دینی و روشنفکران تحصیل کرده برخوردار بود.

آیت اللّه کلباسـی شب سه شنبه چهارم شوال ۱۳۸۳ه .ق. در مشـهد از دنیا رفت و در صـحن عتیق در ایوان مجاور دفتر کشیک خانه بالاخیابان دفن گردید.

انیس اللیل در شـرح دعای کمیل، نفحات اللیل، مکیال الیقین در شرح اصول دین، دعوه الحسینیه و راهنمای تبلیغ از آثار چاپ شده ایشان است.

(۴۱) کوهستانی – محمّد (– ۱۳۵۱ه .ش.)

شیخ الفقها مرحوم آیت اللّه حاج شـیخ محمّد کوهسـتانی بهشـهری، عالمی ربانی و زاهدی راستین بود. در روستای کوهستان، واقع در شـش کیلومتری بهشـهر مازنـدران پا به عرصه وجود نهاد و پس از فراگیری مقدمات و سـطوح در مازندران، به مشـهد آمد و چند سالی به تحصیل پرداخت. سپس عازم نجف شد

و در درس آیات نایینی و سیّد ابوالحسن اصفهانی شرکت نمود و پس از نیل به درجه اجتهاد به وطن مراجعت نمود و علیرغم درخواست مردم بهشهر، ساری و گرگان، در روستای کوهستان توطن کرد.

رفتار معنویش مردمان زیادی را مجذوب وی ساخته بود و همه او را «آقاجان» می خواندند. وجودش منشأ خیر و آبادی بود، در آن روستای کوچک به تدریج مدرسه های فضل، رحمت، فرح، خیر و جمع ساخته شد و از حوزه علمیه او صدها نفر اندیشمند خودساخته بیرون آمد. دانشمند فرزانه شهید سیّد عبدالکریم هاشمی نژاد از تربیت شدگان مکتب ایشان است.

کرامات زیادی به وی نسبت داده شده است و دو کتاب در شرح زندگی وی به همت دو نفر از فضلای شمال نوشته و منتشر گردیده است.

آیت اللّه کوهستانی ماه ربیع الاول سال ۱۳۹۲ه .ق. پس از چند ماه کسالت از دنیا رخت بست و جنازه اش به مشهد حمل و روز نهم اردیبهشت ۱۳۵۱ه .ش. در رواق دارالسیاده حرم دفن شد.

(۴۲) گلپایگانی – حبیب اللّه (۱۲۹۷–۱۳۸۴ه .ق.)

آیت اللّه مرحوم حاج شیخ حبیب اللّه گلپایگانی از علما و دانشمندان جامع سده چهاردهم هجری قمری است. وی تابستان

سال ۱۲۹۷ه .ق. در شهر گلپایگان به دنیا آمد و در سنین نوجوانی وارد مدرسه دینی شد، مقدمات را در همان شهر فرا گرفت و در ۱۶ سالگی جهت ادامه تحصیل به اصفهان رفت و مدت ۲۱ سال در اصفهان به کسب معارف الهی مشغول گردید و از اصحاب حاج آقا نجفی بود.

در سال ۱۲۹۶ه .ش. / ۱۳۳۵ه .ق. به قصد کسب فیض پیاده به مشهد آمد و در مدرسه فاضل خان و پس از خرابی آن در مدرسه خیراتخان به تدریس فقه و تفسیر مشغول گردید و پس از نیم قرن تدریس و اقامه جماعت در مدارس دینی و مسجد گوهرشاد، سحرگاه روز ۲۳ جمادی الآخر ۱۳۸۴ه .ق. / ۱۳۴۳ه .ش. پس از قرائت سوره مبارکه و الصّافات دعوت حق را لبیک گفت و پیکر بی جانش در رواق دارالسّلام حرم مطهّر به خاک سپرده شد.

(۴۳) مازندرانی – محمّد صالح (۱۲۹۷–۱۳۹۱ه .ق.)

علاّمه حاج شیخ صالح مازندرانی فرزند میرزا فضل اللّه حائری مازندرانی معروف به «علاّمه حائری مازندرانی» و «علاّمه سمنانی» مجتهدی محقق، حکیمی متکلم، محدثی مفسر و ادیبی شاعر بود.

به سال ۱۲۹۷ه .ق. در شهر کربلا متولد شد، در سنین جوانی در مازندران از حضور والد خود و اعلام دیگر بهره مند شد، بعد

عـازم نجف گردیـد. علوم عقلی را نزد حکیم حـاج ملاّـ اسـماعیل بروجردی فرا گرفت. سالها محضـر آخونـد خراسانی و حاج میرزا حسین خلیلی و سیّد محمّد کاظم صاحب عروه الوثقی، خارج فقه و

اصول را دوره دید و به درجه اجتهاد رسید.

ایشان در شـعر و ادب عربی و فارسـی دست داشت و کفایه الاصول آخوند خراسانی را به نظم درآورد و رساله هایی در فقه و دیوان شـعری به یادگار گـذاشت و سالها در مازنـدران زنـدگی کرد و بعدها به سـمنان رفت و آخرین سالهای عمر خود را در این شهر سپری نمود و به تدریس و تحقیق مشغول بود. سرانجام در سال ۱۳۹۱ه .ق. / ۱۳۵۰ه .ش. در شهر سمنان درگذشت و جنازه اش به مشهد حمل و در محل دارالسیاده دفن گردید.

(۴۴) مجتهد خراسانی – میرزا حبیب اللّه (۱۲۶۶–۱۳۲۷ه .ق.)

میرزا حبیب اللّه مجتهـد خراسـانی از بزرگترین علمـای خراسـان در سـده گذشـته است. او فقه را بـا فلسـفه و عرفـان را بـا ادب درآمیخت و از مرز صورتها به اعماق رازآلود معارف دینی راه جست و به تکمیل نفس و سیر در عالم باطن روی آورد.

میرزا حبیب اللّه فرزنـد میرزا هاشم (۱۲۰۹–۱۲۶۹ه .ق.) نوه میرزا هـدایت اللّه مجتهد (۱۱۷۸–۱۲۴۸ه .ق.) و نبیره میرزا مهـدی خراسانی (۱۱۵۲–۱۲۱۸ه .ق.) است. وی شامگاه یکشنبه ۹

جمادی الاول سال ۱۲۶۶ه .ق. سوم فروردین ۱۲۲۵ه .ش. به دنیا آمد که فردای آن مشهد از فتنه حسن خان سالار و محمّد خان بیگلربیگی، پسران اللهیارخان آصف الدوله رها شد و سلطان مراد میرزا حسام السلطنه اوضاع شهر را به دست گرفت.

میرزا در سال ۱۲۶۹ه .ق. در سومین سال حیات خود، پدر را از دست داد و مادر او «حاجیه آغا بزرگ» پس از چندی همسر برادر شوهر خود، حاج میرزا حسن مشیر شد. با این حال میرزا هرگز از تحصیل دانش باز نماند و پس از اخذ علوم ادب، فقه و اصول از محضر حاج میرزا نصر اللّه عازم نجف شد. وی با ادبا و متفکرین شهرهای کاظمین و بغداد نیز در ارتباط بود و زبان فرانسه را فرا گرفت و از آموزه های عرفانی میرزا مهدی گیلانی متخلص به «خدیو» متأثر شد.

خدیو گیلانی به پیشنهاد میرزا حبیب، همراه میرزا زین العابدین و ملّا غلامحسین شیخ الاسلام به مشهد آمدند و در مشهد عده ای به آنها ملحق شدند و در سراچه بیرونی منزل میرزا هدایت اللّه، پدربزرگ حاج میرزا حبیب سکونت اختیار کرده و کتابخانه ای تشکیل دادند، تالاری برای نشیمن و خلوتگاهی برای عبادت، آماده ساختند و انجمنی را سامان دادند و طی زمان کوتاهی حاج ملّا عباسعلی فاضل و میرزا محمود قدسی نیز به مجموعه آنها پیوستند و تلاشهای علمی و عملی اصحاب سراچه در شهر مشهد بازتابی گسترده یافت و همین امر موجب مخالفت عده ای از قشریون شد و اصحاب پراکنده گشتند و میرزا به سامرا رفت و

ص:۸۷

چندین سال در بحث میرزای شیرازی حضور یافت و مورد توجه وی قرار گرفت و دو رساله «تعادل و تراجیح» و «لباس مشکوک» را از تقریرات میرزا فراهم ساخت.

میرزا حبیب سال ۱۲۹۹ه .ق. به مشهد مراجعت کرد و تا سال ۱۳۱۶ه .ق. به امور دینی مشهد و تدریس مشغول بود. در ایران و عراق نامور گردید و با تأکید او، شبیه خوانی و تعزیه گردانی و برخی از رسمهای غلط متوقف شد. همه ریاست خراسان به تعبیر افضل الملک با ایشان بود.

میرزا حبیب در سال ۱۳۱۶ه .ق. با سیّد ابوالقاسم درگزی عارف معروف آشنا شد و چنان تحت تأثیر او قرار گرفت که یک باره دست از ریاست دینی کشید، و خلوت نشین شد. استقبال خوشی از جریان مشروطه نداشت، هر چند مخالفت خود را نیز چندان آشکار نکرد تا این که عصر روز ۲۷ شعبان ۱۳۲۷ه .ق. / ۱۲۸۷ه .ش. در بحرآباد، در پی عزم مهاجرت از ایران درگذشت و پیکر پارسایش در حرم امام رضا علیه السلام بالای صفّه شاه طهماسب، در سردابه ای که نیای بزرگوارش سیّد محمّد مهدی شهید به خاک سپرده شده بود، دفن گردید.

میرزا، روح بیدار زمان خود بود، از حرکتهای سیاسی و فرهنگی عصر خود آگاهی داشت و شعر می سرود، و دیوانی از وی برجای مانده است که به همت مهندس علی حبیب به چاپ رسیده است.

(۴۵) محامی – غلامحسین (– ۱۳۳۳ه .ش.)

مرحوم حاج شیخ غلامحسین محامی بادکوبه ای فرزند شیخ اباصلت، از علمای جامع و متعبدان زاهد و مجاهدین راه خدا بود و بخش اعظم حیات خود را در مشهد سپری کرد.

مرحوم محامی پیش از انقلاب اکتبر ۱۹۱۷م شوروی در آذربایجان شوروی سابق، در یکی از روستاهای بادکوبه در خانواده ای روحانی چشم به جهان باز کرد. پدرش شیخ اباصلت بادکوبه ای چهره برجسته دینی آن دیار بود که پس از درگذشت حاج شیخ غنی بادکوبه ای، مرجع دینی آن سامان گردید.

شیخ غلامحسین محامی پس از تحصیلات ابتدایی از بادکوبه رهسپار مشهد شد و در مدرسه خیرات خان حجره گرفت و به تحصیل علوم دینی روی آورد و خارج فقه و اصول را پس از اتمام سطح، نزد آیات میرزا محمّد آقازاده، حاج آقا حسین قمی و میرزا مهدی غروی اصفهانی خواند و حکمت را از محضر آقا بزرگ حکیم بهره برد. بیشترین بحث و فحص را در مباحث معارف اسلامی و قرآنی دنبال کرد و از علاقمندان نزدیک مکتب مرحوم میرزا مهدی بود.

محامی در دفاع از مقدسات دینی و ارزشهای اسلامی بسیار سرسخت بود و در مقام ادای تکلیف سیاسی و اجتماعی سخن احدی در او اثر نداشت و او را از انجام وظیفه باز نمی داشت.

شاید همین خصوصیت موجب پیوند عمیق میان ایشان و شهید نواب صفوی شد.

او به جوانان و رفع شبهات آنها توجه داشت. با مردم مهربان و متواضع بود، قرآن را بسیار تلاوت می کرد و اهل ذکر و تهجد و توسل بود و تا آخر عمر، زندگی خود را وقف خدمت به جامعه کرد و سال ۱۳۳۳ه .ش. در مشهد درگذشت و در جوار حضرت رضا علیه السلام به خاک سپرده شد. مرحوم شیخ محمّد رضا محامی و شیخ مرتضی محامی فرزندان ایشان هستند.

(۴۶) محقق سبزواری – محمّد باقر (۱۰۱۷–۱۰۹۰ه .ق.)

مولی محمّد باقر فرزند مولی محمّد مؤمن خراسانی، مشهور به فاضل و محقق سبزواری از مشاهیر علما و فقها و اندیشمندان جامع قرن یازدهم هجری است. وی به سال ۱۰۱۷ه .ق. در روستای نامِنْ سبزوار به دنیا آمد. روزگار جوانی را در اصفهان گذراند و تحت تأثیر مکتب اصفهان، در هر دو قلمرو فقه و فلسفه به کمال رسید. او از بزرگان اصحاب مجلسی اول و شاگردان بلندپایه شیخ بهایی بود و در علوم نظری از شاگردان میرزا ابوالقاسم فندرسکی و قاضی معزّ است و از شیخ بهایی و سید حسین بن حیدر علی اصفهانی و حسن قائنی رضوی و ملّا حسنعلی فرزند ملّا عبداللّه شوشتری روایت می کند و مولی حاج

حسین نیشابوری مکی و مولی محمّد یوسف دهخوارقانی تبریزی و خواهرزاده اش آقا جمال خوانساری (متوفی ۱۱۲۵ه .ق.) و مولانا محمّد سعید رودسری و سیّد عبدالحسین حسینی خاتون آبادی، صاحب کتاب وقایع السنین و الاعوام، از شاگردان وی هستند و آقا حسین خوانساری (م ۱۰۹۹ه .ق.) از او اجازه دارد.

محقق سبزواری چندین سال در اصفهان منصب امامت جمعه و شیخ الاسلامی داشت و در مدرسه مولی عبد اللّه شوشتری تدریس می کرد و با فیض کاشانی، معاصر و هم فکر بود. از احترام شاه عباس دوم برخوردار بود و شعبان سال ۱۰۶۸ه .ق. شاه عباس طی فرمانی که در آن مقام علمی محقق را بسیار ستوده، از وزیر مستوفی السلطنه اصفهانی خواسته است تا همه ساله از بابت وجوهات و محصولات دارالسلطنه در وجه ایشان مقرر دارد.

داشتن مناصب دینی و سیاسی و افکار و اندیشه های ویژه و نوگرایانه محقق، دشمنان فراوانی را برای او رقم زد. شاید به همین دلیل محقق از اصفهان به مشهد هجرت کرد و سال ۱۰۸۳ مدرسه سمیعیه مشهور به مدرسه باقریه را از مال واقف آن تجدید بنا نمود و در آن جا به تدریس مشغول گردید و تعدادی کتاب و املاک به آن وقف کرد.

ایشان هفتم ربیع الاول ۱۰۹۰ه .ق. در مشهد درگذشت و بنا به وصیتش در مدرسه میرزا جعفر، کنار قبر شیخ محمّد عاملی و ملّا میرزا شیروانی و فرزند شیخ دفن شد. فرزندان او مولانا محمّد هادی و مولانا میرزا جعفر، هر دو اهل علم بودند.

ص:۹۱

محقق شعر می سرود و آثار پربهایی را در طول حیات خود آفرید. دفع شبهه الاستلزام، ذخیره المعاد در شرح ارشاد الاذهان در فقه، کفـایه الاحکـام در فقه چاپ سال ۱۲۶۹ و ۱۲۷۰ه .ق.، روضه الانـوار عباسـی در آداب ملوک، حکمت عملی و سیاسـت مدن، رساله هایی در غنا و صلاه جمعه و رساله عملیه از شناخته شده ترین

آثار ایشان است.

(۴۷) مدرّس – میرزا عبدالرحمن (۱۲۶۸–۱۳۲۸ه.ق.)

میرزا عبدالرحمن فرزند حاج میرزا نصر اللّه از حکما، ادبا و شعرای قرن ۱۳ هجری است. وی در اصل اهل شیراز بود و روز ۱۲ شعبان ۱۲۶۸ه .ق. در این شـهر متولد شد و در ۱۱ سالگی همراه پدر به مشـهد آمد و محضـر پدر و میرزا احمد مدرّس آستان قـدس، حاج ملاّ هادی سبزواری و حاج محمّـد رحیم بروجردی شاگردی کرد و پس از پدر، سال ۱۲۹۱ه .ق. به عنوان مدرّس اول آسـتان قـدس برگزیـده شـد و در کنـار آن به تـألیف و تحقیـق روی آورد که از جمله تألیفـات وی می توان به موارد ذیل اشاره کرد:

تعلیقات معالم الاصول، حواشـی شوارق الالهام، حواشـی شرح تذکره خفری، حواشی تحریر اقلیدس، شرح رساله عروض میرزا نصر اللّه و تاریخ علمای خراسان که به درخواست ناصرالدین شاه و تشویق اعتضاد

السلطنه علیقلی میرزا وزیر علوم نوشته شد. در این کتاب شرح

حـال علما و دانشورانی منعکس شـده است که از سالهای ۱۱۳۶ تا ۱۲۹۴ه .ق. در مشـهد می زیسـته اند. تاریخ علمای خراسان روز چهارم ذیقعده سال ۱۲۹۴ه .ق. به اتمام رسید و استاد محمّد باقر ساعدی آن را همراه با ضمایمی که خود افزوده است، در سال ۱۳۸۲ه .ق. به زیور چاپ آراست. میرزا عبدالرحمن در شـمار یاران طریقتی سلسـله ذهبیه بود و به سال ۱۳۲۸ه .ق. در ۷۰ سالگی زندگی را بدرود گفت و در ایوان طلای صحن نو دفن شد.

(۴۸) مدرّس یزدی – میرزا احمد (۱۳۰۶–۱۳۹۱ه .ق.)

آیت اللّه حاج میرزا احمـد مدرّس یزدی از علمای اعلام و مدرسـین بلندپایه و پارسای حوزه علمیه مشـهد بود. در سال ۱۳۰۶ه .ق. در یزد متولد شد و پس از پشت سرگذاشـتن آموزش مقدمات و سطح عازم مشهد شد و در درس خارج آیات سیّد عباس شـاهرودی، میرزا محمّـد آقازاده و حاج آقا حسـین قمی شـرکت نمود و از معارف بلنـد آنها برخوردار گردیـد و خود سالها به تـدریس شـرح لمعه، قوانین، مکاسب و کفایه اشـتغال یافت. نظم و ترتیب درسـی، بی آلایشـی و تواضع اسـتاد موجب شـد که صدها فاضل در پای درس او شرکت کنند و از محضر پرفیضش بهره ببرند.

ایشان ضمن تدریس در مسجد ملا هاشم اقامه جماعت

ص:۹۳

می نمود و زندگی خود را از محل درآمد مزرعه ای که از همسر اولش در اختیار داشت، اداره می کرد و در طول شصت سال اشتغال به تدریس، هرگز از وجوه شرعی استفاده ننمود، تنها یکی دو سال آخر عمر که توان خویش را به کلی از دست داده بود، از روی اجبار به قدر کفاف از این وجوه برای تأمین معیشت خود بهره گرفت.

وی سحرگاه شب ۱۷ ربیع الاول ۱۳۹۱ه .ق. / ۲۴ اردیبهشت ۱۳۵۰ه .ش. دار فانی را وداع گفت و روز بعد پیکرش در محل دارالسیاده حرم دفن شد.

(۴۹) مروارید – حسنعلی (۱۳۲۹–۱۴۲۵ه .ق.)

عالم ربانی، متأله قرآنی، و استاد مکتب معارف اهل بیت علیهم السلام، آیت اللّه حاج میرزا حسنعلی مروارید، هشتم شوال ۱۳۲۹ه .ق. در مشهد مقدس پا به عرصه حیات نهاد. پدرش حاج شیخ محمّد رضا مروارید (۱۲۹۹–۱۳۳۸ه .ق.) از عالمان وارسته بود و با حاج شیخ حسنعلی اصفهانی نخودکی عقد اخوت داشت. شهرت «مروارید» در خاندان ایشان، با یکی از مشهورترین رجال ادب و هنر خوشنویسی، خواجه شهاب الدین عبد اللّه مروارید کرمانی (۸۶۵–۹۵۵ه .ق.) آغاز می شود. سام میرزا محمّد مؤمن پسر خواجه عبد اللّه مروارید از اساتید خط نسخ و ثلث بود و افشان

بیخته را ایشـان اختراع کرده است. عموی آیت اللّه مروارید، نیز از علما و شاگردان آخونـد محمّـد کاظم خراسانی بوده است. جد مادری ایشان، آیت اللّه حاج شـیخ حسـنعلی تهرانی (م ۱۳۲۹ه .ق.) است که از شـاگردان برجسـته مرجع بزرگ، آیت اللّه میرزا محمّـد حسن شیرازی و از عالمان نامدار قرن ۱۴ در مشـهد مقـدس بوده است و نـام حسـنعلی، به یاد او و به احترام حاج شیخ حسنعلی اصفهانی نخودکی بر آیت اللّه مروارید نهاده شده است.

آیت اللّه میرزا حسـنعلی مروارید، در سال ۱۳۳۷ه .ق. و در اوان ۹ سالگی پـدر را از دست داد و بر اساس وصـیت پـدر تحت نظارت حاج شـیخ حسـنعلی اصـفهانی نخودکی، و تربیت مادر (متوفای ۱۳۶۰ه .ش.) که مشـهور به مواظبت بر دعا و مـداومت عبـادت بـود، قرار گرفت. در ۱۳ سـالگی به دلیـل علاـقه زیاد به علوم اسـلامی وارد حوزه علمیه مشـهد شـد و در مسـیر دانش ورزی، نزد عالمـانی چون حاج شـیخ حسـنعلی اصـفهانی نخودکی و علامه حاج شـیخ هاشم قزوینی کسب علم نمود. برجسـته ترین استاد ایشان، آیت اللّه میرزا مهدی اصفهانی (۱۳۰۳-۱۳۶۵ه .ق.) بود، و مباحث تخصصی فقه و اصول و معارف اهل بیت علیهم السلام را در محضر ایشان فرا گرفت.

آیت اللّه مروارید مـدتی پس از فـوت اسـتاد خویش میرزا مهـدی اصـفهانی در مشـهد به تـدریس خـارج فقه و معـارف دینی پرداخت، و قریب چهل سال جویندگان علوم و معارف اسلامی را از دروس علمی و عملی خود بهره مند ساخت.

ص:۹۵

آیت اللّه مروارید سالیان متمادی با مرحوم آیت اللّه میرزا جواد آقا تهرانی هم درس و هم بحث بود. او بر معارف اهل بیت علیهم السلام و تفسیر روایات تسلط داشت.

کتاب تنبیهات حول المبدأ و المعاد خلاصه ای از درس های معارف ایشان است که در دوره های متعدد به تدریس آنها پرداخته بود و بنا به خواهش تنی چند از شاگردان خویش، آن را به صورت کتابی مستقل به رشته تحریر درآورد.

دو مدرسه علمیه بعثت و سعادت توسط ایشان تأسیس شد و در مدرسه میرزا جعفر، مسجد حاج ملا هاشم و مسجد ملا حیدر امامت جماعت را به عهده داشت و نمازهایش، از دیرباز مورد استقبال مجاوران و زائران و محل اجتماع فضلا و علما بود.

مرحوم آیت اللّه مروارید هر روز به حرم حضرت امام رضا علیه السلام مشرف می گردید و تا آخر عمر با وجود کهولت سن و ضعف بنیه این رسم را ترک نکرد.

او در سی سالگی با یکی از خویشاوندان مادری از خاندان آیت اللّه حاج شیخ محمّد تقی بجنوردی (متوفای ۱۳۱۴ه .ش.) ازدواج کرد و ثمره آن هفت پسر و سه دختر بود. ایشان به تعلیم و تربیت فرزندان اهتمام بسیار داشت و فرزندان و دامادها و بیشتر نوه های ایشان از مدرسان سطوح عالی و خارج فقه و اصول در حوزه علمیه مشهد می باشند.

بدون تردید یکی از مهمترین بخش های حیات وی مبارزات سیاسی و مشارکت های اجتماعی ایشان بود.

ص:۹۶

ایشان روز دوازدهم فروردین سال ۱۳۴۲ه .ش. همراه آیت اللّه شیخ مجتبی قزوینی و حسین وحیدی و میرزا جواد آقا تهرانی با ارسال تلگرام به آیت اللّه گلپایگانی ضمن بیان مراتب تأثر خود نسبت به حادثه دلخراش فیضیه مخالفت خود را با سیاست های دینی و فرهنگی شاه اعلام نمودند.

شب ۲۷ فروردین سال ۴۳ در پی آزادی امام خمینی و بازگشت ایشان از تهران به قم، آیت اللّه حسنعلی مروارید همراه آیت اللّه حاج شیخ مجتبی قزوینی و آیت اللّه میرزا مهدی نوقانی و سیّد محمّد مظلومی، فردوسی پور و سیّد عباس سیدان و متجاوز از ۴۰ نفر از طلاب و بازاریهای مشهد عازم قم شدند و در سپیده دم با امام خمینی دیدار نمودند. در این دیدار آیت اللّه خزعلی سخنرانی نمود و عصر همان روز امام با علمای مشهد در منزل آیت اللّه خزعلی دیدار نمود.

با تبعید امام خمینی در ۱۳ آبان ۱۳۴۳ به ترکیه، در پی اعتراض ایشان به کاپیتولاسیون آیت اللّه مروارید همراه آیات حاج آقا حسن قمی، حاج شیخ مجتبی قزوینی، میرزا احمد مدرّس یزدی، میرزا جواد آقا تهرانی و حاج شیخ کاظم دامغانی و مدرسین برجسته دیگر حوزه، در منزل آیت اللّه العظمی سیّد محمّد هادی میلانی حضور یافتند و پس از مذاکره و تبادل نظر تصمیم جدی برای مبارزه با رژیم و خنثی کردن سیاست هایش گرفتند.

آیت اللّه مروارید در جریان زلزله خونبار جنوب خراسان که روز نهم شهریور سال ۱۳۴۷ اتفاق افتاد و در پی آن شهرهای

کاخک و فردوس، با خاک یکسان شدند و بیش از ۱۶۰۰۰ نفر جان باختند، همراه آیت اللّه خامنه ای و آیت اللّه طبسی شهید هاشمی نژاد به حمایت از مردم زلزله زده جنوب خراسان برخواست.

آیت اللّه مروارید همراه میرزا جواد آقا تهرانی و شهید هاشمی نژاد در ۱۹ خرداد ۵۴ در اعتراض به عملکرد رژیم و پشتیبانی از مبارزه حوزه قم و اعلان انزجار از دستگیری طلاب مدرسه های فیضیه و دارالشفا درس خود را تعطیل نمود.

آیت اللّه طبسی در این جریان بازداشت شد و پس از آزادی از زندان در آبان سال ۱۳۵۶ در مسجد ملا هاشم که امام جماعت آن را آیت اللّه مروارید به عهده داشت، بعد از نماز به تدریس می پرداخت.

در جریان انقلاب اسلامی سال ۱۳۵۷، ایشان عضو شورایی بود که در بیت آیت اللّه العظمی سیّد عبد اللّه شیرازی در خصوص مسائل مهم سیاسی، اجتماعی و انقلابی تصمیم گیری می کردند.

ایشان در شمار کسانی بود که در راستای انقلاب اسلامی و تحقق نظام جمهوری اسلامی گام برداشتند و کمتر اعلامیه گروهی است که در روزهای سرنوشت ساز انقلاب در مشهد از سوی علمای حوزه صادر شد، و نام و امضای ایشان در پای آن نباشد. در حرکت های اعتراض آمیز علما نیز در همه رویدادهای مهم مشارکت جدی داشتند.

آیت اللّه مروارید از بُعد اخلاقی و عبادی کم مانند بود. او هرگز

ص:۹۸

کسی را به خود دعوت نکرد. به پارسایی در دنیا زیست و فروتنی و مهربانی را اساس کار خود قرار داد. نماز را محور سلوک و ذکر و دعا را عمده ترین راه تعالی معنوی می دانست. به نوافِل تأکید می ورزید و در کتمان کمالات روحی و کرامات نفسی مهارتی تام داشت و سرانجام در سن ۹۶ سالگی شامگاه سه شنبه نوزدهم شعبان ۱۴۲۵ه .ق. / ۱۴ مهر ۱۳۸۳ه .ش. پس از قرائت زیارت عاشورا و آل یس، در پی سکته قلبی از این دیار رخت بر بست و به لقای حق شتافت و پیکر ایشان در رواق دارالسرور به خاک سپرده شد. مقام معظم رهبری و مراجع تقلید، در پیام های تسلیت خود، ایشان را بقیه السلف زهاد و عباد، مرزبان مخلص مکتب اهل بیت علیهم السلام خوانده اند.

(۵۰) مصطفوی – سیّد جواد (۱۳۰۱–۱۳۶۸ه .ش.)

حجت الاسلام و المسلمین دکتر سیّد جواد مصطفوی فرزند مرحوم سیّد محسن مصطفوی از علما و دانشمندان معاصر است که سالها در سنگر تعلیم و تربیت اسلامی در حوزه و دانشگاه به تدریس اشتغال داشته است.

وی روز دوم اردیبهشت ماه ۱۳۰۱ه .ش. در خانواده ای

روحانی و متدیّن در روستای طرق حومه شهر مشهد متولد شد. چون آغاز تحصیل وی مصادف با زمان حکومت ضد اسلامی

رضاخـان و تعطیـل شـدن و از رونق افتـادن مـدارس علوم دینی بود، بعـد از مـدتی رفتن به مکتب و آشـنایی با قرآن مجیـد، به تحصیلات رسمی دبستان و دبیرستان پرداخت و در سال ۱۳۲۱ه .ش. به اخذ دیپلم متوسطه نایل گشت و به تحصیل علوم دینی روی آورد.

ابتـدا در مـدرسه خیرات خـان و سـپس در مـدرسه دو در و بالاـخره در مـدرسه نـواب حجره ای گرفت و در خـدمت اسـتادان دانشمند و مبرّزی مانند ادیب نیشابوری مطوّل و مغنی، سیّد احمد

مدرّس یزدی شـرح لمعه، شیخ هاشم قزوینی رسایل و مکاسب و کفایه الاصول، شیخ مجتبی قزوینی شرح تجرید علاّمه و شیخ هادی

کدکنی قسمتی از اشارات را فرا گرفت و دروس سطح حوزه را در مشهد به پایان رسانید.

در اواخر سال ۱۳۳۰ه .ش. پس از ازدواج جهت تکمیل تحصـیلات به تهران رفت و در مدرسه مروی حجره گرفت. وی ضمن تدریس در این مدرسه تحصـیلات دروس خارج حوزه را آغاز نمود. مرحوم مصـطفوی در دروس خارج آیت اللّه سـیّد احمد خوانساری و شـرح منظومه آیت اللّه قاضـی شرکت کرد و دانش خود را در علوم عقلی و نقلی افزایش داد و تصمیم گرفت که انـدوخته هـای علمی خـود را در اختیـار نسـل جـوان قرار دهـد. به این انگیزه از سـال ۱۳۳۱ه .ش. بـه خـدمت وزارت فرهنگ (آموزش و پرورش) درآمد و در مدارس دولتی به خدمت مشغول شد.

در سال ۱۳۳۲ه .ش. به دانشکده معقول و منقول تهران (الهیات کنونی) راه یافت و پس از سه سال به اخذ دانشنامه

لیسانس در رشته معقول و منقول دست یافت. سپس در دوره دکترای همین رشته به تحصیل پرداخت و در سال ۱۳۴۳ پایان نامه خود را با عنوان «رابطه قرآن و نهج البلاغه» گذراند، و به دریافت درجه علمی دکتری موفق گردید.

هر چند از سال ۱۳۴۲ه .ش. در هر هفته چند ساعتی در دانشکده الهیّات به تدریس مشغول بود، امّا چند سال بعد به زادگاهش مشهد مراجعت نمود و از سال ۱۳۴۸ه .ش. رسما به دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه فردوسی مشهد منتقل شد و تا پایان عمر در این دانشکده به تدریس و تحقیق اشتغال داشت. در این دوره علاوه بر این که دانش آموختگان فراوانی از محضرش استفاده بردند تألیفات چندی از خود به یادگار گذاشت.

استاد دکتر مصطفوی در سال ۱۳۶۲ه .ش. به حکم مقام تولیت آستان قدس رضوی به ریاست دانشگاه علوم اسلامی رضوی مشهد منصوب شد و برای پی ریزی تشکیلات این مرکز آموزشی نوبنیاد زحمات فراوانی متحمّل گردید. در مرداد ماه سال ۱۳۶۳ که نخستین کنگره جهانی حضرت رضا علیه السلام در همین دانشگاه برگزار شد، برای برپایی آن به عنوان دبیر کنگره و ارائه مقاله ای تحقیقی تلاش و کوشش فراوانی به عمل آورد. هر چند این کارهای اجرایی را به نحو مطلوب به سامان رسانید، امّا بیشترین دلبستگی ایشان به تحقیق و تألیف بود و اوقات خود را صرف ایجاد آثار علمی می کرد.

ایشان زندگی را توأم با همین فعالیتها سپری می نمود تا این که

برای عمل جراحی در بیمارستان امام رضای مشهد بستری شد و دو روز پس از عمل جراحی بر اثر سکته قلبی در ۶۷ سالگی درگذشت و روز بیستم اردیبهشت ماه ۱۳۶۸ پیکر پاکش تشییع گردید و در یکی از حجرات شرقی صحن آزادی در جوار حرم مطهّر حضرت رضا علیه السلام به خاک سپرده شد.

(۵۱) میرزا هدایت اللّه (۱۱۷۸-۱۲۴۸ه .ق.)

میرزا هدایت اللّه فرزند ارشد میرزا مهدی شهید، از علما و فقهای نامدار خراسان عصر خود بود و در تمام خطه خراسان نفوذ تام داشت. رجب سال ۱۱۷۸ه .ق. در مشهد به دنیا آمد. در جوانی از محضر پدر بهره برد و در فقه، فلسفه، کلام و علوم ریاضی تخصص یافت و پس از درگذشت پدر، ریاست عامه خراسان را به عهده گرفت. مرجع اهدایی فتحعلی شاه قاجار به دست ایشان به ضریح حرم نصب شد. وی از هر فرصتی برای ایجاد آرامش و دفاع از حقوق محرومین و رشد جامعه گرایی استفاده می کرد. با وساطت ایشان، جریان بازداشت محمّد ولی میرزا در حدود سال ۱۲۳۰ه .ق.، از سوی اسحاق خان قرائی، که با دخالت رضا قلی خان زعفرانلو و خوانین دیگر محلی داشت که به یک غائله بزرگ تبدیل می شد، کنترل شد.

او در جلسه ای که رضا قلی خان زعفرانلو، حاکم قوچان و

نجفعلی خان کُرد شادلو حاکم بجنورد و اسفراین و بیگلرخان چاپشلو حاکم درگز و اسحاق خان قرائی و دیگران در آن حضور داشتند، اظهار کرد: مخالفت با فتحعلی شاه که در هر ناحیه پسری فرمانگزار دارد، کار ساده ای نیست. امّا اکنون که شما کار را به این جا رسانده اید، بهتر است شخصی را به امیری خود انتخاب نموده، تحت فرمان وی به مبارزات خود ادامه دهید. خوانین خراسان گفتند: اسحاق خان بر همه ما سر است. میرزا هدایت اللّه با هوشمندی گفت: کار به کردار است نه به گفتار، اگر این سخنان را از در صدق می گویید برخیزید و در برابر او به پا ایستید.

خوانین که سخت برآشفته بودند گفتند: ما را حشمت و حب و شرافت نسب از اسحاق خان بالاتر است. ما نمی توانیم خادم او باشیم.

با این سیاست، خوانین، مشهد را ترک گفتند و اسحاق خان در برابر حکومت مرکزی سر به فرمان نهاد و نزد محمّد ولی میرزا رفت و حکومت خراسان را به او سپرد.

در زمانی که شجاع السلطنه حاکم خراسان از حکومت عزل گردید و به تهران رفت، سیّد محمّد خان کلاتی به دستیاری ترکمانان بنای تجاوز را پایه ریزی کردند و شهر مشهد نا امن شد. میرزا هدایت اللّه سیّد جلیل، قربان نیشابوری را که از شاگردانش بود به کلات فرستاد تا او را با نصایح مشفقانه به اطاعت دولت درآورد. تدبیر و درایت او اثر گذاشت و آرامش بار دیگر به جامعه بازگشت.

ص:۱۰۳

میرزا هـدایت اللّه هفتم رمضان سال ۱۲۴۸ه .ق. درگذشت و در صـفّه شاه طهماسب داخل حرم مطهّر دفن شد. تفسـیر محققانه ای بر ده جزء اول و ده جزء آخر قرآن دارد. هـدایه العـوام در فقه نیز از آثـار اوست. میرزا هـاشم مجتهـد، میرزا عسـکری امـام جمعه، میرزا ذبیح اللّه و میرزا محمّد فرزندان ذکور وی هستند.

(۵۲) میلانی – سیّد محمّد هادی (۱۳۱۳–۱۳۹۵ه .ق.)

آیت اللّه العظمی سیّد محمّد هادی حسینی میلانی از فقهای نامدار شیعه در روز هشتم محرم سال ۱۳۱۳ه .ق. در خاندان علم و تقوا در نجف به دنیا آمد، جد اعلایش شـریف سیّد علی اکبر با ۲۶ نسل به «علی اصـغر» فرزند امام علی بن حسین علیه السلام می رسد. او

به درخواست مردم مؤمن «اسکوچای» و «میلان» و موافقت نقیب سادات حسینی مدینه به آن جا هجرت کرد.

مرحوم آیت اللّه میلانی، مقدّمات را نزد شـیخ ابراهیم همدانی و آخوند ملاّ حسن تبریزی خواند و مطول را از محضـر آیت اللّه شیـخ ابراهیـم سالیـانی و سـیّد جعفر اردبیلی و میرزا علی ایروانی و شـیخ ابوالقـاسم مامقـانی فرا گرفت و در دوره خـارج فقه و اصول از محضـر آیت اللّه شیخ الشریعه اصفهانی، آیت اللّه شیخ آقا ضیاء عراقی، آیت اللّه میرزا حسین نائینی، و آیت اللّه شیخ محمّد حسین اصفهانی بهره جست و به مقام رفیع اجتهاد نایل شد. فلسفه را از

سیّد حسـین بادکوبه ای و شیخ محمّد حسین اصفهانی، کلام و مناظره و تفسیر را از آیت اللّه شیخ محمّد جواد بلاغی و اخلاق را از سـیّد میرزا علی قاضـی و سـیّد عبدالغفّار مازندرانی و ریاضـیات را از سـیّد ابوالقاسم خوانساری آموخت و در طول حیات علمی خود بیش از ۱۵۰۰ اجازه روایی از علمای برجسـته دریافت کرد و با همکاری علاّمه طباطبایی، آیت اللّه سیّد صدرالدین جزایری و شیخ علی قمی طی ۸ سال وسائل الشیعه را تصحیح کرد.

آیت اللّه میلانی در سال ۱۳۵۹ه .ق. به سوریه و لبنان سـفر کرد و در این سـفر با آیت اللّه سـیّد عبدالحسین شرف الدین، آیت اللّه سـیّد محسن امین، آیت اللّه شـیخ حبیب آل ابراهیم، آیت اللّه میرزا حسن لواسانی و حجت الاسلام شیخ محمّد تقی صادق در شهرهای صور، دمشق، بعلبک، غازیه و نبطیه ملاقات کرد و از اندوخته های علمی آنان بهره برد.

آیت اللّه میلانی فعـالیت سیاسـی خود را از دوران جوانی در عراق آغـاز کرد. وی در جریـان جنـگ مردم مسـلمان عراق علیه حضور انگلیس در این کشور که به رهبری مراجع دینی صورت گرفت، همراه میرزا مهدی فرزند آخوند خراسانی، شـیخ جواد جواهری پسـر صـاحب جواهر، آیت اللّه سـیّد علی دامـاد و برخی دیگر از هم دوره های خود، در این رویـداد بزرگ اجتماعی شرکت جست.

وی در سال ۱۳۳۲ه .ش. جهت زیارت قبر پاک امام هشـتم علیه السـلام به مشـهد مشرف شده و به درخواست مردم و برخی از علمای آن

ص:۱۰۵

روز خراسان در مشهد ماند و از زمان اقامت تا آخرین سال حیات پربار خود، به تدریس خارج فقه و اصول مشغول بود و صدها چهره برجسته در محضر ایشان تلمذ کردند.

ورود آیت اللّه میلانی به مشهد پس از نهضت ملّی نفت بود.

آیت اللّه میلانی با گردانندگان پیشین این نهضت در مشهد رابطه نزدیک داشت و در جریان ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ از پیشگامان نهضت روحانیت بود.

در جریان کاپیتولاسیون نیز که در دولت حسنعلی منصور و به منظور تضمین امنیتی برای مستشاران آمریکایی پیش بینی هایی شده بود، آیت اللّه میلانی با امام خمینی قدس سره همراهی کرد.

و در خرداد ۱۳۴۶ با انتشار اعلامیه ای در رابطه با جنگ شش روزه اعراب و اسرائیل، با اعراب مسلمان اظهار همدردی کرد و به همین دلیل از سوی تیمسار نصیری تهدید شد. در همین سال در جریان جشن تاجگذاری به خاطر نگفتن تبریک به شاه، گذرنامه ایشان صادر و دستور خروج وی از ایران داده شد، ولی به خاطر ملاحظه نفوذ معنوی ایشان در بین توده های مردم و جایگاه بلندی که میان روحانیت و مراجع تقلید داشت، رژیم از تصمیم خود منصرف شد.

آیت اللّه میلانی دو روز پس از شهادت آیت اللّه سعیدی، در ۲۴ خرداد ۱۳۴۹ه .ش.، به منظور تجلیل از شخصیت روحانی ایشان، درس خود را تعطیل کرد و در ۲۴ تیرماه همین سال محمّد الفهام رئیس دانشگاه الازهر که از سوی دارالتقریب بین المذاهب

الاسلامیه، از قاهره به ایران آمده بود، با وی دیدار کرد.

آیت اللّه میلانی سالهای پایان عمر خود را مصروف تأسیس مدارس دینی و پرورش طلاب مستعد کرد؛ مدرسه عالی حسینی، مدرسه امام صادق و مدرسه میلانی از آن جمله است که با برنامه دقیق اداره می شد و اساتید بلندپایه ای، تدریس علوم دینی را از دوره مقدماتی تا خارج به عهده داشتند.

آیت اللّه میلانی روز جمعه ۲۹ رجب ۱۳۹۵ه .ق. / ۱۷ مرداد ۱۳۵۴ه .ش. در مشهد چشم از جهان فرو بست و در روضه رضوی مدفون گردید، روح بلند، ایمان پایدار، سیمای ملکوتی و اخلاق الهی ایشان در طول بیش از نیم قرن راهیان راه عشق و ایثار و حق و عدالت را سیراب کرد، او نه تنها یکی از برجسته ترین فقهای شیعه در طول قرن حاضر بود، بلکه در ادای جهاد، و عدالت خواهی نیز کم نظیر بود و هزاران انسان مؤمن را به دور خود جمع کرد و از خوان معرفت خود خوشه چین ساخت.

(۵۳) نوقانی – علی اکبر (۱۳۰۰–۱۳۷۰ه .ق.)

آیت اللّه حاج میرزا علی اکبر نوقانی، فرزند حاج میرزا موسی فرزند میرزا حسن، از مشاهیر علمای مشهد، در دهه های چهارم تا هفتم قرن چهاردهم هجری قمری است. اجداد ایشان در اصل از ایل جلایر، یکی از عشایر ساکن کلات هستند که حدود دویست

سـال پیش از کلات نادر به مشـهد آمدنـد. مجـدالاطبا و حاج میرزا کاظم، عموهای مرحوم میرزای نوقانی بودنـد که در اوایل قرن چهاردهم هجری از اطبای بنام خراسان محسوب می شدند. جدّ اعلای ایشان حاج محمّد زمان خان بن کلبعلی خان جلایر فرزند محمّد زمان خان، طبیبی حاذق و فاضلی کامل بود. و طبع شعری شیوا داشت و اشعار عرفانی می سرود.

مرحوم میرزای نوقـانی در آغازین سال سـده چهاردهم هجری، یعنی سال ۱۳۰۰ه .ق. در مشـهد مقدس رضوی در محله نوقان چشم به جهان گشود و به میرزای نوقانی اشتهار یافت.

میرزا تا ۲۷ سالگی در مشـهد به تحصـیل دانشـهای دینی پرداخت. ادبیات را در مدرسه نواب از محضـر میرزا عبدالجواد ادیب نیشابوری (م ۱۳۴۴ه .ق.) آموخت. فقه و اصول را نزد آیت اللّه حاج شـیخ حسـنعلی تهرانی (م ۱۳۲۵ه .ق.) که یگانه عصر در ورع و تقوا بود فرا گرفت و پاره ای دیگر از فقه و اصول را پس از درگذشت حاج شـیخ حسـنعلی تهرانی، از حاج سیّد عباس شاهرودی (م ۱۳۴۱ه .ق.) از علمای برجسته مشهد آموخت.

میرزا به سـال ۱۳۲۷ه .ق.، به منظـور فراگیری دانشـهای دینی، رهسـپار نجـف شـد و دروس خـارج فقه و اصـول را در محضـر حضرات آیات: محمّد کاظم خراسانی و سیّد محمّد کاظم یزدی (م۱۳۳۷ه .ق.) و شریعت اصفهانی (م ۱۳۳۹ه .ق.) فرا گرفت، و چنـد ماه پس از ارتحال آخونـد (م ۱۳۲۹ه .ق.) با تکمیل تحصـیلات و اخـذ اجتهاد از میرزا محمّد تقی شـیرازی، مشـهور به میرزای دوم

(م۱۳۳۸ه .ق.) و حاج شیخ عبد اللّه مازندرانی (م ۱۳۳۰ه .ق.) به ایران بازگشت و در مشهد به تدریس دروس حوزوی و ارشاد مردم همّت گماشت و چهل سال از عمر خود را در راه تدریس و خدمات معنوی به مردم خراسان و اعتلای فرهنگ این سرزمین صرف کرد.

پس از بازگشت از عتبات، بجز سال ۱۳۶۶ه .ق. که به تهران رفت، سفر دیگری خارج از استان نداشت. فقط در اواخر عمر، در سال ۱۳۶۸ه .ق. / ۱۳۲۸ه .ش. به مکه مشرف شد. در همین سفر دهه اول محرم را در کربلا حضور یافت و در صحن حرم حضرت سیّد الشهداء به منبر رفت و مقتل خواند. علما و مراجع دین، همه در منبر ایشان شرکت می جستند.

میرزا نوقانی، مؤمن، متعهّد، اهل تهجّد، خوش قریحه، شوخ طبع و مهربان بود. اندامی رشید داشت و از صدایی رسا و چهره ای پر هیبت برخوردار بود. ساده زندگی می کرد و در مدّت هفتاد سال عمر خود، هرگز از سهم امام مصرف نکرد.

میرزا خط خوشی داشت و با ارباب ادب آن روز خراسان معاشرت می کرد. بیشتر روزهای بهار و تابستان همراه خانواده با دوستان خود در شاندیز، طرقبه، هاشم آباد، ابرده علیا یا ویرانی، از ییلاقهای اطراف مشهد به سر می برد. برخی از مطالعات عرفانی خود را در این محیطهای طبیعی دنبال می کرد و اشعار نغزی می سرود.

میرزا انسانی آگاه به مسایل دینی و مقتضیات زمان خود بود و

ص:۱۰۹

از تعصبات کاذب و بی اساس پرهیز می کرد. با میرزا مهدی اصفهانی دوست بود و همراه ایشان چند ماهی از محضر میرزا مهدی آشتیانی، فیلسوف نامدار، که برای مدّتی به مشهد آمده بود و فلسفه صدرایی تدریس می کرد، بهره جست.

او با امام خمینی رابطه بسیار دوستانه ای داشت. امام پیش از درگذشت میرزا، وقتی به مشهد می آمد، به بیت ایشان وارد می شد و مکاتباتی نیز داشتند. پس از ارتحال میرزا نوقانی، امام به قصد ابراز تسلیت و دلجویی به مشهد آمد و هفته ای در منزل فرزندش میرزا مهدی نوقانی به سر برد. افکار میرزای نوقانی به امام بسیار نزدیک بود. او به دعوت شیخ محمّد حسین مطهری، پدر شهید مرتضی مطهری، همراه امام خمینی به فریمان رفت.

همچنین آیت اللّه العظمی میلانی در سفر اول خویش به مشهد، به بیت ایشان وارد گردید و در مجموع، مورد اعتماد مراجع و بزرگان عصر خویش بود.

میرزا خطیبی توانمند بود و با بیان دلنشین خود، مردم را متوجّه معارف حقّه الهی می کرد. روزهای عاشورا در منزل خود، واقع در محل کنونی تکیه فتّاح خان و پشت قبرستان سراب منبر می رفت. گاهی نیز در مدرسه میرزا جعفر یا مسجد گوهرشاد خطابه ایراد می کرد. منبر ایشان سرشار از اطلاعات تاریخی، اخبار سلف و شامل نکاتی ادبی، امثال، حکم و پند و اندرز و آمیخته با شعر و ادب بود. کسی از سخنان ایشان خسته نمی شد. در پایان منبر از روی یادداشتهای خود، مقتل می خواند. منبر ایشان به سبک منبر

حاج میرزا حبیب اللّه خراسانی بود. خود وی می گفت: «در مدّت عمرم منبری به جامعیت و تأثیر منبر مرحوم میرزا حبیب اللّه مجتهد ندیدم.»

میرزا نوقانی، چنانکه اهل دیانت بود، اهل سیاست نیز بود. ایشان دوره مشروطه را درک کرده بود و در محضر چهره های برجسته ای چون آخوند خراسانی و میرزای دوم تلمّذ کرده بود و از رویدادهای سیاسی جامعه خود بی خبر نبود.

مرحوم میرزا هفتاد سال و چند ماه حیات خود را در کسب دانش و تبیین معارف الهی گذراند و عصر روز جمعه دهم جمادی الاولی ۱۳۷۰ه .ق. / ۲۷ بهمن ۱۳۲۹ در پی سکته قلبی دعوت حق را لبیک گفت و در پایین پای امام رضا علیه السلام در دارالسعاده به خاک سپرده شد.

(۵۴) نوقانی – محمّد مهدی (۱۳۰۵–۱۳۷۱ه .ش.)

آیت اللّه حاج میرزا محمّد مهدی نوقانی فرزند آیت اللّه حاج میرزا علی اکبر نوقانی از علمای مبارز و مدرّسین برجسته معاصر مشهد است.

وی در سال ۱۳۰۵ه .ش. / ۱۳۴۵ه .ق. در مشهد به دنیا آمد و پس از خواندن دروس کلاسیک به تحصیل علوم دینی پرداخت و از خدمت استادانی مانند ادیب ثانی، مدرّس یزدی، حاج شیخ

هاشم قزوینی و پدر خود میرزای نوقانی و در اواخر از محضر آیت اللّه العظمی میلانی کسب فیض کرد و در زندگانی پر برکت خود خدمات شایانی در راه انقلاب اسلامی انجام داد.

آیت اللّه نوقانی از اساتید حوزه علمیه مشهدی بود و از ایشان تفسیری بر قرآن مجید باقی مانده است. او ضمن اقامه نماز جماعت از راه تدریس تفسیر قرآن مجید و مبانی اعتقادی و دروس اخلاقی ایفای وظیفه می نمود تا این که به علت بیماری قلبی به دیار باقی شتافت و پیکر وی در روز شانزدهم آبان ماه ۱۳۷۱ بر دوش انبوه اقشار مختلف مردم عزادار تا بارگاه ملکوتی امام رضا علیه السلام تشییع و در دارالزهد مبارکه حرم مطهّر به خاک سپرده شد.

در این مراسم حضرات آیات شیخ ابوالحسن شیرازی، مروارید، فلسفی، مرتضوی و زنجانی و نیز مقامات دولتی استان شرکت داشتند و چند تن از خطبا پیرامون زندگانی پر بار آن مرحوم سخنرانی کردند.

(۵۵) نهاوندی – علی اکبر (۱۲۷۸–۱۳۶۹ه .ق.)

علاّمه محدّث آیت اللّه حاج شیخ علی اکبر فرزند شیخ حسین نهاوندی خراسانی، در سال ۱۲۷۸ه .ق. / ۱۲۳۸ه .ش. در نهاوند به دنیا آمد و مقدمات را در همان شهر نزد شیخ جعفر بروجردی و

حاج ملّا محمّد سره بندی آموخت، بعد به بروجرد مسافرت نمود و در آن جا در مجلس درس شیخ آقا حسین شیخ الاسلام و میرزا حسین تویسرکانی و سیّد ابوطالب بروجردی شرکت جست. مدتی به مشهد امام علی بن موسی الرضا علیه السلام آمد و نزد فرهیختگان نامداری چون شیخ عبدالرحیم بروجردی، حاج میر سیّد علی حائری یزدی و حاج شیخ محمّد تقی بجنوردی تحصیل کرد. بعد به اصفهان رفت و نزد علمای این شهر و نیز تهران نزد میرزا عبدالرحیم نهاوندی و میرزا محمّد اندرمانی شاگردی و از آن جا همراه همن-ام خود مولی علی اکبر نهاوندی، به عتبات عالیات مهاجرت کرد و در سامرا اقامت گزید و پای درس میرزا محمّد حسن مجدد شیرازی شرکت کرد و به سال ۱۳۰۸ه .ق. به نجف اشرف رفت و نزد سیّد محمّد کاظم طباطبایی یزدی و محمّد کاظم آخوند خراسانی و شیخ محمّد طه نجف و میرزا حبیب اللّه رشتی و شیخ الشریعه اصفهانی و شیخ محمّد حسن مامقانی و مولی لطف اللّه مازندرانی، حاج شیخ زین العابدین مازندرانی، حاج ملّا محمّد ترابیانی، سیّد ابوالقاسم اشکوری، میرزا محمّد تقی شیرازی و حاج ملّا حسینقلی همدانی، معارف الهی را به پایان برد و به درجه اجتهاد دست یافت و علوم حدیث را از حاج میرزا حسین نوری صاحب مستدرک فرا گرفت علاوه از میرزا حبیب اللّه رشتی، شیخ الشریعه اصفهانی، سیّد ابوالقاسم بن معصوم اشکوری، سیّد حسین کوه کمری، سیّد مرتضی کشمیری اجازه روایت دریافت کرد و به این ترتیب ایشان در حوزه های

علمی به عنوان یکی از بزرگان علم اشتهار یافت و جامعیتی را به دست آورد که بعدها با ترکیب آنها با علوم عقلی، شایستگی عنوان علّامه را به دست آورد.

علّامه نهاوندی در اواخر ماه ذی القعده سال ۱۳۱۷ه .ق. / ۱۲۸۰ه .ش. و به روایت آقا بزرگ تهرانی در نقباءالبشر در سال ۱۳۱۹، با توجه به مرضی که تن او را رنجور ساخته بود، به ایران آمد و یک ماه و نیم در تبریز ماند و از آن جا به نهاوند رفت و تا نیمه ماه ذی الحجه سال ۱۳۲۲ه .ق. در آن جا ماند و در محرم سال ۱۳۲۳ه .ق. / ۱۲۸۱ه .ش. به تهران هجرت نمود و تا سال ۱۲۸۷ه .ش. یعنی همه سالهایی که مصادف با انقلاب مشروطه بود، در تهران ماند. و در این مدت در بحث فقه حاج شیخ محمّد حسن آشتیانی و در بحث عرفان و علوم عقلی مرحوم حیدرخان نهاوندی و میرزای جلوه و محمّد رضا قمشه ای از اساتید فن معقول حضور می یافت.

مرحوم نهاوندی به سال ۱۳۲۸ه .ق. / ۱۲۸۷ه .ش. یعنی چهار سال پس از انقلاب مشروطه به مشهد آمد و مجاور امام عالمان شد و مورد استقبال همه مردم قرار گرفت و به تدریج مقبولیت عامه یافت و تا مدت ۱۲ سال بین الطلوعین ماه رمضان و بین الطلوعین دهه اول ماه محرم در مسجد جامع گوهرشاد و شبستان نهاوندی مردم را ارشاد و به اقامه نماز می پرداخت، بزرگان شهر و پرهیزکاران به او اقتدا می کردند و مرجع شرعی شهر شهادت شد.

ص:۱۱۴

او بعـد از اقـامه نمـاز عشـا به منبر می رفت و به موعظه می پرداخت. موعظه هـای او مالامـال از نکات نغز و مؤثر و با لهجه ای صادقـانه و همراه بـا اخلاص بود. حالات عبادی و خضوع و خشوع مخصوص به خود داشت، وی در سال ۱۳۶۶ه .ق. / ۱۳۲۶ه .ش. یعنی سه سـال پیش از درگـذشت خود به عتبـات مقـدسه رفت و شادروان شـیخ اسـماعیل نجومیان ماده تاریـخ بازگشـت ایشـان را در دیـوان خود آورده است و به سـال ۱۳۶۷ه .ق. به قم مشـرف شـد و مورد تجلیل مرحوم شـیخ عبـدالکریم حائری، مؤسس حوزه قم قرار گرفت.

آیت اللّه شـهاب الدین مرعشی در روز جمعه ۱۶ جمادی الاولی سال ۱۳۵۴ و میرزا علی محمّـد وزیری در سوم ماه ربیع الثانی ۱۳۶۳ و شیخ محمّد شریف رازی در سال ۱۳۶۴ از وی اجازه روایی دریافت کردند.

علاّمه نهاوندی در ۱۹ ربیع الثانی سال ۱۳۶۹ / ۱۳۲۹ در ۹۰ سالگی در مشهد درگذشت و جسد پاک وی در رواق دارالسعاده در پایین پای هشـتمین امام پاکان و کنار قبر شـیخ مرتضی آشتیانی دفن گردید و روح بلندش به عالم بالا عروج کرد. از ایشان تألیفات زیادی برجای مانده است.

(۵۶) نهاوندی – محمّد (۱۲۹۱–۱۳۷۱ه .ق.)

آیت اللّه حاج شیخ محمّد نهاوندی متخلص به «تجلی» فرزند

علّامه میرزا عبدالرحیم (۱۲۳۷-۱۳۰۴ه .ق.) فرزند میرزا نجف مستوفی از علما و مفسرین و مدرسین آستان قدس رضوی است و او را «زین العلما و المفسرین» نوشته اند.

وی پانزدهم رجب سال ۱۲۹۱ه .ق. در شهر نجف اشرف متولد شد. چهار ساله بود که به همراه پدر به قصد زیارت حضرت رضا علیه السلام به مشهد آمد و پس از بازگشت به تهران، در این شهر ساکن شد. بعد از وفات پدر، در سال ۱۳۰۴ه .ق. فقه، اصول و حکمت را نزد علمای تهران و برادر خود به پایان برد و با اشتیاق تمام به ادامه تحصیل همت گماشت. وی در سال ۱۳۱۷ه .ق. به اتفاق برادرش از تهران به مشهد آمد، و در حوزه درس برادرش و نیز شیخ حسنعلی تهرانی، حاج شیخ اسماعیل ترشیزی و میر سیّد علی حائری یزدی که از علمای بزرگ آن زمان بودند، حضور یافت و اجتهاد ایشان مورد تأیید همه این اساتید قرار گرفت.

شیخ محمّد برای تکمیل تحصیلات خود به عتبات عالیات رفت، مدتی در کربلا از محضر درس سیّد اسماعیل صدر اصفهانی (م ۱۳۳۸ه .ق.) بهره گرفت و پس از آن به نجف اشرف رفت و از محضر مرحوم آخوند خراسانی (م ۱۳۲۹ه .ق.)، سیّد محمّد کاظم یزدی (م ۱۳۳۷ه .ق.) حاج میرزا حسن خلیلی تهرانی (م ۱۳۲۶ه .ق.) و شیخ عبد اللّه مازندرانی (م ۱۳۳۰ه .ق.) استفاده برد و اخلاق را نزد ملا لطفعلی فرا گرفت. مدتی در سامرا بود و از محضر میرزا محمّد تقی شیرازی مشهور به میرزای دوم (م ۱۳۳۸ه .ق.) بهره مند شد. و با اطلاع از خبر کسالت و سکته قلبی

ص:۱۱۶

حسن نهاوندی برادر بزرگتر خویش به سال ۱۳۲۹ه .ق. به مشهد بازگشت و پس از ارتحال برادر، زمام امور شرعی مشهد را به عهده گرفت. در مدرسه میرزا جعفر تدریس می کرد و کتاب می نوشت و ساعتی را به حل مشکلات مردم اختصاص داده بود.

ایشان تألیفات عدیده ای دارد. از آثار چاپ شده او کتب مشروحه زیر است:

تفسیری به نام نفحات الرحمن در ۴ جلد، ضیاء الابصار فی مباحث الخیار و دیوانی به نام زبده المصائب، سراج النهج در مسایل عمره و حج، حاشیه بر کتاب الصلاه مرحوم حائری و خلل الصلاه.

آیت اللّه نهاوندی از شاهدان عینی به توپ بستن حرم مطهّر رضوی (۱۳۳۰ه .ق.) بود، و در آخرین صفحات کتاب زبده المصائب خود ضمن مدح امام رضا علیه السلام به این رویداد ناگوار اشاره کرده است:

امام هشتم فرخنده زاده موسی

که طاعتش زحق اول فریضه اهم است

ولی مطلق حق حکمران عالم قدس

امیر ملک عرب شاه کشور عجم است

جهان رفعت و دریای علم و معدن فضل

کتاب جامع احکام و مجمع حکم است

بود زکعبه فزون حرمت حریم درش

چه کعبه و حرم از این حرم محترم است

ص:۱۱۷

کلیم را کف دست ار چومه درخشان بود

زآفتاب درخشان ترش کف قدم است

دم مسیح حیات ار به مردگان می داد

به مردگان همه لعل لبش مسیح دم است

امین وحی خدا جبرئیل سدره نشین

به آستان جلالش زکمترین حرم است

نهاوندی پس از این ابیات با دلی پر درد و جانی سوخته به حادثه تکان دهنده به توپ بستن و تاراج حرم از سوی قوای روس اشاره می کند:

تنها مگر تو نیی حکمران ملک وجود

مگر نه ز امر تو امر زمانه منتظم است

زخاک طوس به چشم پر آب سر بردار

نگر که لشکر اسلام سرنگون علم است

اساس شرع زجور مسیحیان بر باد

بنای دین زجفای صلیب منهدم است

به صحن و قبه نورانیت رسیده زتوپ

چه صدمه ها که دل جن و انس منهدم است

نهاوندی انسانی متواضع و فروتن و زنده دل و با نشاط بود و زندگی خود را بسیار به سادگی سپری می کرد و از تبذیر و اسراف پرهیز داشت و هیچ قیدی نسبت به نوع غذا یا چگونگی استراحت خویش نداشت. ایشان حافظ کل قرآن بود و هنگام استراحت، در ذهن خود قرآن مجید را تورق می کرد. هفت سال از

عمر پر برکت خود را صرف نگارش تفسیر قرآن کرد. می کوشید مفاهیم بلند قرآن را در زندگی فردی و اجتماعی خود به کار ببندد. این بود که به رفع نیازهای مردم توجه تام داشت، چنان که گفته اند، آیت اللّه حاج آقا حسین قمی حل برخی مشکلات افراد را به ایشان ارجاع می داد.

نهاوندی با مسایل سیاسی بیگانه نبود و با آیت اللّه کاشانی روابط نزدیکی داشت. هرگاه به تهران می رفت به منزل ایشان وارد می شد. بالاخره پس از پنجاه سال تلاش معنوی و نشر احکام و حقایق اسلامی در ۲۵ ربیع الآخر سال ۱۳۷۱ه .ق. دار فانی را وداع گفت و در آستان قدس رضوی مدفون گردید.

(۵۷) واعظ خراسانی – مهدی (۱۲۸۶-۱۳۷۰ه .ق.)

شیخ محدثان، حاج شیخ مهدی واعظ خراسانی، فرزند شیخ احمد واعظ، فرزند شیخ محمّد حسین واعظ مشهدی، از خاندانی است که حدود دویست سال در راه وعظ و ارشاد و تدریس علوم به اسلام و مسلمانان خدمت کرده اند.

حدود سال ۱۲۸۶ه .ق. در مشهد به دنیا آمد، در چهاردهمین بهار زندگی پدر را از دست داد و در محضر حاج فاضل خراسانی و حاج سیّد عباس شاهرودی فقه و اصول، تفسیر و حکمت آموخت و تحت ارشاد مرحوم شیخ مهدی معروف به «شیخ

مهـدی کبیر» و مرحوم آخونـد بمـانعلی به تمرین وعـظ و خطـابه پرداخت. و در انـدک زمـانی بـا توجه به قـدرت حـافظه قوی احادیث و روایات زیادی را به حفظ سپرد.

واعظ خراسانی سالهای متمادی در جلو ایوان دارالسیاده حرم و زمستانها در شبستان گرم مسجد گوهرشاد منبر می رفت و همه ساله در ماه رمضان در زمینه عقاید و تفسیر بحث می کرد و شنوندگان از سخنان او یادداشت برمی داشتند. مباحث ایشان فقط پیرامون نقل حدیث نبود، بلکه شامل مطالب فلسفی، فقهی، کلامی، ادبی و تاریخی بود و بارها مورد تمجید علمای بزرگ از جمله مرحوم آیت اللّه العظمی بروجردی قرار گرفت.

مرحوم واعظ خراسانی حدود هفتاد سال در میان مردم به تبلیغ پرداخت. تعلیمات دینی او منحصر به مشهد و شهرهای بزرگ ایران نبود. او بجز مشهد به شهرهای سبزوار، نیشابور، یزد، اصفهان، تهران و کرمانشاه و همچنین بخارا، نجف، کربلا، کاظمین و سامرا سفر کرد و به تبلیغ مبادرت نمود.

ایشان به ویژه در نجف خطابه های زیادی ایراد کرد. شبها در صحن مطهّر امیرمؤمنان علی علیه السلام در زاویه نزدیک مسجد خضراء منبر می رفت. مرحوم آخوند خراسانی نیز در شمار کسانی بود که به سخنرانیهای وی ارج می نهاد و در زمان مرجعیت آیت اللّه العظمی سیّد ابوالحسن اصفهانی سالیان متمادی به دعوت ایشان به نجف می رفت و خود وی شخصا در پای منبرش می نشست.

ص:۱۲۰

در سال ۱۳۱۴ه .ش. در واقعه گوهرشاد شب هنگام به کمک اهل خانه و همسایگان از شهر متواری شد و مدت چهار سال زندگی مخفی داشت. او به اتفاق پسرش استاد محمّد واعظ زاده خراسانی که آن موقع چهارده سال بیشتر نداشت، به عتبات رفت و تا سال ۱۳۲۱ه .ش. در نجف بود و در مسجد هندی آن شهر و نیز در کربلا در صحن مطهّر حضرت امام حسین علیه السلام و منزل علمای اعلام منبر می رفت. در ضمن با مراجع و علمای حوزه علمیه نجف و کربلا مانند مرحوم میرزای نائینی (م ۱۳۵۵ه .ق.) در سفرهای قبل و آقا ضیاءالدین عراقی، آیت اللّه شاهرودی، حاج میرزا حسن بجنوردی، شیخ محمّد علی کاظمینی و دیگران رابطه صمیمی داشت.

ایشان پس از سقوط رضاخان به اشاره آیت اللّه سیّد ابوالحسن اصفهانی، در سال ۱۳۲۱ه .ش. به ایران بازگشت و تا سال ۱۳۲۹ه .ش. در مشهد و شهرهای دیگر منبر می رفت و طی سفری به تهران، پس از سپری شدن محرم و صفر، روز پنجم ربیع الاول سال ۱۳۷۰ه .ق. در این شهر درگذشت و در تشییع جنازه ایشان همه علما و آیات و روحانیان بلندپایه و بازاریان شرکت کردند و آیت اللّه کاشانی بر ایشان نماز خواند و جنازه اش را به مشهد انتقال دادند و پس از تشییع باشکوه در محل دارالضیافه در میان قبرهای قائم مقام و میرزا مهدی اصفهانی، زیر طاق سمت چپ چسبیده به دارالسیاده، به خاک سپرده شد.

ص:۱۲۱

(۵۸) واعظ طبسی – غلامرضا (۱۳۱۳–۱۳۵۵ه .ق.)

مرحوم حاج شیخ غلامرضا واعظ طبسی فرزند محمّد مهدی مهدوی از علما و مفاخر سخنوران و معاریف وعّاظ قرن چهاردهم هجری است. وی در ملاحت سخن و ورزیدگی بیان و تسلط بر فنون سخنوری بی نظیر بود و شهرتش در همه نقاط کشور و کشورهای شیعه نشین گسترش یافت.

ایشان در حدود سال ۱۳۱۳ه .ق. در طبس گلشن در خانواده ای مؤمن و اهل فضل چشم به جهان گشود، پس از تحصیلات مقدماتی، سال ۱۳۴۱ه .ق. به قم هجرت کرد و از محضر میرزای همدانی و آخوند ملاـ علی همدانی و بیشتر نزد آیت اللّه مرعشی نجفی بهره برد. او در قم با کمال عسرت و سادگی زندگی می کرد و از سال ۱۳۴۵ه .ق. به کار تبلیغ پرداخت.

مرحوم آیت اللّه العظمی اراکی در مسافرتی که مرداد سال ۱۳۷۲ه .ش. به مشهد داشت، درباره مرحوم طبسی فرمود: «آقای طبسی در مدرسه خان حجره داشت و من هم لدی الورود آن جا بودم، حجره من محاذی حجره ایشان بود، هنگامی که آقای طبسی با رفیق خود آقای حاج شیخ حسن همدانی مباحثه می کرد صدایش آن قدر رسا و بلند بود که از داخل حجره به گوش من می رسید. صحبت ایشان در منبر آن چنان مسلسل وار و روان بود که طی یک ساعت سخنرانی گویا نفس نمی کشید و به این جهت

مورد عنایت خاص حضرت آیت اللّه العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی قرار داشت».

مرحوم واعظ طبسی، واعظی خوش بیان بود و با متانت و آرامش سخن می گفت. شیوه دلنشینی در سرآغاز سخنرانیهای خود داشت که با مقدمه چینی های وعّاظ دیگر متفاوت بود. گاهی سخنان خود را با مقدمه سعدی بر کتاب گلستان آغاز می نمود: «منت خدای را عزّوجلّ که طاعتش موجب قربت است و به شکر اندرش مزید نعمت، هر نفسی که فرو می رود ممدّ حیات است و چون برمی آید، مفرّح ذات. پس در هر نفس دو نعمت موجود است و بر هر نعمت شکری واجب».

این نوآوری چنان جاذبه داشت که مردم از همه جا به پای سخنان او کشیده می شدند. ایشان در شهرهای بزرگی مانند تهران، قم، همدان و یزد به وعظ می پرداخت و در مخاطبین خود شور ایمانی خاص برمی انگیخت. در همدان پای منبرش مسلمانان، یهود و نصاری شرکت کرده و تحت تأثیر سخنان او اشک از چشمانشان جاری می شد. در تهران جای افراد به دلیل کثرت شرکت کنندگان خرید و فروش می شد. صاحب آثار الحجه می نویسد: «بلاغت و فصاحت این نادره زمان بر اثر توجهات و عنایات خاصّه حضرت فاطمه معصومه بوده است».

در سفر عربستان و عراق و سوریه مورد احترام قرار گرفت. او نخستین واعظی بود که روی منبر علیه اقدامات رضاخان و کلاه فرنگی و زمزمه رفع حجاب سخن گفت و پس از بازگشت از سفر

حج در سال ۱۳۵۵ه .ق. و توقفی کوتاه در مشـهد، در مسیر خود به تهران، در شهر سبزوار به دلیل داشتن بیماری سل در پنجم شعبـان همان سال برابر با ۱۳۱۵ه .ش. درگـذشت و پیکر پاکش به مشـهد انتقال یافت و در شـمال بقعه پیر پالان دوز به خاک سپرده شد.

(۵۹) هاشمی نژاد – سیّد عبدالکریم (۱۳۱۱–۱۳۶۰ه .ش.)

مجاهـد شـهید سیّد عبدالکریم هاشـمی نژاد که یکی از چهره های روحانیّت مبارز است، به سال ۱۳۱۱ه .ش. در بهشـهر متولد شد. در اوایل نوجوانی به روسـتای کوهسـتان دو کیلومتری بهشـهر رفت و در خدمت حضـرت آیت اللّه کوهسـتانی به تحصیل پرداخت، وی همیشه این دوران را نقطه عطفی در زندگی دینی خویش می دانست.

وی برای ادامـه و تکمیـل تحصـیلات عـازم قـم شـد و در آن جـا از محضـر حضـرت آیت اللّه العظمی بروجردی و همچنین از محضـر حضـرت آیت اللّه العظمی امام خمینی قـدس سـره به مدت ۱۴ سـال تا سال ۱۳۴۰ بهره جست و بارهـا مـورد تشویق و تقدیر اساتید خود قرار گرفت.

ایشان همزمان با رحلت آیت اللّه بروجردی به مشهد هجرت کرد و در حوزه علمیه مشغول تدریس شد و جلساتی را در کانون بحث و انتقاد دینی برای دانشجویان و افراد مشتاق دنبال می کرد.

این جلسات به صورت آزاد اداره می شد و نزدیک ۱۷ سال دوام آورد، تا این که ساواک ایشان را از شرکت در این بحثها بازداشت.

در نهضت ۱۵ خرداد، هاشمی نژاد به پیام امام لبیک گفت. در شب ۱۵ خرداد، شبی که سپیده دم آن حماسه آغاز انقلاب اسلامی را رقم زد، او جزء اولین دستگیرشدگان بود.

ایشان از سال ۱۳۴۲ تا ۱۳۵۷، پنج بار بازداشت شد. بازداشت دوم ایشان به جریان مسجد فیل مربوط می شد.

روز ۲۲ مهر سال ۴۲ سخنرانی وی در مسجد فیل علیه بی بندوباری زنان که از سوی رژیم پهلوی دنبال می شد، به درگیری میان مردم و نیروهای امنیتی انجامید و دو نفر به شهادت رسیدند و ساواک ایشان را دستگیر نمود.

او پس از پایان یافتن دومین دوره دستگیری اش به مبارزات خود بُعد تازه ای بخشید و با فعالیت بیشتر، جلسات بحث و انتقاد را در کانونهای گرم و پرشور نسل جوان ادامه داد و به سؤالات فراوانی که در ذهن فرزندان اسلام پدید می آمد پاسخ می داد و همچنین حوزه درس فقه و اصول او مرتّبا دایر بود. استاد شهید که در مشهد در هیچ مکانی حق منبر رفتن و سخن گفتن را نداشت، در این مدت توانست در شهرستانهای مختلف ایران سخنرانیهای پرشور و تکان دهنده ای ترتیب دهد و هیچ گاه دست از فعالیّت و روشن کردن مردم و برمَلا ساختن جنایات رژیم شاه برنداشت تا این که بار دیگر در سال ۱۳۵۰ پس از ده شب سخنرانی مستمر پیرامون علت عقب ماندگی مسلمین در یکی از مساجد شیراز

ص:۱۲۵

دستگیر و زندانی شد و از آن به بعد برای همیشه در سرتاسر کشور ممنوع المنبر شد.

شهید هاشمی نژاد و حضرت آیت اللّه خامنه ای رهبر انقلاب و حضرت آیت اللّه طبسی تولیت عظمای آستان قدس رضوی مثلث مقاومتی را به وجود آوردند که در اواخر دوران رژیم پهلوی همواره در کنار یکدیگر در شهر مقدس مشهد برای آزادی و رهایی مردم از چنگک استبداد فعالیت داشتند.

شهید هاشمی نژاد روز ۱۸ تیر ماه ۵۴ به اتهام اقدام علیه امنیت کشور، همراه آیت اللّه واعظ طبسی و تنی چند از مبارزین دستگیر و روز دوم دیماه ۵۴ به دو سال زندان محکوم شد.

آخرین بازداشت ایشان مربوط می شود به روز ۲۲ خرداد ۵۷ و اوج گیری انقلاب اسلامی که پس از یک روز با تحصن مردم در بیت آیت اللّه العظمی سیّد عبد اللّه شیرازی آزاد شد.

ایشان بدون تردید یکی از گردانندگان اصلی انقلاب اسلامی در مشهد بود تا این که روز ۷ مهر ۱۳۶۰ به دست منافقان به شهادت رسید و چشم از حیات مادی فرو بست و به ملکوت الهی پیوست. و روز هشتم مهر در محل دارالسلام حرم مطهّر به خاک سپرده شد.

ص:۱۲۶

منابع

۱- آیینه پژوهش: شماره ۶۲.

۲- اعلام الوری باعلام الهدی: طبرسی، امین الاسلام، مکتبه الحیدریه، نجف، ۱۳۹۰ه .ق.

۳- الذریعه: تهرانی آقا بزرگ، دارالاضواء، بیروت، چاپ سوم.

۴- الکنی و الالقاب: قمی، عباس، امیرکبیر، تهران.

۵- امل الآمل: حر عاملی، حسن، تحقیق سیّد احمد حسینی، انتشارات جاوید، ۱۳۶۲ش.

۶- تاریخ علمای خراسان: مدرس، عبدالرحمن، تصحیح محمّدباقر ساعدی، نشر دیانت، مشهد، بی تا.

۷- تکاپوگر اندیشه ها (مصاحبه های علامه محمّد تقی جعفری): تنظیم علی رافعی، دفتر فرهنگ نشر اسلامی، تهران، ۱۳۷۷ش.

۸- دایره المعارف بزرگ اسلامی.

۹- دایره المعارف تشیّع.

۱۰- دایره المعارف فارسی مصاحب.

۱۱- روضات الجنات: خوانساری محمّد باقر، ترجمه محمّد باقر ساعدی، کتابفروشی اسلامیه، تهران، ۱۳۹۸ه .ق.

ص:۱۲۷

۱۲- شجره طیّبه: رضوی، محمّد باقر، به اهتمام سیّد محمّد تقی مدرس رضوی، چاپخانه حیدری، تهران، ۱۳۵۲ش.

۱۳- فردوس التواریخ: بسطامی، نوروز علی، چاپ سنگی، تبریز، ۱۳۱۵ه .ق.

۱۴- قیام گوهرشاد: سینا واحد.

۱۵- گنجینه دانشمندان: رازی، محمّد شریف، کتابفروشی اسلامیه، تهران، ۱۳۵۳ش.

۱۶- مجله پیام انقلاب: ۹ مهر ۱۳۶۲ش.

۱۷- مجله نگاه حوزه: شماره های مختلف.

۱۸- مفاخر اسلام: دوانی، علی، انتشارات امیرکبیر، تهران، چاپ اول، ۱۳۶۳ش.

۱۹- منتخب التواریخ: خراسانی، هاشم، کتابفروشی محمّدحسن علمی، تهران، بی تا.

۲۰- نامه دانشوران ناصری: جمعی از فضلای دوره قاجار، مؤسسه مطبوعاتی دارالفکر قم، چاپ دوم، بی تا.

۲۱- نشان از بی نشانها: مقدادی اصفهانی، علی، انتشارات زوار مشهد، ۱۳۷۱ش.

۲۲- هدیه الاحباب: قمی، عباس، انتشارات امیرکبیر، تهران، چاپ دوم، ۱۳۶۳ش.

ص:۱۲۸

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که مـا را در دستیـابی به این هـدف یـاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادنـد تقـدیر و تشـکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصـفهان -خیابان عبـدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شـهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹